



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

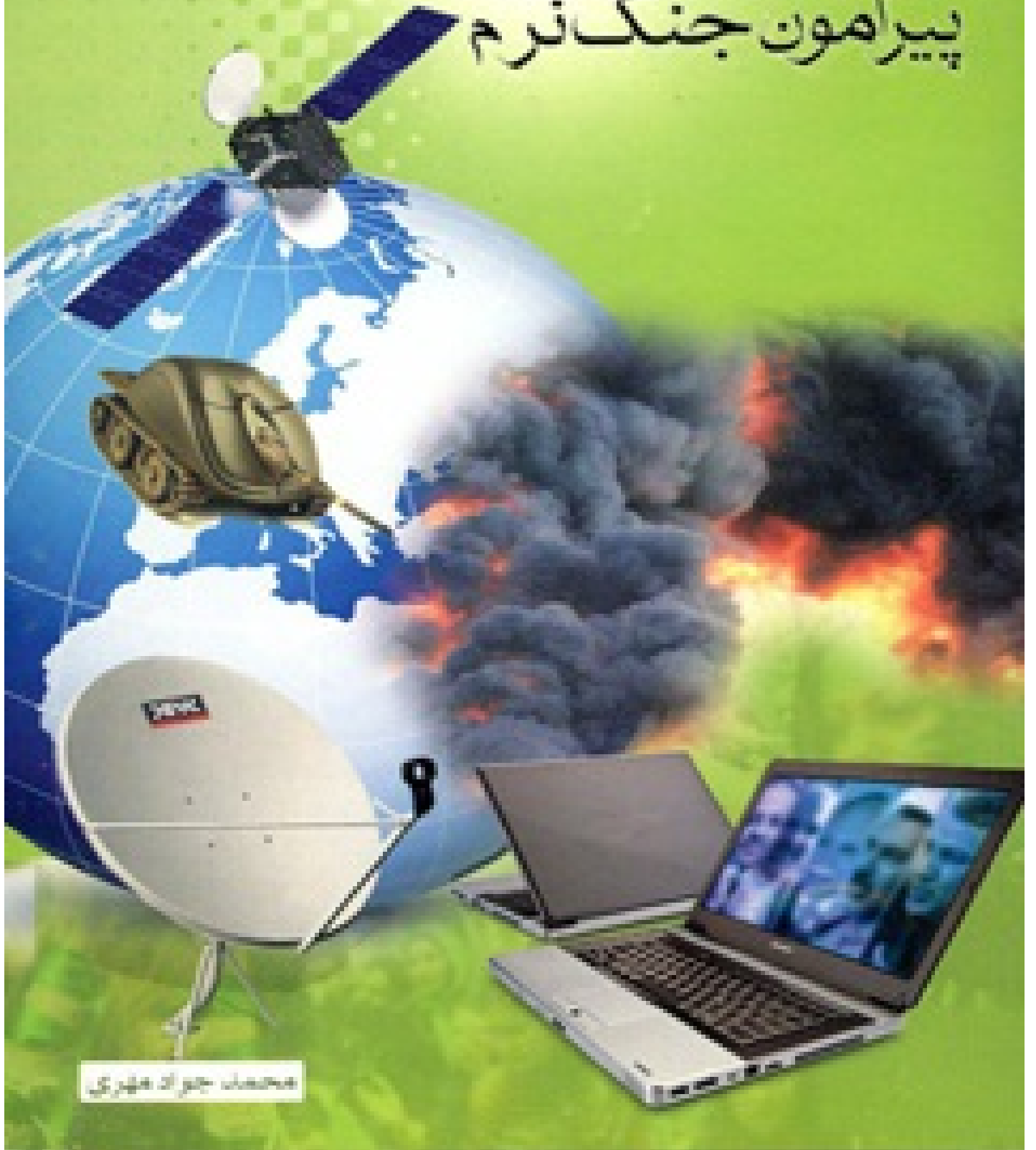
.org

.net

.ir

گفتگوری افسران جوان با فرمانده

پیرامون جنگ نرم



مصحفان جوان شهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

نویسنده:

محمد جواد مهري

ناشر چاپی:

مشرقین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم	۹
مشخصات کتاب	۹
اشاره	۹
مقام معظم رهبری (مدظله العالی):	۱۳
و اینک اصل گفتگو و مصاحبه را با هم مرور می کنیم	۱۴
دانشجو: ما مزاحم شما شدیم تا پیرامون یکی از مباحثی که امروز بسیار در ادبیات سیاسی و فرهنگی کشور تکرار می شود و در رسانه ها، مطبوعات و صدا و سیما روی آن بحث می شود یعنی جنگ نرم، با هم گفتگویی داشته باشیم؟	۱۴
استاد:	۱۴
استاد:	۱۴
دانشجو: لطفاً بیشتر توضیح فرمایید؟	۱۵
استاد:	۱۵
اکنون اگر موافق باشید، بخشی از عین تعابیر و بیانات حضرت آقا را با هم مرور کنیم:	۱۶
دانشجو: طرح بحث جنگ نرم را دغدغه و قصه ی پر غصه ی ۲۰ ساله ی مقام معظم رهبری دانستید چرا این تعبیر را به کار بردید؟	۲۲
استاد:	۲۲
دانشجو: اگر صلاح می دانید به برخی از این دغدغه ها که با تعابیر مختلفی در طول این ۲۰ سال از جانب مقام معظم رهبری بیان شده اشاره فرمایید؟	۲۳
استاد:	۲۳
اشاره	۲۳
الف) تهاجم فرهنگی، شیبخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی	۲۳
ب) ناتوی فرهنگی	۲۴
ج) مظلومیت فرهنگ	۲۵
د) جنگ نرم	۲۶
دانشجو: وقتی مقام معظم رهبری این مباحث را مطرح می فرمودند عده ای آن را توهم می دانستند و این خطر را جدی نمی گرفتند در این زمینه توضیحاتی فرمایید؟	۳۷
اشاره	۳۷
نقشه های شیطانی دشمنان ملت ایران	۳۸
دانشجو: به اصل بحث برگردیم لطفاً فرمایید جنگ نرم اساساً از چه زمانی وارد ادبیات سیاسی روابط بین المللی شد؟	۴۶
استاد:	۴۶
دانشجو: اساساً مفهوم و ماهیت جنگ نرم چیست، در این باره توضیحاتی فرمایید؟	۵۰
استاد:	۵۰
دانشجو: لطفاً فرمایید جنگ نرم چه تفاوتی با جنگ سخت دارد و ویژگی های هر کدام را مختصری توضیح دهید؟	۵۹
استاد:	۵۹
اشاره	۵۹
۱. نامحسوس و نامرئی است:	۶۰
۲. دراز مدت و دیرپا بودن:	۶۱
۳. اقدام با برنامه قبلی:	۶۱
۴. حمله به مغزهای یک ملت است:	۶۲
دانشجو: فرمایید دشمنان ملت ایران در جنگ نرم چه هدفی را دنبال می کنند؟	۶۳
استاد:	۶۳
دانشجو: استاد همان طور که در بیانات شما بود عرصه های جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و عمده ترین هدف در جنگ نرم، تأثیر گذاری بر انتخاب ها و کنترل فرآیند تصمیم گیری و شیوه اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی	
اشاره	۶۶
استاد:	۶۶

دانشجو: بلی به ترتیب به هر دو پاسخ فرمایید ممنون می شویم. ----- ۶۶

استاد: ----- ۶۶

اشاره ----- ۶۶

۱. خانواده ----- ۶۷

۲. مدرسه و مراکز آموزشی قبل از دانشگاه ----- ۶۹

۳. دانشگاه و مراکز آموزش عالی ----- ۷۰

دانشجو: استاد لطفاً پیرامون وسایل و ابزارهای جنگ نرم که دشمن از آنها برای ضربه زدن استفاده می کند توضیحاتی فرمایید؟ ----- ۷۲

استاد: ----- ۷۲

اشاره ----- ۷۲

۱. تلویزیون ----- ۷۲

۲. رادیو ----- ۷۳

۳. اینترنت ----- ۷۵

۴. ماهواره ----- ۷۷

اشاره ----- ۷۷

تأثیرات منفی و مضرات ماهواره ----- ۷۹

۵. کتب و نشریات ----- ۸۱

۶. روزنامه ها ----- ۸۲

۷. عکس ها و پوسترهای تبلیغاتی ----- ۸۳

۸. سینما ----- ۸۴

دانشجو: استاد لطفاً فرمایید شیوه ها و تکنیک هایی که دشمن در جنگ نرم ممکن است از آنها استفاده کند کدام اند؟ ----- ۸۵

استاد: ----- ۸۵

اشاره ----- ۸۵

اختلاف افکنی، تفرقه و شایعه پراکنی ----- ۸۵

القای یأس و ناامیدی ----- ۸۵

تهدید و ارعاب ----- ۸۶

دانشجو: لطفاً درباره بازی های رایانه ای اگر توضیحاتی فرمایید ممنون می شویم؟ ----- ۸۷

استاد: ----- ۸۷

دانشجو: استاد با توجه به حرکت دشمنان برای زرددن فرهنگ دینی، راه های مقابله با این حرکت چیست؟ ----- ۸۹

استاد: ----- ۸۹

اشاره ----- ۸۹

۱. شناخت دشمن و اهداف او در جنگ نرم ----- ۸۹

۲. تقویت بیش از حد دینی و سیاسی ----- ۹۰

۳. دقت در برنامه های آموزشی و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان ----- ۹۱

۴. احیای عزت نفس ----- ۹۱

۵. پیشگیری از عوامل نفوذی دشمن ----- ۹۲

۶. استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی ----- ۹۲

دانشجو: استاد از پیامدهای شوم جنگ نرم بر ایمان بگوید؟ ----- ۹۳

استاد: ----- ۹۳

اشاره ----- ۹۳

۱- پیروی کورکورانه از الگوهای فرهنگ مهاجم ----- ۹۳

۲- سست شدن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی ----- ۹۳

۳- دگرگونی ارزش ها - - - - - ۹۴

۴- گسترش فساد و بی بند و باری - - - - - ۹۴

۵- وابستگی سیاسی- اقتصادی - - - - - ۹۵

دانشجو: لطفاً بفرمایید چه عواملی دست به دست هم می دهد که دشمنان در جنگ نرم موفق شوند به تعبیر - - - - - ۹۵

استاد: - - - - - ۹۵

اشاره - - - - - ۹۵

الف) زمینه های داخلی پیدایش جنگ نرم - - - - - ۹۶

۱. بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی - - - - - ۹۶

۲. خودباختگی فرهنگی - - - - - ۹۷

۳. تحمل گرایی و رفاه طلبی - - - - - ۹۸

۴. عدم شناخت صحیح دین و بی توجهی در عمل به آن - - - - - ۹۹

ب) زمینه های خارجی پیدایش جنگ نرم - - - - - ۱۰۰

اشاره - - - - - ۱۰۰

۱. تبلیغ علیه ادیان الهی - - - - - ۱۰۰

۲. برتری نژادی - - - - - ۱۰۲

۳. رشد صنعت و تکنولوژی - - - - - ۱۰۳

۴. وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه ها - - - - - ۱۰۵

دانشجو: امروز در محاورات و ادبیات سیاسی از کودتای مخملی یا (انقلاب های رنگی) زیاد سخن به میان می آید در این باره هم توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم - - - - - ۱۰۷

اشاره - - - - - ۱۰۷

استاد: - - - - - ۱۰۷

دانشجو: پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در رسانه ها از بنیادهای طراح و حامی کودتای مخملی خیلی صحبت می شد مخصوصاً بنیاد سوروس، در این زمینه هم توضیحاتی بفرمایید؟ - - - - - ۱۰۹

استاد: - - - - - ۱۰۹

دانشجو: مکرر در بیانات مقام معظم رهبری صحبت از استکبار جهانی است لطفاً بفرمائید استکبار جهانی چیست؟ و چرا رهبری آنقدر روی این مسأله تأکید دارند؟ - - - - - ۱۱۷

استاد: - - - - - ۱۱۷

دانشجو: استاد معذرت می خواهم می شود روشن و بازر صحبت کنید، مگر آنها در حق ما چه کردند؟ - - - - - ۱۱۸

استاد: - - - - - ۱۱۸

اشاره - - - - - ۱۱۸

۱- تحریف ماهیت - - - - - ۱۱۸

۲- تجزیه طلبی قومی - - - - - ۱۲۰

۳- تروریسم - - - - - ۱۲۳

۴- محاصره اقتصادی - - - - - ۱۲۴

۵- تهاجم نظامی آمریکا (صحرای طیس) - - - - - ۱۲۵

۶- کودتا - - - - - ۱۲۷

۷- جنگ تحمیلی - - - - - ۱۲۹

۸- تهاجم فرهنگی - - - - - ۱۲۹

۹- جنگ روانی- تبلیغاتی - - - - - ۱۳۲

۱۰- انحرافات اصلاحات - - - - - ۱۳۵

دانشجو: لطفاً بفرمایید مهمترین و کلیدی ترین نکته ای که ما باید آن را نقشه ی راه خود قرار بدهیم تا در این جنگ نرم دچار لغزش و احیاناً سقوط نشویم چیست؟ - - - - - ۱۴۰

استاد: - - - - - ۱۴۰

اشاره - - - - - ۱۴۰

بصیرت در لغت: - - - - - ۱۴۱

۱۴۲	بصیرت در اندیشه سیاسی
۱۴۴	بصیرت کیست؟
۱۴۵	بصیرت در اسلام
۱۴۹	بصیرت از منظر حضرت امام خمینی (ره)
۱۵۲	بصیرت از منظر مقام معظم رهبری
۱۵۲	الف) ضرورت‌های بصیرت
۱۵۶	ب) کارکردهای بصیرت
۱۵۶	اشاره
۱۵۷	۱- برای ماندن در خط ولایت
۱۵۷	۲- برای حرکت در زندگی پیچیده اجتماعی امروز
۱۵۸	۳- جهت شناخت دوست و دشمن در شرایط فتنه
۱۵۸	۴- شناخت طرف مقابل خودتان
۱۵۹	۵- برای جلوگیری از ضربه دشمن
۱۵۹	۶- برای جلوگیری از مشتبه شدن حق و باطل
۱۶۰	۷- برای شناخت عوام از خواص
۱۶۱	۸- کند سازی همه ی تیغهای دشمن
۱۶۱	۹- راه نجات از دشمن واقعی
۱۶۲	۱۰- جلوگیری از کارهای دشمن
۱۶۲	۱۱- دفع دشمنی ها
۱۶۳	۱۲- محکمی برای محاسبه همکاری یا عدم همکاری با دشمن
۱۶۳	۱۳- جهت یابی در غبار فتنه
۱۶۳	۱۴- عامل پیروزی ملت ایران
۱۶۴	۱۵- موجد دریای خروشان انقلاب
۱۶۴	۱۶- عامل عبور انقلاب از حوادث بزرگ
۱۶۵	۱۷- شناخت ترفندهای دشمن
۱۶۶	۱۸- نیستن چشم بر سوابق دشمن
۱۶۶	۱۹- جلوگیری از تأثیر دشمن بر خواص
۱۶۷	۲۰- ممانعت از سکوت و کنار کشیدن خواص در فضای فتنه
۱۶۷	۲۱- عاملی برای توجه به انگیزه های دشمن
۱۶۹	منابعی که در این مصاحبه و گفتگو مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته اند:
۱۷۱	آثار نگارنده
۱۷۱	اشاره
۱۷۵	و اما مقالات
۱۷۶	درباره مرکز

گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

مشخصات کتاب

گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

(با تکیه بر هشداریهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)

مؤلف: . محمد جواد مَهری

ناشر: انتشارات مشرقین، ۶۶۱۶۱۲۶-۷

چاپخانه: دانش قم، ۷۲۲۹۷۶۶-۷

مصاحبه کنندگان: جمعی از دانشجویان دانشگاه ها

صفحه آرایی و طراح جلد: محمد جواد واعظی

نوبت چاپ: . اول / بهار ۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک:

۹-۴۶-۵۷۸۱-۹۶۴

* قیمت: ۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

قم، خ خاکفرج، کوچه ۷۵، انتشارات مشرقین.

قم، خ ارم، ۱- بوستان فرهنگی نینوا ۲- بوستان فرهنگی قائم قم، خ ارم، پاساژ قدس، طبقه زیر زمین، بوستان فرهنگی نرگس

ص: ۱

اشاره

گفتگوی افسران جوان با فرمانده

پیرامون جنگ نرم (۱)

(با تکیه بر هشداریهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)

۱۳۶۸ - ۱۳۸۸ ه - ش

محمد جواد مَهری

ص: ۴

۱- این عناوین را از بیانات مقام معظم رهبری استخراج کردیم که فرمودند: دانشجویان، افسران جوان جنگ نرم، و اساتید فرماندهان جبهه مقابله با جنگ نرم هستند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید،

من مکرر این جمله ی امیرالمومنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: الا و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر،

می دانید، سختی پرچم امیرالمومنین از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود، چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمومنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. (۱)

ص: ۵

۱- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۱/۵/۸۸.

و اینک اصل گفتگو و مصاحبه را با هم مرور می کنیم

و اینک اصل گفتگو و مصاحبه را با هم مرور می کنیم(۱):

دانشجو: ما مزاحم شما شدیم تا پیرامون یکی از مباحثی که امروز بسیار در ادبیات سیاسی و فرهنگی کشور تکرار می شود و در رسانه ها، مطبوعات و صدا و سیما روی آن بحث می شود یعنی جنگ نرم، با هم گفتگویی داشته باشیم؟

استاد:

در خدمت شما هستیم.

دانشجو: ممنونیم، لطفاً بفرمایید این بحث از چه زمانی آغاز و توسط چه کسی برای اولین بار وارد ادبیات سیاسی و فرهنگی کشورمان شد؟

استاد:

این بحث، اولین بار در دیداری که دانشجویان و نخبگان علمی کشور در تاریخ ۸/۶/۸۸ با مقام معظم رهبری داشتند مطرح شد، سپس حضرت آقا دو

ص: ۶

۱- این گفتگو در ایام نوروز سال ۱۳۸۹ در منزل مؤلف انجام شده است. شایان ذکر است که استاد بسیجی محمدجواد مظهری دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و دکترای تاریخ اسلام است و زمینه تخصصی و مطالعاتی اش تاریخ، تراجم، سیره، فقه، اندیشه سیاسی اسلام و حقوق می باشد و در محضر اساتیدی همچون حضرات آیات عظام: بهجت فومنی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی تبریزی، صالحی مازندرانی، و مقام معظم رهبری تلمذ نموده اند و تاکنون بیش از ۵۰ اثر تالیفی داشته اند.

دیدار دیگر در تاریخ ۸/۶/۸۸ با اساتید دانشگاه ها و ۱۴/۶/۸۸ با جمعی از هنرمندان و شعرا داشتند که بحث جنگ نرم را تبیین و سپس در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲/۷/۸۸ از اهداف دشمن در جنگ نرم پرده برداشتند.

دانشجو: لطفاً بیشتر توضیح بفرمایید؟

استاد:

مقام معظم رهبری در این چهار دیدار که در طول یک ماه اتفاق افتاد روی نکات خوب، کلیدی و حساسی دست گذاشتند که به برخی از آنها اجمالاً اشاره می‌کنیم.

۱. جنگ نرم راست است و واقعیت دارد.

۲. این جنگ بر علیه انقلاب، امام و همه آرمان‌های امام و انقلاب است.

۳. از این جنگ تعبیر به جنگ عظیم فرمودند.

۴. معظم له فرمودند من از سال ۶۷ نسبت به این نقشه‌ی دشمن تذکر و هشدار داده‌ام، در واقع طرح این بحث، دغدغه و قصه‌ی ۲۰ ساله‌ی مقام معظم رهبری بود.

۵. نخبگان فکری جامعه را مورد خطاب قرار دادند که باید به میدان بیایند.

۶. در این بیانات از دانشجویان به عنوان افسران جوان در مقابله با جنگ نرم و از اساتید به عنوان فرماندهان جبهه مقابله با این جنگ یاد نمودند.

۷. همچنین وظیفه دانشجویان و اساتید را تبیین فرمودند.

ص: ۷

۸. در دیدار اعضای مجلس خبرگان هم مفصلاً به خطوط اصلی دشمنان و اهداف آنها در جنگ نرم اشاره داشتند.

اکنون اگر موافق باشید، بخشی از عین تعابیر و بیانات حضرت آقا را با هم مرور کنیم:

الف) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی - ۴/۶/۱۳۸۸

یک چیزی را هم حالا - من بگویم، چون دیگر دارد وقت می گذرد. ببینید عزیزان! شماها می دانید - چون دیدم در بیانات شماها هم هست - امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم - که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت های شما جوان ها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه ی خوشحالی است - خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیانند؟ قدر مسلم نخبگان فکری اند. یعنی شما افسران جوان جبهه ی مقابله ی با جنگ نرمید.

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، این ها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛

این ها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاق های فکرتان بنشینید، راه کارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله ی با یک حرکت همه جانبه ی متکی به

ص: ۸

زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته ی علمی رسانه ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

ب) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها- ۸/۶/۱۳۸۸

۱- عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه ی جنگ نرم، یکی اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید- مرکز خوشبینی- مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده ای دارد» شد، به دنبالش بی عملی، به دنبالش بی تحرکی، به دنبالش انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می خواهد.

۲- شرط دیگر این است که در قضایا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرک و تندی است. این دوره ی زندگی شما را ما هم گذرانده ایم؛ آن هم در دوران های انقلاب و اوائل مبارزات و این ها بوده. تندی را می دانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت می کردند که آقا تندی نکنید، ما می گفتیم که نمی فهمند چقدر لازم است تندی کردن. می دانم تصور شما چیست، اما حالا از ما بشنوید دیگر. مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمی برد. با فکر، تصمیم بگیرید. البته جوان امروز از جوان دوره ی ما فکورتراست؛ این را به شما عرض بکنم. شما امروز جوان هایی هستید که

ص: ۹

تجربه تان، اطلاعاتان، آگاهی هایتان، از آن دوره جوانی ما- از پنجاه سال پیش از این- خیلی بیشتر است؛ قابل مقایسه نیست با جوان امروز. بنابراین توقع این که شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضایا، رفتار کنید، توقع زیادی نیست.

۳- آن چه که مهم است این است که یک انسان با شرف، مؤمن، معتقد به اهداف والای جمهوری اسلامی، بداند که در این جور حوادث چه کار باید بکند؛ این، مهم است. این، آن چیزی است که مخاطبه ی من با شما دانشگاہیان را در این مسئله ی خاص الزامی می کند، که من- البته کوتاه صحبت می کنم، بنا هم ندارم در این زمینه تفصیلاً حرف بزنم- در چند روز پیش هم که جوان های دانشجو این جا بودند- حسینه همین طور که حالا اجتماع هست،

اجتماعی بود از جوان ها- به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوان ها هم همین را می گفتند؛ مکرر قبل از این که بنده بگویم، آنها هم می گفتند و همه این را می دانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوان های دانشجو، افسران جوان این جبهه اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچ گونه از خودش تصمیم گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه ها و یگان های بزرگ، چون آنها طراحی های کلان را می کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می کند، هم صحنه را درست می بیند؛ با

جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا این ها افسران جوانند، دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می بینند، در چهارچوب هم کار می کنند.

۴- خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه ای دارد؟ اگر در زمینه های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید، دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سربکشید و براساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه های مختلف، فرماندهان بالا این نقش ها را ایفا می کنند.

۵- حالا- استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته ی حال و آینده ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی کند. به این ها قدرت تحلیل بدهید. به این ها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک

نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. این که می گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده ای ندارد. این روحیه ی «فایده ای ندارد»- یأس از آینده- سم مهلک همه ی فعالیت هاست؛ چه فعالیت های اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیت های علمی، فعالیت های پژوهشی. این کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه های علوم تجربی و دانش های گوناگون انجام دادند، این ها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به این جا نمی رسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می برد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده ی علمی اش، از آینده ی شغلی اش. این خیلی مضر است. این کاری است که تو برنامه های دشمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

۶- یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجوست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنان چه بحث های مهم تخصصی در زمینه ی سیاسی، در زمینه های اجتماعی، در زمینه های گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیط های سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این

بحث ها به محیط های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد

آمد. وقتی که با عامه ی مردم، افراد مواجه می شوند، همه نمی توانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه ی با عامه ی مردم انسان ها را دچار انحراف ها و انحطاط ها و لغزش های زیادی می کند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می بینید در مواجهه ی با عامه ی مردم یک حرفی می زنند، یک چیزی می گویند، در اعماق دلشان، ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی ها جوگیر می شوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیط های خاص، محیط های آزاداندیشی و آزاد فکری، این مسائل مطرح بشود- مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش برانگیز- مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد. خوب، این هم راجع به این مسئله.

راجع به معنویت هم که بعضی از دوستان مطرح کردند، بنده صددرصد موافقم با این که باید محیط دانشگاه، محیط معنویت باشد. این امنیت و احساس امنیتی هم که بعضی از دوستان به درستی بیان کردند، یقیناً با معنویت به دست خواهد آمد. جوان ها را هر چه می توانیم با خدا، با یاد خدا، با توجه به عالم غیب، با تعبد به مبانی دین و احکام دین و شریعت و تسلیم در مقابل احکام الهی، ظرفیت معنویشان را بیشتر کنیم.

هرچه این جوان ما بیشتر متعبد باشد، بیشتر متدین باشد، بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر به خدا احساس نیاز کند و دست نیاز به سوی خدا بیشتر دراز بکند، عمل او، رفتار او، فکر او، از آسیب کمتری برخوردار خواهد بود و جامعه از او بهره ی بیشتری خواهد برد.

همین که حالا معمول شده که در بیان ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است. یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی زنم من از بعد از جنگ سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته ام، بارها و بارها، علت این است که من صحنه را می بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را، می بینم صف آرای ها را، می بینم دهان های از حقد و غضب گشوده شده و دندان های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمان ها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند؛ این ها را انسان دارد می بیند. خب چه کار کند؟ این تمام نشده، چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.

دانشجو: طرح بحث جنگ نرم را دغدغه و قصه ی پر غصه ی ۲۰ ساله ی مقام معظم رهبری دانستید چرا این تعبیر را به کار بردید؟

استاد:

این تعبیر بنده نیست، خود آقا در دیدار با جمعی از هنرمندان و شعراء فرمودند: این حرف را من امروز نمی زنم، من از بعد از جنگ - سال ۱۳۶۷ - همیشه این را گفته ام، بارها و بارها.

بنابراین، از آغاز دوران رهبری و ولایت حضرت آقا بحث جنگ نرم و دشمنی دشمن، دغدغه ی معظم له بوده و در همان اوائل با تعابیر مختلفی

ص: ۱۴

چون تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، قتل عام فرهنگی، ناتوی فرهنگی و اخیراً جنگ نرم را مطرح فرمودند.

دانشجو: اگر صلاح می دانید به برخی از این دغدغه ها که با تعابیر مختلفی در طول این ۲۰ سال از جانب مقام معظم رهبری بیان شده اشاره بفرمایید؟

استاد:

اشاره

نمونه های فراوانی از بیانات آقا وجود دارد که در کتب و نشریات هم چاپ شده که ذیلاً به صورت اجمالی به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی

۱. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی شود از بین برد، محاسبه قبلی آنها غلط از آب درآمده بود، همین طور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی شود کار کرد، چراکه وقتی ملت قانع، صبور، متکی به نفس، و متوکل علی الله باشد، هرگز شکست نخواهد خورد... لذا فهمیدند که باید عقبه ها- پشت جبهه ما- را بمباران کنند... عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود. (۱)

۲. تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد، این تهاجم وسیع تر از انقلاب و علیه اسلام است، چیز عجیب و فوق العاده ای است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی علیه اسلام...

ص: ۱۵

است، حتی اسلام به معنای اعتقاد عوامانه مردم هم، مورد تهاجم است، چه برسد به اسلام ناب و انقلابی. (۱)

۳. امروز مهم ترین چیزی که در مراکز قدرت سیاسی دنیا برای بلند مدت مطرح است، سلطه ی فرهنگی است. (۲)

۴. یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مؤمن را از پابندی های متعصبانه به ایمان - همان چیزی که یک فرهنگ را نگه می دارد - منصرف کنند، مانند همان کاری که در قرن های گذشته در اندلس (اسپانیای فعلی) کردند، جوان ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می گساری، این کارها در حال حاضر دارد انجام می گیرد. (۳)

۵. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد، کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت که شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است، امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند. (۴)

۶. من در پنج، شش سال قبل از این احساس کردم که یک حرکت خزنده فرهنگی در کشور دارد شروع می شود، برای چه؟ برای هدف قرار دادن نقطه اصلی، نقطه اصلی چیست؟ ایمان مردم... همان ایمان بود که توانست

ص: ۱۶

۱- مبلغان، شماره ۲۵، ص ۳۵

۲- ۶/۱۱/۷۸

۳- ۲۲/۵/۷۱

۴- ۲۳/۴/۷۱

خود را در جنگ نشان دهد، ایمان را چگونه می شود هدف گرفت، با وسایل فرهنگی، ایمان و عقیده چیزی نیست که با زور بشود آن را عوض کرد، ایمان مردم را با زور نمی توانستند عوض کنند، با چه وسیله ای می توانستند مقاصد خود

را انجام بدهند؟ با وسایل فرهنگی، و این کار را شروع کردند... یک عده هم به صورت فریب خورده و غافل به این ها نگاه می کردند بعضی ها متأسفانه آنها را کمک می کنند. (۱)

۱.۷ اگر شما ملت و عناصر فرهنگی، خدای نخواستہ بیدار نباشید، صدای فرو ریختن ارزش های معنوی که ناشی از تهاجم فرهنگی پنهان و زیرکانه دشمن است، هنگامی در می آید که دیگر قابل علاج نیست، این که کسی بتواند جوانی را در اوج نیروی جوانی فاسد کند، کار مشکلی نیست، به خصوص اگر مفسدین تشکیلاتی هم داشته باشند و الآن دشمن دارد این کار را می کند... جوانی وقتی دچار شهوترانی می شود، ایمان خود را از دست می دهد، در اوایل کار حتی گریه می کند، اما به تدریج او را از راه به در می کنند، دشمنان بچه های مدرسه ای و بچه های دبیرستانی و حتی راهنمایی ما را همین طور فاسد می کنند. (۲)

۱.۸ این که ما مکرر گفته ایم و می گوئیم که توطئه ی فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می کنم، متکی به استدلال است، شعار نمی دهم. من این را مشاهده می کنم. امروز دشمن با شیوه ای بسیار

ص: ۱۷

۱- ۲۵/۶/۷۸

۲- ۲۱/۵/۷۱

زیرکانه در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام عیار فرهنگی علیه ماست. (۱)

۹. این مسأله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد... ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی در تهدید دشمنان است... ما نباید چیزی را که روشن و واضح است انکار کنیم؛ در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه های جمعی ما، در کتاب هایی که می نویسند، در ترجمه هایی که می کنند، در شعرهایی که می سرایند، در برنامه های فرهنگی علی الظاهر بی ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می شنوید، همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد... امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی گیرد، ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته ایم. (۲)

۱۰. تهاجم فرهنگی مثل خودکار (قلم) فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است. نباید از یاد ببریم که متأسفانه در سالیان گذشته یک نوع نگاه مسموم نسبت به مقولات فرهنگی در کشور ما وجود داشته که موجب

ص: ۱۸

۱ - ۲۵/۶/۷۰

۲ - ۲۰/۹/۷۰

واکنش‌هایی نیز از سوی متدینین و به خصوص نخبگان متعهد جامعه دانشگاهی و حوزوی شده است. بدون تعارف باید پذیرفت، ضعف مدیریت‌های کلان فرهنگی، عدم تطابق لازم میان داده‌های فرهنگی و خروجی‌های آن، نگاه سیاست‌آلود به بخش فرهنگ جامعه از جمله مهم‌ترین چالش‌های ما در گذشته بوده که متأسفانه هنوز نیز اثرات آن تا حدی وجود دارد. رفع نسبی این معضلات اولاً نیازمند نگاه وحدت‌گرایانه مسوولان است و ثانیاً بیداری و هشیاری دو چندان نخبگان را می‌طلبد. (۱)

۱۱. امروز هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی کشور است، آنان درصددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهن‌ها و دل‌ها بزدایند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و

دست‌نشانندگان امپراتوری‌های زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردید افکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شیخون فرهنگی را جدی نمی‌گرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینند. بی‌شک نخستین آماج این شیخون، جوانانند. به ویژه آنان که در جاده‌ی دانش و فرزاندگی قدم بر می‌دارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و

ص: ۱۹

هزینه‌ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی به روشنی می‌دانیم که مهمترین پاسخ‌گوبنده‌ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است.

شما جوانان عزیز می‌توانید اثر انگشت دشمن را در بسیاری از مسائلی که امروزه در فضای سیاسی و فرهنگی مطرح است، مشاهده کنید و نشانه‌های هدفمندی این مسائل و جریان‌ها را به سوی تغییر باورهای اسلامی و انقلابی ببینید، این واقعیت باید سمت و سوی فعالیت‌های جامعه اسلامی دانشجویان و دیگر تشکلهای اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.

در این راه آموختن دین و سیاست از انسان‌های امین و آگاه و نیز رعایت پرهیزکاری و پارسایی در کار شخصی و جمعی، و البته کمک و راهنمایی طلبیدن از خداوند دانا و مهربان، خط روشن و مسیر بی‌ضلالت است، از خداوند توفیق همه‌ی شما را مسئلت می‌نماییم. (۱)

۱۲. امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است. از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آنها می‌ریزند. باید در مقابل این‌ها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم. البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید. فکر او را باید بشناسید. آن‌چه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. این‌ها همه

ص: ۲۰

ملایبی می خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه ی این ها زیر عنوان مهارت های دینی خلاصه می شود. (۱)

۱۳. امروز دشمن جبهه ی وسیعی را با استفاده از ابزارهای مؤثر خطرناک و کارآمد و نیز با بهره گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا جمهوری اسلامی را هدف یک یورش همه جانبه ی فرهنگی قرار دهد. مقابله با این تهاجم بسیار خطرناک و ویرانگر، نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و روش های مشابه دشمن و یا شیوه های جایگزین آن است. (۲)

۱۴. من یک بار دیگر هم در اوایل امسال این هشدار را دادم، این هم بار دوم است، من با مسئولین اتمام حجت می کنم، مسئولین باید در این مورد اقدام بکنند، ببینند کدام روزنامه است که از حدود آزادی پا را فراتر می گذارد، آن چه را برای این ملت مفید است، آن چه حقیقی است، آن چه که بیان رأی بدون توطئه است، آن را از توطئه، خیانت و اضلال و ناامید کردن مردم جدا کنند، این ملت، ملت انقلابی است، ریشه های ایمانی در این کشور، خیلی عمیق است، سال ها حالت استکبار و استعماری، با همه مظاهر بی ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند، آن کسانی که نگاهشان به دروازه های غرب و به خصوص امریکاست، تا ببینند آنها چه اشاره ای می کنند و این ها همان را بگویند، چه فکر می کنند، مگر می شود به کسانی که تقریباً همه این بیست سال را در مقابل انقلاب و امام و مردم ایستاده

ص: ۲۱

۱- ۱۷/۸/۸۵

۲- ۹/۹/۷۱

اند، اجازه داد که حالا بیایند میدان دار صحنه بشوند و بنا کنند گذشته این بیست سال را، گذشته این انقلاب را،

گذشته این ملت را، دوران امام را، با اهانت و دروغ و تهمت زیر سوال ببرند. (۱)

۱۵. الان یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است... کم هم نیستند «قلم به مردها» و «فرهنگ های دین و دل باخته» و نشسته پای بساط فساد استکبار... که برای مقاصد استکبار قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند... (۲)

۱۶. «دولت با این امکانات و عظمت، باید مردم را به سمت اسلام و مبانی اسلامی پیش برد. من از بعضی بخش های دولتی گله دارم و چند بار گفته ام، معتقدم کم کاری می شود، در محیط کار فرهنگ ما به عنوان اسلام، خیلی کم کار شده است، وزارت ارشاد اعلام نمی کند که من می خواهم سینمای اسلامی درست کنم، چرا خجالت می کشیم؟ ما باید محتوای سینما را اسلامی کنیم.

چرا گفته نمی شود در هنرهای نمایشی، در دانشگاه، می خواهیم کارگردان مسلمان تربیت کنیم... می خواهیم فیلمنامه نویس مسلمان درست کنیم... فضای جامعه را اسلامی کنیم؟ در محیط دانشگاه چرا تصریح نمی شود که می خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟ آقای مهاجرانی (وزیر ارشاد دولت خاتمی) ظاهراً در این جلسه نیستند، خودشان را راحت کردند که این

ص: ۲۲

۱- ۲۵/۶/۷۷

۲- ۹/۷/۷۷

حرف‌ها را نشنوند، فرق نمی‌کند باشند یا نباشند، من اعتراضم این است، بارها گفته‌ام وزارت ارشاد در این دو سال که ایشان در رأس کار هستند، هیچ کار اسلامی به عنوان اسلامی نکرده، این اولین اعتراض من است.

من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار، کم‌تر اعتراض می‌کنم، پیغام تند می‌دهم، اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلامی انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده، برنامه هنری، اسلامی، گزارش علمی، اگر خطا دارد، تلاش و کار هم دارد.

سوال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت مبانی فکری، انقلابی و اسلامی ساخته است؟ الان مرتب در سالن‌های وابسته به ارشاد مواردی نمایش داده می‌شود که بعضی‌ها صد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است، اگر در کنار این همه، چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می‌خواستند مبلغ اسلام باشند، من اعتراض نمی‌کردم.

بنده اهل رمان خواندن بودم و الان هم با رمان بی‌ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است، فاسدترین رمان‌ها الان منتشر می‌شود، در این فضا وزارت ارشاد برای این است که اسلام را ترویج کند، البته من به سازمان تبلیغات هم اعتراض دارم، منتهی سازمان

تبلیغات نسبت به ارشاد، امکانات کم‌تری دارد... من از وزارت ارشاد راضی نیستم. (۱)

ص: ۲۳

رهبر معظم انقلاب با نشان دادن عمق نارضایتی و ناخشنودی خود از سیاست های فرهنگی، افکار عمومی را متوجه لایه های زیرین این حرکت خزنده و عاملان پیدا و پنهان آن کرد.

تداوم این روند خطرناک اندکی بعد، رهبری را به اتخاذ تصمیم عملی در برابر این انحراف بزرگ واداشت، رهبر انقلاب در سخنرانی اول اردیبهشت ۱۳۷۹ که در جمع ده ها هزار جوان بسیجی ایراد کرده بود، بار دیگر به تبیین اهداف دشمنان انقلاب اسلامی در توطئه فرهنگی پرداخته و در یک دستور ضمنی به مسئولین امر از منظر امنیتی، خواستار برخورد قاطع با تعدادی از نشریاتی شدند که در حکم پایگاه دشمن عمل می کردند.

۱۷. من در نماز جمعه گفتم، که قلباً از بعضی پدیده هایی که در کشور است رنج می برم، نمی خواهم آن چیز که برای من رنج آور است را با افکار عمومی مطرح کنم، اما آن داستان غم انگیز را می گویم، من دو سال قبل از این در یکی از خطبه های نماز جمعه گفتم که دستگاه های استکباری دنیا و امریکا از تبلیغات، برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشور استفاده می کنند و البته به آن دستگاه های تبلیغی گفتم این که شما سرنوشت کشورهای اروپای شرقی را در ایران دنبال کنید، خیال خام است، اما متأسفانه همان دشمنی که به وسیله تبلیغات خود همتش این است که کشور را ساقط کند، امروز در داخل پایگاه پیدا کرده است، بعضی از مطبوعات پایگاه دشمن شده اند.

من نه با آزادی مطبوعات مخالفم و نه با تنوع مطبوعات، اگر به جای بیست روزنامه، دویست روزنامه هم دریابید، بنده خوشحال تر هم خواهم شد و از زیادی روزنامه ها احساس بدی ندارم، مطبوعات هر چه بیشتر باشند بهتر است.

اما وقتی مطبوعاتی پیدا می شوند که همه همتشان تشویش افکار عمومی و ایجاد بدبینی مردم به نظام است و ۱۰ تا ۱۵ روزنامه گویا از یک مرکز هدایت می شوند، تیترهایی می زنند که هر کس نگاه می کند، فکر می کند همه چیز در کشور از دست رفته! امید را در جوانان می میرانند، روح اعتماد به مسئولین را در مردم ضعیف می کنند، نهادهای رسمی را تضعیف می کنند، مدل این ها کیست؟ مطبوعات غربی هم این گونه نیستند، این یک شارلاتانیزم مطبوعاتی است...

در هر حادثه ای جو تهمت فضا را پر می کند، تروری اتفاق می افتد، هنوز هیچ اطلاعی در دست نیست، هنوز از این که این حادثه را چه کسی انجام داده، هیچ کسی سر نخ می نداشته، اما می بینید که در روزنامه تیر می زنند، سپاه را متهم می کنند، بسیج را متهم می کنند، روحانیت را متهم می کنند، هدف از این کارها چیست؟ چرا با بسیج این قدر بد هستند؟

در بسیاری از این مطبوعات آدم های خوبی مشغول به کار هستند، چه آنها که قلم می زنند و چه آنها که اداره می کنند، اما در لا به لای همین ها، من ردپای عبدالله ابن اُبی ها را می بینم، یأس پراکنی ها و ناامید کردن را می بینم.

عناصر مرید دشمن را چهره سازی می کنند و عناصر دلسوز و مؤمن و مخلص را سعی می کنند از نظرها بیندازند. البته این کارها به جایی نمی رسد.

من مایل نبودم با این حرارت و تفصیل درباره برخی مطبوعات، حرف بزنم اما ناگزیر شدم، با مسئولین صحبت کردم، رئیس جمهور محترم هم مثل من ناراحت است، شنیدم ایشان برخی را جمع کردند و نصیحت کردند، نمی دانم کار با نصیحت پیش می رود. (۱)

(ب) ناتوی فرهنگی

برای این ها آن چه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت های اروپایی و غیره نفوذ کنند... و پول کسب کنند و این کمپانی ها، سرمایه های عظیم، کارتل ها و تراست ها را به وجود آورند. اخلاق جنسی ملت ها را خراب کنند و مصرف گرایی را در بین آنها ترویج دهند، بی اعتنایی به هویت های ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج دهند. این ها اهداف کلان آنها بوده است که همیشه لشگری هم از امکانات فرهنگی و رسانه ای و روزنامه های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت این ها بوده است. در مقابل پیمان ناتو که امریکایی ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند، اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیر از آن استفاده می کردند. حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده اند. این بسیار چیز خطرناکی است... سال هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه

ص: ۲۶

زنجیره ای به هم پیوسته از رسانه های گوناگون، اینترنت، ماهواره ها، تلویزیون ها و رادیوها، در جهت اهداف مشخصی حرکت می کنند تا سررشته تحولات جوامع را برعهده بگیرند. این ها صهیونیست ها و سرمایه دارهایند و عموماً هم، در امریکا و اروپا هستند. همان ناتوی فرهنگی در مجموعه خود، بسیاری از این دانشمندان، متفکران، هنرمندان، ادبا و امثال این ها را هم دارد. (۱)

ج) مظلومیت فرهنگ

نکته بعدی که می خواهم سفارش کنم، این است که از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت بندی ها، این اولویت فدای اولویت های دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسأله ی فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه ی ما با فرهنگ سازی حل می شود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه ی فرهنگی دارد کار می کند. این جنگ های روانی، این فعالیت های فرهنگی، این بودجه های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهن ها می گذارند، همه اش مربوط به مسأله ی فرهنگ است. فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه ی کارها همه برخاسته ی

ص: ۲۷

از آن چیزی است که شما استنشاق کرده اید. اگر چنانچه چه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه ای که در اندام ها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله ی کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن پردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان های فرهنگی، و عامل های فرهنگی - هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه ی تلاششان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید... (۱)

(د) جنگ نرم

همین که حالا معمول شده که در بیان ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است.

یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی زنم من از بعد از جنگ سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته ام، بارها و بارها، علت این

ص: ۲۸

است که من صحنه را می بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟ چه کار کند انسان؟! من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را، می بینم صف آرایی ها را، می بینم دهان های از حقد و غضب گشوده شده و دندان های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمان ها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند؛ این ها را انسان دارد می بیند. خب چه کار کند؟ این تمام نشده چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. (۱)

دانشجو: وقتی مقام معظم رهبری این مباحث را مطرح می فرمودند عده ای آن را توهم می دانستند و این خطر را جدی نمی گرفتند در این زمینه توضیحاتی بفرمایید؟

اشاره

این عده که شما اشاره کردید بعضی ها واقعاً تحلیل نداشتند و آن چیزی که حضرت آقا می دیدند این ها نمی دیدند بعضی ها هم می دیدند ولی نمی خواستند قبول کنند چون دل هایشان و ذهن هایشان برای آن طرف آب می تپید و عاشق و دل باخته فرهنگ غرب بودند. من الان

نمی خواهم به این موضوع بپردازم و اسم بیاورم که این خائنین به ملت در پوشش روشنفکری خصوصاً در دوره ۸ ساله اصلاحات چه کارها که نکردند. ولی کافی است ما به گفته ها و نوشته های شیطان تئوری پردازان و متفکران اندیشه غربی اشارتی داشته باشیم تا وجدان های بیدار قضاوت کنند که دغدغه های حضرت آقا واقعیت بود یا توهم!؟

ص: ۲۹

۱- سرگئی گورکینیان (رئیس مرکز مطالعات استراتژیک روسیه) می گوید: من اسنادی را در غرب دیدم که آنها تلاش می کنند کشور شما و جامعه شما را نابود کنند و شما- ملت ایران- باید هوشیار باشید، هدف اصلی آنها کم رنگ کردن و بی اعتبار ساختن اسلام است، اگر بتوانند به ایدئولوژی شما ضربه بزنند، کشورتان را متلاشی می کنند. (۱)

۲- ادوارد شولی (یکی از مقامات سابق سیا) می گوید: کلید اصلی ایجاد تغییر بنیادین در ایران، از بین بردن نفوذ روحانیون و عقاید انقلابی است، اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم پاشد، آن وقت می توان گفت تغییر ایجاد شده است. (۲)

۳- دیوید کیو- مأمور سازمان سیا- می گوید: مهم ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم بر آن هستیم. (۳)

۴- الکساندر آلدیره (نویسنده فرانسوی) می گوید: من در هیچ کجای دنیا و در هیچ انقلابی از انقلاب های تاریخ ندیده و نشنیده ام که روشنفکران یک جامعه در کشاکشی ویرانگر، بنیان های پولادین جامعه خود را با پتک تحلیل ها و

ص: ۳۰

۱- طرح های مدرن امریکا علیه انقلاب و مردم ایران، ص ۲۴.

۲- کیهان، ۳۰/۴/۷۷.

۳- نقد اندیشه ها، ص ۵۰.

رفتارهای سیاسی در هم بکوبند، اما این اتفاق بی سابقه در انقلاب ایران در حال انجام است.^(۱)

۵- گری سیک (مشاور سابق امنیت ملی امریکا و عضو برجسته سازمان سیا) می گوید: من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشاره های ما را دنبال می کنند، آنها ششلولی بالا برده اند تا هر کس و هر چه را با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند.^(۲)

۶. گری سیک در جایی دیگر می گوید: من چگونه خوشحال نباشم که در ایران موج تازه ای برپا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را در هم بیچد و حکومتی

نظیر حکومت ایران در دوران شاه عربستان سعودی را روی کار بیاورد.^(۳)

۷- «آموس پرلموتر»، استاد علوم سیاسی دانشگاه آمریکن و سردبیر نشریه مطالعات استراتژیک، تخصیص بیست میلیون دلار توسط دولت امریکا برای فعالیت های براندازی علیه جمهوری اسلامی را اقدامی ضروری دانسته، پیشنهاد می کند این مبلغ صرف جنگ روانی و تهاجم فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران شود و در انجام این طرح از ضد انقلابیون به عنوان عوامل اجرایی استفاده شود، این تحلیل گر امریکایی خواستار افزایش بودجه مربوط به این توطئه شده و می نویسد:

ص: ۳۱

۱- ماهنامه صبح، شماره ۹۱، فروردین ۷۸.

۲- کیهان، ۸/۵/۷۹.

۳- همان مدرک.

این بیست میلیون دلار نباید به اقدامات سرّی اختصاص یابد، بلکه باید به تبلیغات روانی گسترده و فعالیت های روشنگرانه در حمایت از مخالفان بنیادگراها و نیروهای غیرمذهبی اختصاص داده شود. این پول باید به جای اختصاص یافتن به فعالیت های سرّی، به یک جنگ تهاجمی روانی اختصاص یابد. بیست میلیون دلار برای آن هدف مبلغ بسیار ناچیزی است. اقدامات ضد ایران باید با بصیرت و بینش آگاهانه به مورد اجرا گذاشته شوند.^(۱) حال بد نیست ببینیم که این «ضد انقلابیون» و «مخالفان بنیادگراها» و «نیروهای غیرمذهبی» که آقای پرلموتر می خواهد توسط آنان اهداف جنگ روانی و تبلیغاتی امریکایی پیدا شود، کیستند؟

۸- سرتیپ «محمد آیرملو» یکی از سرکردگان گروه های سلطنت طلب، در کیهان چاپ لندن، طی مقاله ای ضمن اشاره به قدرت مذهب چنین می نویسد:

«این نیروی خارق العاده مذهب، آن هم به شکل ساخته و پرداخته و انحراف یافته، هم اکنون در دست آخوندها است، و هنوز مغز شمار بزرگی از توده مردم در گرو آنهاست. برای اجرای برنامه براندازی باید این حربه را از دست آنها گرفت و این کاری است بس مشکل اما شدنی. حال که آخوندها مذهب را به صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآورده اند، چرا ما از راه مبارزه ایدئولوژیک با آنها پیکار نکنیم؟ اتفاقاً از این راه دور، برای ایرانیان

ص: ۳۲

بیرون از سرزمین ایران، بهترین کوشش براندازی همین مبارزه ایدئولوژیک با آخوندها است. (۱)

۹- «منوچهر گنجی» سرکرده گروهک «درفش کاویانی» که وابسته به سازمان «سیا» است، نیز در بیانیه ای که به مناسبت تأسیس «سازمان حقوق بشر و آزادی های

اساسی برای ایران» منتشر کرده بود، چنین آورده بود: مبارزه فرهنگی - سیاسی مردم ما، مبارزه ساکن و غیر مستقیم نیست. بلکه به طور علنی و مستقیم و آشکار انجام می گیرد، مردم و سیاست مداران ما می کوشند با بهره جویی از فرهنگ غنی ایران، عدم مشروعیت رژیم آخوندی را برملا کنند... امروز جنگ بین آخوندها و ملت ما، در میدان فرهنگ جریان دارد. (۲)

خوب، ملاحظه کردید که چگونه به اصطلاح «روشنفکران» وابسته به «سیا» توصیه های آقای پرلموتر و سایر تئورسین های حکومت امریکا را در عمل به مرحله ی اجرا می گذارند؟ آقای پرلموتر در ادامه تحلیل خود می نویسد: تنها راه سرنگونی رژیم خطرناک و متعصب ایدئولوژیک ایران، یک مبارزه سیاسی - روانی و روشنفکرانه می باشد، نه از طریق اقدامات نظامی.

ص: ۳۳

۱- محمد آیرملو، کیهان لندن، شماره ۱۷۲، ص ۷ و ۱۴.

۲- بیانیه اعلام موجودیت «سازمان حقوق بشر و آزادی های اساسی برای ایران» پاریس، ۳۰/۸/۷۱.

۱۰- رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، در بهمن ماه ۱۳۷۳ خواستار «یک استراتژی کلی ایالات متحده آمریکا در جهت جایگزین ساختن رژیم فعلی ایران با زور» شد. وی پیشنهاد کرد که:

هدف دولت آمریکا باید این باشد که به مردم ایران جهت سرنگون کردن رژیم استبدادی روحانیون کمک شود. (۱)

۱۱- مجله «تایم» نیز در این رابطه نوشت: رئیس مجلس نمایندگان آمریکا مبلغ هجده میلیون دلار برای طرحی علیه ایران اختصاص داد و از سازمان اطلاعات این کشور خواست تا به طریقی و تحت یک نقشه پنهانی، درصدد تغییر حکومت ایران برآید... وی در طرح اولیه خود برای براندازی رژیم ایران، بودجه ای صد میلیون دلاری درخواست کرده بود که این بودجه سرانجام به هجده میلیون دلار رسید و جزو بودجه های محرمانه سازمان سیا قرار گرفت. (۲)

۱۲- پروفیسور «اریک هوگلاند» نیز که یکی از مخالفان تحریم ایران است، در کنفرانس بین المللی «ایران در حال ظهور» در شهر کاونتری انگلیس گفته بود:

امریکا اعتقاد دارد با توجه به پیروزی در جنگ سرد و تبدیل شدن به تنها ابرقدرت جهان، می تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد... هیچ شکی

ص: ۳۴

۱- آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۱۱.

۲- همان مدرک.

ندارم که هدف واقعی سیاست «مهار دوگانه» امریکانست به ایران، سرنگون کردن دولت ایران است.^(۱)

۱۳- «نتانياهو» نخست وزير سابق اسرائيل نیز در مجمع سالیانه یهودیان امریکا، با اشاره به برخی از طرح ها و توطئه های صهیونیست ها علیه جمهوری اسلامی ایران، گفته بود: من از بقای جمهوری اسلامی ایران در شگفتم... بودجه بیست میلیون دلاری که در این جا (امریکا) برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است، تنها یکی از صدها طرح و برنامه ای است که ما و امریکا به کار بسته ایم.

تعجب من از همین است، ما هم اکنون ایران را در بایکوت خبری به تنگ آورده ایم، با اطلاق عنوان تروریست به آن، همه افکار جهانیان را با آن به مخاصمه آورده ایم، به طوری که اوضاع داخل ایران نیز از آن یک دستی دهه ی اول انقلاب خارج شده است و خط قرمزهای حتمی نظام به چالش محافل سیاسی درآمده، اما این رژیم به گونه ای شگفت و نامعلوم، آسیب های خود را ترمیم می کند.^(۲)

۱۴- «هنری پرشت» مسئول سابق میز ایران در وزارت خارجه امریکا، نیز در این مورد گفته بود:

اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با ترامکان ارتباط با امریکا شروع شده و حالا به تردید در اساسی ترین وجه انقلاب اسلامی مشغول

ص: ۳۵

۱- همان مدرک.

۲- همان مدرک.

است، بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت فقیه را بر کشتی تردید سوار کند، بار سنگینی از دوش امریکا برداشته خواهد شد. این بار سنگین همان است که امروز ایران را از غرب دور نگه داشته و امکان صلح با اسرائیل را تا حد صفر تنزل داده است. (۱)

۱۵- «پاتریک کلاوسون» نیز در این باره می گوید: یک رویکرد فعال برای امریکا، تشویق نیروهای دموکراتیک در داخل ایران است، نزدیکی بیش از حد امریکا به اصلاح طلبان، می تواند عکس العمل منفی داشته باشد و در این راستا، امریکا می تواند با استفاده از برنامه های رادیو امریکا، رادیو آزادی، و برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره، پیام خود را به مردم ایران برساند. (۲)

۱۶- سناتور «جوزف بایدن» نیز در این زمینه توضیحات بیشتری می دهد: ما باید قدم های بسیار حساب شده و سنجیده ای برداریم که هدف آن کمک به افرادی باشد که خواهان دگرگونی در ایران هستند... دولت بوش باید به تمامی سازمان های غیر دولتی امریکا اجازه دهد تا به گروه های ایرانی مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، فرهنگی و خواهان دموکراسی، کمک مالی کنند. (۳)

۱۷- «کنت تیمرن» نیز در گزارشی چنین گفته بود که: ما باید از طرفداران دموکراسی در ایران بخواهیم رژیم کنونی را سرنگون کنند، چرا که این

ص: ۳۶

۱- همان مدرک.

۲- همان مدرک.

۳- همان مدرک.

رژیم منافع امریکا را تهدید می کند... استفاده از اهرم های فرهنگی، بهترین وسیله ای است که امریکا در مقابله با رژیم تهران در دست دارد. استفاده از فشارهای اقتصادی تا مدتی برای جلوگیری از سرمایه گذاری در بخش گاز و نفت موفق بود، ولی پرداختن به مسایل اقتصادی باز هم درمان عوارض مشکلات امریکا با رژیم ایران است و نه درمان ریشه ای این مشکل. مبارزه اقتصادی و نظامی با رژیم ایران در نهایت با شکست روبه رو خواهد شد، مگر این که از اهرم های فرهنگی نیز استفاده کامل شود... بر ملا شدن حمایت های پنهانی امریکا از گروه های مخالف رژیم، می تواند موجب محبوبیت رژیم ایران در بین مردم شود. امریکا باید از بعضی دولت های منطقه بخواهد به رهبران مذهبی شیعه ی مخالف رژیم و هم چنین ایرانیان سنی مذهب در بلوچستان، کنار سواحل خلیج فارس و در مرز آذربایجان کمک کنند. (۱)

۱۸- یکی از مسئولین سابق شورای امنیت ملی امریکا نیز در طی یک میزگرد تلویزیونی در واشنگتن، هدف نهایی توطئه های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را چنین بیان می کند که:

برپایی یک شورش مردمی علیه حکومت روحانیون در ایران، بزرگ ترین پیروزی است که در راستای جنگ ایالات متحده علیه تروریسم قابل تصور است. من شخصاً بهتر از این چیزی را نمی توانم تصور کنم، زیرا ایران الگویی برای اسلام گرایان در سراسر جهان است. حکومت ایران دین

ص: ۳۷

گراست، حکومتی است که در آن اسلام حاکم است... اگر در شرایط کنونی، یک حکومت دین گرا در ایران سقوط کند، بسیار عالی خواهد شد. زیرا این به تمام جهان نشان خواهد داد که وقتی اسلام گرایان به قدرت می رسند و نظام خود را برقرار می کنند، نتیجه کار چه خواهد شد. (۱)

دانشجو: به اصل بحث برگردیم لطفاً بفرمایید جنگ نرم اساساً از چه زمانی وارد ادبیات سیاسی روابط بین المللی شد؟

استاد:

پیرامون این موضوع، بد نیست بنده اشاره کنم به «کتاب جمهوری اسلامی و قدرت نرم» که توسط آقای محمود رضا گلشن پژوه تألیف شده و دفتر گسترش تولید علم، وابسته به معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، آن را در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسانده است، فصل دوم این کتاب اشاره به تاریخچه به کارگیری مفهوم قدرت نرم دارد، مرور این بخش پاسخی به سوال شماست:

استفاده خاص از این کلمه «جنگ نرم» در علم روابط بین الملل برای نخستین بار توسط جوزف نای، نظریه پرداز برجسته آمریکایی در مقاله ای با عنوان «گمراه کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه «آتلانتیک» در مارس ۱۹۹۰ مطرح گشت. وی در این مقاله می گوید: «اگر آمریکا تنها ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به برنامه ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را

ص: ۳۸

ارتقا داده و هم کمک های موثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق تر از «قدرت سخت» دست می یابد که به آن می گوئیم «قدرت نرم».

نای پس از آن در کتاب خود با عنوان «ملزم به رهبری» که در همان سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید، این مفهوم را مورد بررسی و توضیح بیشتری قرار داد. در این کتاب، نای کوشید تا برعکس دیدگاه فائق جهانی مبنی بر افول ابرقدرتی امریکا، نشان دهد که امریکا نه تنها به لحاظ قدرت نظامی و اقتصادی، بلکه در بعد سومی به نام «قدرت نرم» نیز قوی ترین کشور محسوب شده و بی همتاست. وی این مفهوم را نخستین بار این گونه تعریف نمود: «قدرت نرم» توانایی کسب چیزی است که از طریق جذب به جای اجبار می خواهیم. وی در ادامه می نویسد این نوع قدرت «می تواند از طریق روابط با متحدان، کمک های اقتصادی و تبادلات فرهنگی حاصل شود». او در این کتاب استدلال می کند این نوع قدرت می تواند موجب به وجود آمدن افکار عمومی مطلوب تر و کسب اعتماد بیشتر در کشورهای دیگر شود.

نای مجدداً در سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب دیگری به نام «تناقض قدرت امریکایی: چرا تنها ابرقدرت جهان نمی تواند به تنهایی عمل کند؟» به مفهوم قدرت نرم بازگشت. این کتاب در حقیقت هشدار می دهد علیه فاتح گرایی امریکا در قرن بیست و یکم میلادی است. نای در این کتاب به توضیح اصولی می پردازد که به اعتقاد وی باید طی دهه های آینده بر سیاست خارجی

امریکا حکم فرما باشد. وی استدلال می کند در قرن جدید، ایالات متحده نباید تنها بر حفظ قدرت اقتصادی و نظامی خود که او «قدرت سخت» می نامد، تکیه کند بلکه باید در جهت جذابیت فرهنگ، ارزش ها و نهادهایی که «قدرت نرم» نامیده است، تلاش نماید. او مجدداً در این کتاب اعلام می دارد امریکا نیازمند تقویت بعد سوم قدرت خویش، یعنی قدرت نرم می باشد.

مقاله ای نیز در «هرالد تریبون» در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ توسط نای نوشته شده که در آن ضمن اعتراض به عملیات های مخفی پنتاگون در کشورهای متحد امریکا، آنها را برای قدرت نرم این کشور بسیار مضر می خواند. وی با اشاره به تفاوت میان تبلیغات یا پروپاگاندا و قدرت نرم، مثال هایی را از قدرت نرم امریکا در برابر کشورهای دیگر می آورد. نای در نهایت از حجم بسیار اندک بودجه دیپلماسی عمومی امریکا در برابر بودجه دفاعی این کشور انتقاد نموده و خواستار توجه بیشتر دولت بوش به مسئله قدرت نرم در سیاست خارجی خود می شود.

نای هم چنین در آخرین اثر خود با عنوان «قدرت نرم: ابزارهایی برای توفیق در سیاست جهانی» که در مارس ۲۰۰۴ به چاپ رسید، به تفصیل درباره این جنبه از قدرت می نویسد. نای در مراسم معرفی کتاب خود، اعلام می دارد دو تغییر بزرگ در کل جهان نسبت به سال های پیش روی داده است: بحث جهانی شدن و موضوع انقلاب تکنولوژیک. او معتقد است این تغییرات راه را برای گروه های تروریستی برای اعمال نقشه های خود به وضوح هموار

ساخته است. وی سپس با انتقاد از نظریه پردازانی هم چون «چارلز کراتامر» که معتقد به یک جانبه گرایی در سیاست خارجی امریکا هستند، مثال همیشگی خود را در خصوص شطرنج سه بعدی آورده و اعلام می کند توجه به دیدگاه های افراطی چون کراتامر، سبب می شود تا ما شطرنج را تک بعدی دیده، آن را در نهایت بیازیم.

نای سپس به نتایج نظرسنجی های صورت گرفته به خصوص پس از اقدام های یک جانبه امریکا در عراق اشاره کرد و با انتقاد از افرادی که در هیئت حاکمه امریکا معتقدند بنا نهادن سیاست خارجی بر مبنای «نظر سنجی» صحیح نیست، عنوان می دارد افرادی که اکنون از ما متنفر شده اند، همان هایی هستند که امریکا در مبارزه با تروریسم بیشترین نیاز را به کمک آنها دارد. او سپس به این واقعیت اشاره می کند که نادیده انگاشتن قدرت نرم، تنها اثری بطنی ندارد، بلکه اثر وضعی آن در جنگ با عراق و هنگام رد درخواست امریکا از ترکیه برای عبور نیروهای خویش از این کشور روشن شد. وی در آخر با ذکر جزئیات، به اشتباهات اخیر امریکا در زمینه عدم به کارگیری قدرت نرم پرداخته و با انتقاد از کاهش شدید میزان ساعات پخش برنامه «صدای امریکا» و هم چنین بودجه اندک وزارت

امور خارجه برای اعمال دیپلماسی عمومی در جهان اسلام، خواستار توجه جدی به این موضوع می شود. آن چه نای در این زمینه بسیار حائز اهمیت می شمارد،

همکاری امریکا با نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل و از مجرای آن، دستیابی به «مشروعیت» است (۱).

دانشجو: اساساً مفهوم و ماهیت جنگ نرم چیست، در این باره توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

جنگ نرم، جنگ متفاوت از جنگ سخت بوده و با مفاهیم چون تهدید نرم و قدرت نرم مرتبط می باشد. در ماهیت شناسی جنگ نرم در واقع به دنبال فهم چیستی و چگونگی آن هستیم. اگر در جنگ سخت و نظامی از خشونت و ابزار سخت به عنوان عامل اجبار برای تحمیل خواست و اراده یک طرف به طرف دیگر استفاده می گردد، در جنگ نرم، با استفاده از قدرت نرم و بدون توسل به خشونت، خواسته ها تعقیب می شود. همان گونه که تهدید و جنگ با مفاهیمی چون امنیت ملی، انسجام ملی و ثبات سیاسی مرتبط بوده و در هم تنیدگی دارد، جنگ نرم نیز با همین مفاهیم ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر در قدرت سخت

تجهیزات و ادوات نظامی پشتوانه جنگ سخت به حساب می آید، قدرت نرم پشتوانه اصلی جنگ نرم است. همان طور که گفته شد قدرت نرم را برای اولین بار «جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ مطرح کرد و آن را این گونه تعریف کرد: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می خواهیم از طریق جذب به جای اجبار به دست آوریم». از

ص: ۴۲

۱- برگرفته از کتاب «جمهوری اسلامی و قدرت نرم»، ص ۲۷ به بعد.

نظر «نای» اساس قدرت بر ارزش ها نهاده شده است. در جنگ نرم، باورها، ارزش ها و عقاید مورد هجوم قرار می گیرد و بر این اساس می توان جنگ نرم را این گونه تعریف کرد: «جنگ نرم مجموعه ای از اقدامات است که دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی را دنبال می کند و در واقع به دنبال نوعی سلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است».

اصولاً ماهیت جنگ نرم، همان ویژگی غیر خشونت آمیز بودن آن می باشد. در این جنگ از شیوه ها و روش های غیر خشونت آمیز استفاده می گردد. تا بر افکار و اندیشه ها تأثیر بگذارند اگر جنگ به عنوان یک روش و شیوه خشونت آمیز و استفاده از ابزار زور و قوای نظامی شناخته شده و به همین دلیل دو کلمه جنگ و خون ریزی به همراه یکدیگر به کار برده می شوند، ماهیت جنگ نرم به دور از این شیوه ها و روش ها می باشد.

مقام معظم رهبری ماهیت جنگ نرم کنونی نظام سلطه علیه انقلاب و نظام اسلامی را این گونه تشریح می نمایند:

«یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی غاصب اسرائیل، در سال گذشته توصیه ای به آمریکایی ها کرد. این توصیه کاملاً در مطبوعات خارجی و اینترنت منعکس شد و امر پنهانی و مخفیانه ای نیست. توصیه وی به آمریکایی ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق و کره شمالی و کشورهایی از این قبیل تلف نکنید. مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید،

کانون و سرچشمه آن جاست، اما ایران مثل عراق و کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها نکنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریخ شان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از گذشت چند سال، بدون این که سرمایه ای صرف کنید، با یک حمله و تحرک احیاناً نظامی مختصر، می توانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید».

بنابراین در جنگ نرم در دو حوزه، اقدامات اساسی شکل می گیرد:

۱- تصرف قلب ها و هدایت محبت ها و دوستی های مردم و برای این کار از ابزار مختلف تأثیر گذاری از جمله رسانه و هنر و افرادی که در قلب های مردم نفوذ دارند و می توانند در رفتار آنها تأثیر بگذارند، استفاده می شود. به همین خاطر حضور هنرمندان و ورزشکاران و... ستارگان و قهرمانان بسیار مورد توجه قرار می گیرد.

۲- وارد کردن شبهات و حمله به باورها و اعتقادات مردم و بر هم ریختن اذهان مخاطبان.

در این جا لازم می دانم که به صورت اجمالی و تیتروار به برخی از این هجمه ها خصوصاً در طول دوران دولت اصلاحات در کشورمان پردازم، البته در این زمینه دو کتاب قطور و مفصل به رشته تحریر درآمده:

یکی کتاب «آزادی یا توطئه» که به اهتمام جمعی از فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم و توسط انتشارات فیضیه در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده و دیگری کتاب «پایان داستان غم انگیز» که توسط آقای حمید رسایی تألیف و انتشارات کیهان در سال ۱۳۸۰ آن را به چاپ رسانده است.

بنده مطالبی که عرض می کنم از این دو کتاب استفاده شده است، اکنون به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. سوء استفاده تبلیغاتی از اجرای طرح هایی چون طرح امنیت اجتماعی به عنوان محدود کننده آزادی و حقوق زنان و نقش آزادی های مدنی و اجتماعی. (۱)

۲. ایجاد تقابل های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای در جریان بودن جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف. (۲)

۳. ترویج و اشاعه دنیا طلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی. (۳)

ص: ۴۵

۱- سید محمد خاتمی، روزنامه همبستگی، ۱۹/۱۰/۷۷، ص ۲، مصاحبه با شبکه ان.اچ. کی: «اگر حجاب و پوشش مانع حضور زن و بروز شخصیت زن شود، قطعاً مضر است... مشکل این نیست که زنان چگونه لباس بپوشند، مشکل این است که زنان بتوانند در عرصه های مختلف حضور داشته باشند».

۲- مهسا ماه پیشانیان، همان.

۳- سید محمد خاتمی، روزنامه آریا، ۲۸/۶/۷۷: «شما برای این که بتوانید پیشرفت کنید، راهی جز راه غرب ندارید و راه غرب یعنی پذیرش خرد غربی»

۴. تبلیغ مستمر و گسترده لائیسیم و سکولاریسم. (۱)

۵. ترویج نظریه وجود قرائت های مختلف از اسلام (پلورالیسم). (۲)

۶. اشاعه و تبلیغ نسبی بودن موازین اسلامی و ارزش های اعتقادی و دینی. (۳)

۷. تبلیغ ضرورت جدایی دین از سیاست و دنیا از آخرت (سکولاریسم). (۴)

۸. ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه. (۵)

ص: ۴۶

۱- محسن کدیور در دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۷۹ طی سلسله مباحثی تحت عنوان پژوهش های قرآنی ایراد کرد: «امروز خدا در جامعه هیچ کاره است و همه کاره مردم اند». هم چنین، ابراهیم اصغرزاده، روزنامه کیهان، ۶/۲/۷۷: «حتی علیه خدا هم می توان تظاهرات کرد».

۲- عزت اله سبحانی، روزنامه خرداد، ۶/۸/۷۸: «به گفته امام علی (ع) هر شیوه حکومتی که مردم بر آن تفاهم کنند، همان مورد رضای خداوند است و تفاهم دینی و غیردینی معنا ندارد».

۳- مقصود فراست خواه، هفته نامه توانا، ۲۲/۶/۷۷، ش ۲۸، ص ۸: «حقیقت ثابت نداریم؛ حتی در دست انبیا و معصومین هم حقیقت ثابتی نبوده که بتوانند آن را برای همه از من و امکانه دیکته کنند».

۴- اکبر گنجی در مصاحبه روزنامه تاگس اسپینگل آلمان، روزنامه کیهان، ۲۴/۱/۷۹: «در یک جامعه مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. ایران نیز در حال حاضر از فاز قبل مدرن به فاز مدرن پیش می رود».

۵- معین فر، اجلاس دفتر تحکیم وحدت در آبان ماه ۸۶: «در خصوص سرنوشت انقلاب ما چاه کندیم به آب برسیم به فاضلاب رسیدیم».

۹. برنامه ریزی برای کم اهمیت جلوه دادن تهاجم فرهنگی و توهم خواندن آن با هدف کم کردن حساسیت ها نسبت به اهداف تهاجم نرم فرهنگی. (۱)

۱۰. تبلیغ و ترویج ناکارآمدی تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی. (۲) و (۳)

۱۱. القای وجود مشکلات متعدد به واسطه قطع رابطه با امریکا. (۴)

۱۲. ایجاد شبهات متعدد در خصوص اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه. (۵)

ص: ۴۷

-
- ۱- روزنامه عصر آزادگان، ۱۶/۱۰/۷۸، ص ۵: «دولت هایی که از کشورگشایی وامانده اند برای حفظ تسلط خود بر مردم، آنها را همواره از یک شیخ جهانخوار خارجی ترسانده اند».
 - ۲- عبدالکریم سروش، روزنامه نشاط، خرداد ۷۸: «حکومت دینی جلوی رشد علمی را می گیرد. در نظام لائیک ترکیه، روحیه علم جویی و حقیقت طلبی رشد کرده است زیرا آن جا ارزش های دینی را با علم مخلوط نکرده اند».
 - ۳- . حسن واعظی، همان، ص ۱۷۷ به بعد.
 - ۴- هفته نامه راه نو، ۳/۵/۷۷، ش ۱۴، ص ۳۰ و ۳۲: «حل مشکلات کشور در گرو ارتباط با امریکا است».
 - ۵- هفته نامه پیام هامون، ۱۹/۱۰/۷۷، ص ۱: «ولایت مطلقه فقیه همان حکومت مطلقه سلطنتی است».

۱۳. تضعیف بسیج و نیروهای ارزشی انقلاب. (۱)

۱۴. امام زدایی از صحنه فرهنگی و اجتماعی. (۲)

۱۵. تضعیف روحانیت و مراجع عظام تقلید. (۳)

۱۶. ترویج و تبلیغ وجود تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق. (۴)

۱۷. نفی آرمان گرایی با تبلیغ دنیا پرستی و تحریک غرائز شهوانی. (۵)

۱۸. حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه های اعتقادی با حربه تحریف حقایق. (۶)

ص: ۴۸

۱- عبدالکریم سروش، روزنامه عصر آزادگان، ۲۰/۱/۷۹: «هیأت های مذهبی منشأ خشونت اند و بسیجی ها، اعضای تشکیل دهنده این هسته ها می باشند».

۲- سعید حجاریان، هفته نامه مبین، شهریور ۷۹: «رهبری کاریزماتیک دینی به درد اصل جنبش و انقلاب می خورد و اگر پای آن به دوران ثبات و سازندگی کشیده شود، به استبداد دینی منجر خواهد شد».

۳- روزنامه ایران، ۱۸/۶/۷۷، ص ۱۰: «روحانیت، قشری گرا و انحصار طلب است؛ آنها عوام پرور و مقلد پرورند، نه عاقل پرور».

۴- عبدالکریم سروش، هفته نامه آبان، ۲۹/۳/۷۸، ش ۸۰، ص ۶۳: «تفکر دینی با استخدام طبیعت منافات دارد یا حداقل خنثی است».

۵- سعید حجاریان، روزنامه صبح امروز: «هم جنس بازی در کشور ما باید آزاد باشد و از جهت حقوقی نباید ممنوع باشد گرچه از نظر اخلاقی زشت است».

۶- عمادالدین باقی، روزنامه خرداد، ۱۹/۸/۷۸، ص ۶: «آیات قرآن صریحاً اصل عیسی به دین خود موسی به دین خود را تأیید می کند و هرگز اهل کتاب یا حتی کافران و مشرکان را طرد نمی کند».

۱۹. اشاعه چهره ای غیرواقعی، خشن و زشت از اسلام. (۱)

۲۰. تبلیغ و ترویج مغایرت دین و وحی با عقل. (۲)

۲۱. ترویج و اشاعه اومانیسیم و مکاتب الحادی غربی. (۳)

۲۲. تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی. (۴)

۲۳. تلاش مستمر و برنامه ریزی شده برای سست کردن بنیان های مسلم دینی. (۵)

۲۴. تلاش برای قرار دادن ایران در مقابل دموکراسی و آزادی های مدنی. (۶)

ص: ۴۹

۱- ابراهیم یزدی، هفته نامه پیام هاجر، فروردین ۷۷: «جامعه ولایی انحصار گر و مستبد است و ارزشی برای توده ها قائل نیست».

۲- باقر پرهام، هفته نامه پیام راه نو، ۳/۵/۷۷: «دوران مدرن دوران حکومت و رهبری عقل است و دین باید به عرصه زندگی خصوصی باز گردد».

۳- مهرزاد بروجردی، ترجمه علی صدیق زاده، ماهنامه کیان، مهر و آذر ۷۸، ش ۴۹، ص ۴۰ به بعد: «اسلام نیز چون مسیحیت در نهاد خود قابلیت عرفی شدن و سکولاریزه شدن را دارد و چنین امری در حال وقوع است».

۴- سید محمد خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران: «اگر دین هم در برابر آزادی قرار گیرد، این دین است که باید محدود شود نه آزادی».

۵- عزت اله سبحانی، روزنامه عصر آزادگان، ۱۶/۱۰/۷۸: «حتی معصومین (ع) خود به خود بدون نظارت مردم و به طور اصولی در معرض انحراف هستند».

۶- سالار بهزادی، روزنامه صبح امروز، ۲۳/۸/۷۸: «سیره حضرت علی (ع) و سایر فرق مذهبی در صدر اسلام، دموکراسی در انتخاب رهبری و عدم تعیین رهبر برای مردم بوده است».

۲۶. تلاش برای به تمسخر گرفتن مبارزه حق و باطل. (۱)

۲۷. سست کردن پایه های اعتقادی نسل جوان نسبت به معاد و آخرت. (۲)

۲۸. تبلیغ گسترده مبانی نظری فرهنگ غرب و زیرساخت های تئوریک فرهنگ آمریکایی. (۳)

۲۹. کوشش برای بی تفاوت نمودن و جدا کردن نسل جوان از ارزش های اعتقادی و آرمان های انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت. (۴)

۳۰. متهم ساختن اسلام و جمهوری اسلامی به ضدیت با حقوق بشر و نقض آزادی های مدنی. (۵)

ص: ۵۰

۱- محمد سعید حنایی کاشایی، ماهنامه کیان، فروردین ۷۸: «تراژدی حسین بن علی مشابه تراژدی آنتیگونه، تامس مور و جان پروکتور است».

۲- عبدالکریم سروش: «فرهنگ شهادت خشونت آفرین است».

۳- سید محمد خاتمی، روزنامه سلام، ۳/۲/۷۵: «امروز به جرأت می توان گفت در زندگی قومی که عزم تعالی و پویایی کرده است هیچ تحول کارساز نخواهد بود مگر آن که از متن تمدن غرب بگذرد و شرط دگرگونی اساسی، آشنایی با تمدن غرب و لمس روح آن یعنی تجدد است».

۴- سید محمد خاتمی، روزنامه کیهان، ۲۳/۱۱/۷۹: «شعار جاویدان انقلاب اسلامی همان خواست تاریخی ملت یعنی استقلال، آزادی و پیشرفت است».

۵- عبدالکریم سروش، روزنامه صبح امروز، ۱۶/۶/۷۸: «در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است ولی متأسفانه فقهای ما اطلاعات برون دینی ندارند و متوجه این نکات نیستند».

دانشجو: لطفاً بفرمایید جنگ نرم چه تفاوتی با جنگ سخت دارد و ویژگی های هر کدام را مختصری توضیح دهید؟

استاد:

اشاره

جنگ سخت یعنی توانایی زور و اجبار که از اقتدار نظامی یک کشور ناشی می گردد.

کاربرد قدرت سخت که در این جا آن را جنگ سخت می نامیم با استراتژی تهدید، اجبار، فشار و به کارگیری ادوات و ابزار نظامی، دولت های ضعیف را سرکوب، منهدم و یا به تسلیم وا می دارند.

ما در سال های اخیر شاهد تغییراتی هستیم که حکومت ها و دولت هایی بدون وجود تهدید و اجبار، یا تطمیع و هزینه محسوسی، سرنگون شدند که به نظر می رسد این تحولات مبتنی بر ظهور قدرت و جنگ جدیدی است که از آن به عنوان قدرت نرم و جنگ نرم یاد می شود.

قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه ها و ارزش های خاص و جذاب، بنیان های ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می دهد. این گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت ها و شبکه های تولید و توزیع اندیشه ها و هنجارها، خصوصاً حوزه های آموزشی، فرهنگی و رسانه ای آغاز می شود.

یعنی عرصه هایی که معمولاً خارج از افق دید، نظارت و راهبرد سرویس های اطلاعاتی سنتی قرار دارد. در قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت، مخاطب نه از روی اجبار و اکراه، بلکه با رضایت مندی تن به قدرت جدید می دهد و خواسته های قدرتمند را اجابت و اجرا می کند. به تعبیر دیگر قدرت نرم به

ص: ۵۱

جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسومی سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب باز می ستاند. و اکنون به برخی از آن ویژگی ها اشاره می کنیم:

۱. نامحسوس و نامرئی است:

غربی ها می گویند با پنبه و روش نرم هم می شود کشتار کرد در حالی که این روش - جنگ نرم - آبرو ریزی از نوع گوانتانامو یا ابوغریب نیست و از سویی حساسیت کشورهای هدف نیز برانگیخته نمی شود، در این نبرد فرهنگی اقدامات، فعالیت ها، میزان سلاح و تجهیزات مخصوص به آن مشخص نیست. این جا فعالیت ها در قالب تولید و نمایش فیلم، مصاحبه، سخنرانی، چاپ و انتشار کتاب، مجله، عکس، شعر، قصه و... است.

همه این ها در قالب های ظاهر فریبی چون رشد و ترویج هنر و ادب، آزادی بیان و قلم و اظهار عقیده، تضارب افکار و تبادل اندیشه ها... صورت می گیرد، لذا همه این موارد در استتار کامل صورت می پذیرد به گونه ای که تشخیص رد پای آن نه تنها در سطح عمومی جامعه، بلکه در سطح خواص هم کاری دشوار است.

چه بسا دشمن در جنگ نرم بخش عمده ای از سربازان خویش را از میان خودی ها برگزیند و سخن خویش را از زبان آنها بیان کند و نقشه های خود را به دست آنها عملی سازد.

۲. دراز مدت و دیرپا بودن:

جنگ نرم از کارهایی است که محصول خود را دیر به دست می دهد، اما اثری که از خود به جای می گذارد ماندگار است و به آسانی از روح و فکر و متن جامعه زدودنی و زایل شدنی نیست، برخلاف جنگ نظامی که نتیجه عملکرد آن در کوتاه مدت روشن و هویدا می گردد، در نبرد فرهنگی، بذری را که دشمن در ضمیر و فکر افراد جامعه می کارد، سال ها بلکه نسل ها بعد، آثار مخرب خودش را نمایان می سازد و از سنخ کار سیاسی است که به تعبیر مقام معظم رهبری صدایش فردا در می آید.

۳. اقدام با برنامه قبلی:

داشتن طرح و برنامه برای اجرا در فواصل کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت از مهمترین شگردهای صاحبان تفکر در جنگ نرم است، گاهی ثمره کار خویش را در فاصله زمانی ۵۰ سال درو می نمایند.

دشمن در نبرد فرهنگی از ابزار و امکانات فناورانه ی گسترده و متنوع همراه با بودجه های کلان و تکنیک و هنر مدرن برای اشاعه فرهنگ و آرمان های استکبار بهره می جوید.

امروزه غرب با بیش از دهها هزار کانال ماهواره ای، صدها کانال رادیو و تلویزیون و انبوهی از پایگاه های اینترنتی و با دهها زبان زنده دنیا به اضافه میلیون ها مجله و کتاب علیه جهان مورد هدف خود تبلیغ می کند، مدیر خبرگزاری آسوشیتد پرس می گوید: یک میلیارد مردم جهان، اخبار و اطلاعات خود را از ما می گیرند.

آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا همکار نزدیک سازمان سیا که فعالیت خود را از آوریل ۱۹۷۸ آغاز کرده است، مرکز اصلی شبکه تبلیغاتی غرب در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین است، بودجه این سازمان در سال ۱۹۷۹ بالغ بر چهارصد میلیون دلار بوده است، بخشی از فعالیت‌های این آژانس عبارت است از: انتشار ۱۲ مجله با ۲۲ زبان، تهیه و پخش ۹۰۰ فیلم در سال، نمایش برنامه‌های تلویزیونی در ۱۰۰ کشور دنیا، توزیع ۵ میلیون نسخه کتاب به ۲۵ زبان در کشورهای مختلف در سال، و رادیو صدای آمریکا که هفته‌ای ۸۲۲ ساعت برنامه با ۳۸ زبان دارد با بیش از ۵ هزار ایستگاه در جهان برنامه‌ها و پیام‌های خود را پخش می‌کند.

۴. حمله به مغزهای یک ملت است:

در جنگ نظامی، ما با تسلیحات و ابزار نظامی هم‌چون هواپیما، تانک، بمب، موشک و گلوله سروکار داریم که از آن به سخت‌افزار تعبیر می‌کنند در مقابل در نبرد فرهنگی که یک جنگ نرم است، دشمن از نرم‌افزار فرهنگی چون صداها، رادیو، ده‌ها ماهواره و کانال تلویزیونی و هزاران نشریه و کتاب و فیلم و موسیقی و با ترویج روحیه دنیا‌گرایی، زندگی مصرفی، تجملاتی، فساد و فحشا، بی‌بند و باری و بی‌اعتنایی به احکام الهی استفاده می‌کند، سالانه بیش از ۲۰۰ بازی رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانان ساخته می‌شود که از طریق آن تعالیم اسلام و انقلاب اسلامی ایران به تمسخر گرفته می‌شود، جالب آن که گردش سالیانه مالی این نوع بازی‌های رایانه‌ای حدود ۴۰۰ میلیون دلار است که از این طریق غربی‌ها هم پول

کلانی به جیب می زنند و هم به اهداف خود می رسند. یکی از نویسندگان آمریکایی می گوید: ماشین تبلیغات آمریکا نیرومندترین سیستم شستشوی مغزی جهان است.

در جای دیگر می گوید: بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان ها.

و یکی از مستشرقین مسیحی می گوید: اروپا در جنگ های صلیبی از راه شمشیر ضرر کرده، اکنون اراده کرده از راه تبشیر به مقاصد خود برسد، اروپا می خواهد با جنگ صلیبی جدید بدون خونریزی به هدف برسد.

دانشجو: بفرمایید دشمنان ملت ایران در جنگ نرم چه هدفی را دنبال می کنند؟

استاد:

بنده از بیانات مقام معظم رهبری استفاده کنم حضرت آقا در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲۷/۱۳۸۸ پرده از اهداف دشمن در جنگ نرم برداشتند و فرمودند:

در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می آید، مراکز مرزی ما را سعی می کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آن چه که امروز به او جنگ نرم گفته می شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان ها، معرفت ها، عزم ها، پایه ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ این ها می آید که این ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف

ص: ۵۵

تبدیل کند؛ فرصت های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.

دشمنان ما؛ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، چند خط را دارند دنبال می کنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام می دهند، واضح هم هست؛ این ها چیزهای پوشیده و پنهانی نیست؛ باید در ذهن خودمان این ها را جمع بندی کنیم.

یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است؛ هر چه بتوانند، در هر جا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند؛ در سطوح مختلف؛ از مسئولین، غیر مسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه های روحانی، بین خود گروه های دانشگاهی، بین خود جمع ها و جمعیت های واحدهای دیگر اجتماعی، و بین این ها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند، و بین مذاهب. نمونه های فراوانش را دارید مشاهده می کنید که در جامعه هست. این مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است.

مسئله بعدی- این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه گذاری می کند- منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است.

ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما أصابك من حسنه فمن الله و ما أصابك من سيئه فمن نفسك» (۱) است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمان ها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می خواهد به ما ضربه بزند؛ از این، ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است. حالا- طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می گویند: آقا شما همه اش به گردن دشمن می اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی بینیم دشمن را؟ چرا نمی بینیم شرف عظیمی که دشمن پیدا می کند از آن چه که این جا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آن جا، رئیس یک کشور بزرگ از آدم ها اسم می آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می آورد و تمجید می کند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم.

ص: ۵۷

چرا؟ چون یک کلمه ای گفته که آنها خوششان آمده. این ها را باید دید؛ این ها را باید متوجه شد و نیاستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

دانشجو: استاد همان طور که در بیانات شما بود عرصه های جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و عمده ترین هدف در جنگ نرم، تأثیر گذاری بر انتخاب ها و کنترل فرآیند تصمیم گیری و شیوه اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی

اشاره

دانشجو: استاد همان طور که در بیانات شما بود عرصه های جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و عمده ترین هدف در جنگ نرم، تأثیر گذاری بر انتخاب ها و کنترل فرآیند تصمیم گیری و شیوه اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها می شود، حالا جنابعالی به صورت مصداقی بفرمایید مراکز و ابزارهای عرصه جنگ نرم کدام هستند؟

استاد:

سوال شما دو بخش را شامل می شود مراکز عرصه جنگ نرم و وسایل و ابزارهای جنگ نرم.

دانشجو: بلی به ترتیب به هر دو پاسخ بفرمایید ممنون می شویم.

استاد:

اشاره

مراکز مهم و مورد توجه جهت اعمال سیاست های طراحان و مجریان جنگ نرم اجمالاً می تواند خانواده، مدرسه و مراکز پیش دانشگاهی، دانشگاه و مراکز آموزش عالی باشد.

ص: ۵۸

خانواده به عنوان اولین کانون زیست جمعی و در عین حال اجباری، از مهم ترین مراکز مورد توجه جهت اعمال سیاست های جنگ نرم است. اصولاً اگر هر مسئله اجتماعی از محیط خارج از خانواده آغاز و آثار آن در خانواده و بر زندگی خانوادگی مؤثر می افتد، جنگ نرم بالعکس سعی بر آن دارد که نقطه آغاز حمله خود را در تخریب اصالت خانواده در مقام کم وسعت ترین و در عین حال عمیق ترین کانون زندگی جمعی بنیان نهد، و سپس با تخریب این کانون مهم و اصیل از زندگی جمعی، به سان سرطان، سلول های اندامواره اجتماعی را فاسد و در نهایت کل سیستم را به نابودی و اضمحلال سوق دهد. تلویزیون به عنوان مهم ترین و تأثیر گذارترین ابزار جنگ نرم در بهترین و پربیننده ترین جایگاه جغرافیای منزل جا می گیرد، و تدبیر خانم هر خانه در تزئین مبلمان خانه خویش براساس قرار دادن این جعبه جادویی است که در جایی مناسب قرار گیرد و دیگر ابزار به سان مبل و میز و صندلی در حول محور مرکزی آن چیده گردند.

گرایش رسانه های گروهی جهان به ویژه ماهواره ها جهت تأثیر گذاری بر این کانون و تنظیم برنامه ها به گونه ای که در تحلیل نهایی زمینه های از هم فروپاشی ارکان خانواده را در مقام مهم ترین حیطه پرورش انسان سیاسی، فراهم سازند، نشان دهنده اهمیت وافر و به سزایی است که خانواده به عنوان حوزه اصلی عرصه جنگ نرم، دارا می باشد.

رویکردهای جنگ نرم در ارتباط با «خانواده» در پی جامعه عمل پوشاندن به فرآیندهای ذیل می باشد:

الف: تغییر الگوهای ارزشی حاکم بر تشکیل خانواده.

ب: تغییر الگوهای رفتاری حاکم بر خانواده.

ج: از بین بردن کار ویژه اصلی خانواده در مقام اصلی ترین کانون اجتماعی شدن سیاسی.

در حالی که، سردمداران اصلی جنگ نرم به ویژه ایالات متحده آمریکا در برهه کنونی از تاریخ خویش در پی یافتن راه حل هایی جهت تقویت بنیان های زندگی خانوادگی در جامعه اخلاقی از هم پاشیده خود می باشند، این را به خوبی دریافته اند که بدترین ویروس تضعیف کننده اندام کشورهای جهان سوم، همانا از بین بردن بنیان های خانواده و زندگی خانوادگی است. لذا در برنامه های تلویزیونی، فیلم های سینمایی و ویدئویی و هم چنین در برنامه های ارسالی از طریق ماهواره سعی سناریونویسان و کارگردانان این برنامه ها بر آن است که با در نظر گرفتن سه مؤلفه فوق، این مهم ترین کانون تربیت و زیربنای زندگی اجتماعی را از ماهیت و جوهره اصلی خود تهی نموده، و آن را از طی طریق طبیعی خویش خارج سازند و در نهایت پایگاه اصلی خود را بر پیکره بی محتوای خانواده های تهی شده از فرهنگ بومی و اصیل هر جامعه بنیان نهند.

ص: ۶۰

پس از خانواده دومین کانون تعلیم و تربیت، مدرسه و مراکز پیش از دانشگاه است، مدرسه به عنوان خانه دوم هر فرد، با کار ویژه اصلی و اساسی تعلیم و تربیت، جایگاهی بس تأثیرگذار در سنین بسیار حساس و تعلیم پذیر از زندگانی آدمی می باشد.

مدرسه خود از دو کانون هدف، برای جنگ نرم برخوردار است. نخستین کانون هدف در این حوزه دانش آموزان و نوباوگانی هستند که در نقش تعلیم گیرندگان، بیشترین زمینه تأثیرپذیری را دارا می باشند. دومین کانون هدف در این حوزه، آموزگاران و تعلیم دهندگانی هستند که، پرتأثیرترین نقش را جهت تأثیرگذاری بر کانون نخست ایفا نموده و بهترین واسطه انتقال هنجارها و ارزش ها به آینده سازان هر مرز و بوم می باشند. براساس این تقسیم بندی، جنگ نرم سعی خود را بر آن گذاشته است که برای هر قسم از این حوزه های هجوم، راهبردهای ویژه ای را جهت حمله فرهنگی پی ریزی نماید.

با توجه به مطالب و واقعیت تردید ناپذیر فوق، طبیعتاً جنگ نرم به نتایج ذیل دست می یابد:

الف: بهترین طریق وصول به اهداف جنگ نرم از راه تهاجم به ارزش های فرهنگی و فکری حاکم بر کادر علمی، آموزشی مدارس پدید می آید.

ب: به دلیل اجبارهای حاکم بر محیط مدرسه و آموزشگاه های علمی، استفاده از ابزار تبلیغی چون ویدئو و ماهواره در محیط های فوق امکان پذیر

نیست، لذا جنگ نرم سعی در ایجاد سلطه فرهنگی از طریق ابزار غیرمستقیم دارد و تهاجمات پنهان تری را دنبال می نماید.

طراحان جنگ نرم با عنایت به چنین مؤلفه هایی امید خود را بر تأثیرگذاری از کانال خانواده به مدرسه، سوق داده اند.

۳. دانشگاه و مراکز آموزش عالی

دانشگاه تربیت کننده نسل آینده حاکم بر یک کشور است. لذا اگر طراحان جنگ نرم بتوانند با تهیه برنامه هایی که مخاطب اصلی آنها قشر دانشگاهی یک مملکت باشد، رهیافت های فرهنگی خود را جهت تغییر ارزش های حاکم بر دانشگاه ها و جامعه روشنفکر کشورهای جهان سوم مستولی سازد خواهد توانست آینده حاکم بر یک جامعه را جهت پذیرش حاکمیت سلطه مدارانه آنها آماده سازد.

تجانس موجود میان دو حوزه آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی از جهت ایستارهای مادی و معنوی به این معنی که در دانشگاه استاد نقش آموزگار و دانشجو نقش دانش آموز را ایفا می کند موجب می گردد که ابزارهای تبلیغی مورد استفاده جهت جنگ نرم در این حوزه نیز بسیار شبیه یکدیگر و دانشگاه در مقام مراکز آموزش ابتدایی و عالی، تغییر می یابد.

مراکز سلطه گر سعی بر آن دارند که با استفاده از ابزار تبلیغی سمعی و بصری و پخش برنامه هایی که در آنها برتری علمی کشورهای غربی را ناشی از فرهنگ غربی می داند، مشکل اساسی عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را در پذیرش فرهنگ بومی و ملی این کشورها بیان نموده و تنها راه

گریز از این گرداب را در طی طریق پذیرش ارزش ها و هنجارهای صادراتی کشورهای غربی بدانند.

طراحان جنگ نرم و سردمداران سلطه بر کشورهای جهان سوم در پی آنند که با القای چنین طرز تفکری در اذهان دانشجویان و اساتید دانشگاه ها، از راه وابستگی فکری دارندگان پست های کلیدی در آینده این مرز و بوم، به تحکیم مبانی سلطه خویش دست یابند؛ و امکان مقابله و استقامت از سوی قشر تحصیل کرده و روشنفکر این جوامع را به حداقل ممکن برسانند. چرا که افراد تحصیل کرده بیش از سایرین در مورد تأثیر حکومت بر سرنوشت و زندگی شان با اطلاع هستند و به سیاست توجه بیشتری دارند و از فراگردهای سیاسی بیشتر مطلعند و ساختار جهانی سلطه را بهتر درک می کنند. این افراد به دلایل مذکور آمادگی بیشتری برای رفتار سیاسی اتخاذ می نمایند. اگر کودک در مدارس با مفاهیم عینی زندگی اجتماعی در گستره جامعه، آشنا می گردد، جوان در محیط دانشگاه به مفاهیم عینی حکومت و نهادهای سیاسی و ارتباط آنها با یکدیگر آگاهی پیدا می کند. اگر مدارس عامل انتقال دهنده برداشت ها و ارزش های جامعه به کودکان هستند، دانشگاه ها می توانند نقش بسیار مهمی در شکل دادن ارزش های نوشته نشده (قوانین بازی سیاست) ارزش ها و وظایف دولتی، روابط غیررسمی سیاسی و اتحاد سیاسی داشته باشند. لذا مراکز تعلیم و تربیت از مدرسه تا دانشگاه به عنوان مهم ترین مراکز عرصه جنگ نرم مد نظر می باشند.

دانشجو: استاد لطفاً پیرامون وسایل و ابزارهای جنگ نرم که دشمن از آنها برای ضربه زدن استفاده می کند توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

اشاره

ابزارهایی که دشمن در جنگ نرم از آنها استفاده می کند فراوان است از جمله رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، روزنامه، کتب و نشریات. که برخی از آنان را من توضیح بدهم:

۱. تلویزیون

تلویزیون یا جعبه جادویی را باید مهم ترین محصول انقلاب ارتباطات دانست. این جعبه جادویی محور اصلی و کانون اساسی جمیع ابزارهای تبلیغی است.

تجربه موفق استفاده از تلویزیون جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین داخلی و استفاده از رادیو جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین خارجی و در نور دیدن مرزهای ملی، توأمان با یکدیگر، این نتیجه منطقی را برای سلطه گران به همراه داشت، که تلویزیون از امتیازاتی برخوردار است که با اتکای به آنها می توان بیشترین تأثیر را بر مخاطب بر جای گذاشت و جریانات فرهنگی و سیاسی در کشورهای مورد نظر را تحت تأثیر و نفوذ عمیق قرار دارد.

از سوی دیگر تلویزیون در عمر تقریباً کوتاه خویش بزودی توانست جایگاه ویژه ای در خانواده به عنوان اصلی ترین بنیان زندگی اجتماعی برای خویش دست و پا نماید و به موازات پیشرفت فناوریانه در ابزار ارتباطی و آگاهانه از

ص: ۶۴

تأثیر رسانه های قدرت های سلطه گر تمام کوشش خود را در بین المللی کردن امواج سمعی، بصری تلویزیونی به کار برند تا بتوانند بهترین استفاده ممکن را از این جعبه جادویی در راه نیل به اهداف امپریالیستی خویش، فعلیت بخشند.

به هر تقدیر، تلویزیون در میان رسانه های ارتباطی به دلیل استفاده توأمان از محرک های سمعی و بصری، و دنیای جذاب، نوین و فریبنده ای که از جعبه جادویی به بیننده عرضه می کند، از امتیازاتی برخوردار است که با اتکای به آنها می توان بیشترین تأثیر را بر مخاطب بر جای گذارد، و طراحان «جنگ نرم» با آگاهی به چنین ویژگی هایی جهت خارج نمودن تلویزیون از چهار چوب مرزهای ملی و استفاده بین المللی از آن راه های مختلفی را از تولید و صدور فیلم و کنترل شریان های اصلی مبادلات آنها گرفته تا تقویت فناوری ارتباطات ماهواره ای طی کرده، کوشیده است فناوری را در جهت هدایت کند که دامنه انتشار امواج تلویزیونی را هر چه بیشتر گسترش دهد.

۲.۲ رادیو

رادیو به عنوان یک وسیله سمعی و نه بصری، اگر چه به دلیل فقدان ایجاد تصویر در تأثیر گذاری بر اذهان مخاطب دارای ضعف می باشد، اما باید این جعبه سخنگو را اولین تلاش موفق بشر در راستای ایجاد بر مرزهای جغرافیایی دانست.

اگر این نکته مارشال مک لوهان را قبول نماییم که «جهان به زودی به دهکده ای کوچک تبدیل خواهد شد» بی هیچ تکلفی باید امواج رادیویی را

اولین گام عملی در راه ایجاد این دهکده دانست، و اگر انقلاب صنعتی اروپا را الهام بخش و نیرودهنده پیشرفت های فناورانه در عرصه ها و ابعاد گوناگون زندگی و تمدن بشری بدانیم، ورود بشر به دنیای امواج و تسلط بر سامانه های مخابراتی، رادار و رادیو باید الهام بخش نوین فعالیت های فرهنگی در حوزه و سطح «میان ملتی» محسوب نماییم.

استفاده از رادیو به عنوان ابزار تبلیغ مبانی سیاسی و عقیدتی در دهه ۱۹۳۰ عملکرد کاملاً موفق از خود نشان داد، و چندی نگذشت که دول متحد و متفق در گیر در جنگ میلیون ها دلار هزینه ایجاد ایستگاه های رادیویی و تقویت آنها را پذیرا گشتند تا بتوانند از طریق ارسال امواج به دو سوی جبهه یکدیگر به تفوق بر یکدیگر اطمینان بیشتری یافته و ضریب اطمینان فزون تری نسبت به پیروزی نهایی خود پیدا نمایند، تا جایی که بی هیچ شبهه ای یکی از عوامل برتری و پیروزی بلوک غرب بر بلوک شرق در جنگ سرد را باید در موفقیت برنامه های رادیویی و ارسال

امواج بدون مرز ایستگاه های رادیویی بلوک غرب به درون مرزهای جغرافیایی و خانه های کشورهای موجود در بلوک شرق، جستجو نمود.

لذا امروزه رادیوهای بیگانه یکی از ابزارهای مهم و قوی جنگ نرم به شمار می روند، گردانندگان این رادیوها که هدفشان تخریب باورهای ملی و دینی و زیر سوال بردن ارزش های معنوی مردم ایران است می کوشند با پخش برنامه هایی خاص چهره جمهوری اسلامی ایران و باورهای دینی و ملی را

تیره و تار نشان دهند، به گونه ای که بیشترین بحث مطرح شده در این رادیوها به این قبیل مسائل در ایران اختصاص دارد.

۳. اینترنت

این فناوری، اگر چه دستاوردهای مثبتی دارد، ولی ابزار مهمی جهت تخریب فرهنگ های ناسازگار با آرمان سازی کشورهای غربی است.

اینترنت پدیده ای است که در آخرین دهه از قرن بیستم پا به عرصه وجود گذاشت. در اندک زمانی به گسترده ترین و سریع ترین وسیله اطلاعاتی مبدل شد. خبرگزاری ایسنا در گزارشی از وزارت ارتباطات و فناوری آورده است که تنها در چهار سال اخیر، تعداد کاربران اینترنت در کشور ۲۵ برابر شده و بیش از ۶۴ درصد از کاربران ایرانی در منزل هم از اینترنت استفاده می کنند که این مسأله نشان دهنده تمایل گسترده به استفاده از این ابزار اطلاع رسانی است.

ایران در سال ۱۳۷۰ برای اولین بار توسط مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به شبکه جهانی اینترنت متصل شد و اولین ارتباط ایران با اینترنت به طور موقت و از طریق اُتریش و به وسیله پست الکترونیکی صورت گرفت.

رشد اینترنت در تمام دنیا به صورت انفجاری بوده است و این در حالی است که همانند سایر محصولات عصر نو ارتباطات، نگرانی هایی را نیز به دنبال دارد و به عبارتی هم سازنده است و هم مخرب.

ص: ۶۷

جامعه‌شناسان معتقدند که یکی از شایع‌ترین نگرانی‌ها، ناشی از سهولت توزیع تصاویر و نوشته‌های مستهجن و غیراخلاقی است.

مسئله دیگر اعتیاد به اینترنت است؛ به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده‌کننده از اینترنت در آمریکا ۲ تا ۵ میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی دست در گریبان هستند، که با گسترش روزافزون اینترنت به زودی در ایران هم شاهد این مسئله خواهیم بود و مسئله آخر عوارض کار با رایانه برای کاربران اینترنت است که بیشتر وقتشان صرف کار با رایانه می‌شود.

«دکتر علی فرجام»، روانشناس اجتماعی، در مورد خطر اعتیاد اینترنتی می‌گوید: اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان درست‌کند و اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اینترنتی قرار دارند و متأسفانه ما شاهد افزایش این پدیده در میان جوانان هستیم؛ به طوری که بعضی از جوانان، شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام مدت صبح را خواب هستند که این مسئله عواقب زیادی را به دنبال دارد.

وی می‌افزاید: ممکن است اعتیاد اینترنتی مانند سایر موارد اعتیاد آثار جسمی به دنبال نداشته باشد، ولی مشکلات اجتماعی که این معضل در پی دارد به وضوح، آن را به موازات دیگر موارد اعتیاد قرار می‌دهد.

وی در مورد عوارض اعتیاد اینترنتی تأکید می‌کند: در سال ۱۹۹۸ جامعه‌شناسان آمریکایی با مشاهده شمار بالایی از مشکلات مرتبط با اینترنت هم

چون طلاق، بی‌اعتنایی به فرزندان، از دست دادن شغل، مقروض شدن، فرار از مدرسه و مشکلات قضایی، مرکز اعتیاد به رایانه را در دانشگاه‌ها تأسیس کردند.

وی تصریح می‌کند: متأسفانه مبتلایان ایرانی کمتر حاضرند به مشکل خود اعتراف کنند و محرک اصلی آنها برای

مراجعه به متخصصان عمدتاً بحران‌هایی است که در مسائل خانوادگی، تحصیلی و شغلی آنها رخ می‌دهد و دانشجویان یکی از مهم‌ترین اقشار آسیب‌دیده نسبت به اعتیاد اینترنتی هستند.

فرجام در خاتمه می‌افزاید: عده‌ای از دانشجویان ایرانی عمده اوقات فراغت خود را در اینترنت سپری می‌کنند و کار با اینترنت برای آنان جذاب‌تر از سایر فعالیت‌هاست و این در حالی است که استفاده از اینترنت بر زندگی و روابط شخصی دانشجویان اثر می‌گذارد. از این رو به دانشجویان توصیه می‌کنم که زمان مشخص و ثابتی را برای کارهای ضروری خود با اینترنت در نظر بگیرند و در صورت اضافه شدن این زمان به هر نحو ممکن از آن جلوگیری کنند.

۴. ماهواره

اشاره

عصری که در آن قرار داریم، عصر ارتباطات و عصر سلطه پدیده رسانه بر زندگی انسان‌هاست. بی‌گمان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی موفق شده‌اند افکار و عقاید انسان‌های بی‌شماری را دستخوش تغییر سازند. تمدن منحنی غرب برای ترویج سکولاریسم اقدام به تأسیس هزاران شبکه رادیویی و

تلویزیونی کرده است که به صورت شبانه روزی برنامه های گوناگونی را با این هدف پخش می کنند. متأسفانه دست یابی به این شبکه ها در کشور ما به سادگی و قیمت نازل فراهم آمده است. باید توجه داشت که وقتی سخن از ماهواره به میان می آید، ابتدا مسائل ضد فرهنگی آن جلب توجه می کند، سپس مسائل سیاسی، علمی و ورزشی ایفای نقش می نمایند. بیشتر شبکه های فارسی زبان ماهواره ای، در یک تقسیم بندی معمولی، به شبکه های سیاسی و غیرسیاسی تقسیم می شوند که براساس تحقیقات به عمل آمده تمامی این شبکه ها، با وجود هدف ها و سلیقه های گوناگون در هجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هر کدام با مأموریتی خاص به مقابله با اسلام برخاسته اند. این هجوم اگر چه آرام و خاموش آغاز شده، ولی اکنون شکل وسیع جدی تری یافته است و بسیار حساب شده، اصول و پایه های اعتقادی مردم را هدف قرار داده و با دقت ماهرانه ای تمام گروه های مختلف جامعه را در بر گرفته است.

الوین تافلر، نویسنده و منتقد اجتماعی، می نویسد: «تکنولوژی ماهواره ای و دیگر رسانه های جدید، فرهنگ های ملی را از هم می پاشند و این ارتباط متقاطع، به هر حال تهدیدی است برای هویت ملی که حکومت ها برای مقاصد شخصی خود، سعی در حفظ و انتشار آن دارند».

الف- مضرات اقتصادی: مردم جهت خرید دستگاه های دریافت کننده امواج ماهواره ای مسلماً باید متحمل هزینه ای شوند. همین قضیه بخشی از درآمد ملی کشور را برای خرید دستگاه های خارجی صرف می نماید. بدون این که جایگزینی برای ارزشسازی داشته باشد.

ضرر اقتصادی مهم تری نیز وجود دارد که با اقتصاد کلان کشور در ارتباط است و آن این تبلیغاتی که از طریق ماهواره ها جهت برخی کالاهای تولیدی تازه به بازار عرضه شده صورت می پذیرد، به طور سریع باعث برانگیخته شدن احساس نیاز در مردم می شود؛ چرا که برنامه ها همه با اهداف مشخص طراحی و ساخته می شوند و در هر قسمت آن نوعی تبلیغ جهت فروش و بازاریابی وجود دارد. منتهی با نهایت دقت و ظرافت مطرح می کنند به طوری که شاید حتی خریداران کالاهای ماهواره ای خود اعتقادی به الهام از ماهواره نداشته باشند و این نیز یک بخش کلان از درآمد ملی کشورها را صرف خرید کالاهای غیرضروری تبلیغ شده خواهد نمود که در نهایت به ضرر اقتصاد جامعه تمام خواهد شد.

ب- مضرات سیاسی: ممالکی که وظیفه پخش برنامه ها را بر عهده دارند اهداف سیاسی خاصی را دنبال می نمایند. کلیه برنامه ها، هدف دار و خط دهنده می باشند و چنان زیرکانه یک سری جنجال های سیاسی را به راه می اندازند که به سختی می توان ماهواره را نیز در ردیف علل پدید آورنده آن جنجال دانست.

البته شاید بتوان گفت بخشی از موضع گیری های سیاسی برنامه های ماهواره ای، خود منشأ اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارند. به همین دلیل می توان گفت همه مضرات، اعم از اقتصادی، سیاسی و... با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

استعمارگران از طریق ارائه برنامه های باب طبع جهان سوم و پخش اخبار، به دنبال برنامه های جذاب و پر تماشاچی هستند تا با دادن خبرهای مغالطه آمیز و فریبنده، جوسازی نموده و در این میان از همه مسائل به نفع خود بهره برداری نمایند.

ج- مضرات اجتماعی، فرهنگی: برنامه های ماهواره ای با تکرار برخی عادات خاص غرب، چنان آنها را جزو عادت ما می کنند که گویی ما یک عمر با این عادت و رسوم زندگی کرده ایم. می دانیم که تغییر یک رسم یا عادت فی نفسه نمی تواند برای موجودیت اجتماعی یک جامعه خطرناک باشد. آن چه مخاطره انگیز است کمرنگ یا بی رنگ کردن فرهنگ اصیل یک جامعه است و فرهنگ هر جامعه متشکل از تک تک عادات و رسوم و شیوه های زندگی افراد همان جامعه می باشد. این جاست که تخریب معنوی یک جامعه و یا همان تهاجم فرهنگی و جنگ روانی مطرح می شود.

هر کودکی که در یک کشور به دنیا می آید، با ارزش ها و هنجارهای همان کشور رشد عقلی کرده، معیارهای درونی خود را تا حدودی با ارزش های جامعه منطبق می نماید. اگر چنین فردی به سنین حساسی قدم بگذارد و در این حین یک سری برنامه های ماهواره ای، کل ارزش ها و معیارهایش را در

هم شکند، قابل پیش بینی است که تنش های درونی او جهت وفق دادن خود با برنامه های متعارض، موجب از خود بی خود شدن و مسخ گشتن او خواهد بود.

۵. کتب و نشریات

کتاب در مقام قدیمی ترین ابزار تعلیم و وسیله ایجاد ارتباط، هدفی مناسب برای عرصه جنگ نرم و در عین حال مانند مدرسه، دانشگاه و خانواده ابزار مناسبی برای این هجوم در سطح تحلیل کلان می باشد.

به موازات کتاب در عصر کنونی، نشریه جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داده است و به دلیل تنوع ساختاری و ماهوی و هم چنین سهولت چاپ و توزیع توانسته است، تا حدود زیادی جایگزین کتاب گردد. این دو ابزار را باید در پروسه جنگ نرم به عنوان هدف تهاجم و ابزار تهاجم مورد بررسی قرار داد، زیرا که از یک سوی در صدد خواهد بود که با تکیه بر ابزارها و ترفندهای دیگر به توزیع کتب و نشریاتی با محتوای متناسب با اهداف خویش در سطح بین المللی و داخلی - به وسیله ایادی و وابستگان فکری داخل هر کشور - اقدام ورزد و از سوی دیگر با عنایت به این که روانشناسی اجتماعی مردم کشورهای جهان سوم نشان دهنده این فرض است که هر چه نوشته شده و مکتوب در کتابی باشد، صحیح است، بر این امر اصرار نماید و پیام های فرهنگی و اهداف سلطه جویانه خویش را در سطور کتاب ها و نشریات به جهان سوم و کشورهای دیگر انتقال دهد.

در عصر حاضر، روزنامه به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نرم است. روزنامه های کنونی به خاطر استفاده از تکنولوژی های جدید فنی و پیشرفت های چاپ و ارتباطات، در مدت بسیار کوتاهی تهیه و در چندین میلیون نسخه در سراسر جهان انتشار می یابند و حوادث، اخبار و اطلاعات روزمره را از نقاط مختلف عالم، چند ساعت پس از وقوع در اختیار خوانندگان قرار می دهند. روزنامه ها براساس نیازهای فوری جوامع بشری تهیه می شوند. روزانه در ساعات معینی که میلیون ها نفر در انتظار آن هستند منتشر می شود. به همین دلیل روزنامه به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی - که قشرهای مختلفی از جامعه را دربر می گیرد- می تواند افراد و گروه های مختلفی را با عقاید، زبان ها و فرهنگ های متفاوت به یکدیگر نزدیک سازد و آنان را در جریان تازه ترین اخبار دنیا قرار دهد. بدین ترتیب، از لحاظ روانی و تبلیغات می تواند نقش بسزایی داشته باشد.

به طور کلی، روزنامه ها و مجلات یکی از ابزارهای سیاست خارجی و تبلیغات کشورها به حساب می آیند. به طوری که مطابق با نظام های حاکم بر آنها عمل می کنند و مردم در زمینه های گوناگون اعم از درج آگهی و بازاریابی و تجارت به آنها رجوع می کنند.

روزنامه و مجلات به نوعی سخنگوی هر نظام بوده و با توجه به مقتضیات زمانی و در چارچوب مصالح و منافع ملی کشورها اقدام به انتقاد و دفاع می کنند و زبان مخصوص مطبوعاتی را به کار می بندند.

عکس یکی از ابزارهای مهم تأثیرگذار بر مخاطب است. یک عکس با انتخاب سوژه ای مناسب، می تواند تأثیری چندین برابر نوشتار بر ذهن مخاطب باقی گذارد. مغز آدمی خود مانند دوربین عکاسی، تصویر بردار وقایع است و چشم به عنوان دریچه این دوربین منتقل کننده تصویر برگیرنده مغزی است.

در جنگ نرم استفاده از چنین ابزاری جهت تأثیرگذاری بر مخاطب از زمان بسیار دور مرسوم بوده است. از پخش پوستره‌های تبلیغی حاوی عکس های مختلف از مناظر فریبنده و جذب کننده طبیعی در کشورهای سلطه گر گرفته تا عکس ها و تصاویر مستهجن، همگی حاوی انتقال پیام های فرهنگی هستند که از قدیم الایام در فهرست برنامه های تهاجم فرهنگی قرار داشته اند. منظره زیبا از زیبایی و برتری طبیعی این کشورها یا به عبارتی «بهشت دنیوی» خبر می دهد و در پی آنست که طبیعت کشورهای جهان را در قبال جغرافیای طبیعی این کشورها به «برزخ دنیوی» تشبیه و تداعی سازد. این در حالی است که با توزیع پوسترها و مجلات انباشته از عکس های مستهجن سعی بر آن دارد که موجبات انحراف اخلاقی نیروی انسانی کشورهای جهان سوم را فراهم آورد.

سینما از جمله وسایل سمعی و بصری است که تعیین جایگاه آن در ردیف فعالیت ها و محصولات رسانه ای و یا فعالیت های هنری ایجاد مشکل می نماید. سینما دارای نقاط مشترکی با تئاتر است، دارای نقاط همگنی با برنامه های تلویزیونی می باشد. اگر تئاتر را به سهولت بیشتری می توان در فعالیت های هنری جای داد و تلویزیون را به راحتی در بخش فعالیت های رسانه ای قرار داد، تعیین جایگاه سینما در یکی از دو شقوق محصولات سمعی و بصری کار مشکلی است.

پیدایش و گسترش سینما، هم چون دیگر وسایل سمعی و بصری، با هدف تفوق بر دیگران صورت نگرفته است، اما در مسیر تکامل تاریخی، بازتاب تأثیر فراوان سینما در افکار، امیال، احساسات و رفتارهای مخاطبان، در جهت تأثیر بر افکار عمومی نیز از آن استفاده شد، از همین نقطه بود که سینما از مرز یک فعالیت هنری به وادی فعالیت رسانه ای گام نهاد، چرا که هدف غایی فعالیت رسانه ای به واقع تغییر رفتار و یا ایجاد رفتار مورد نظر در مخاطب است.

لذا باید به این نکته توجه داشته باشیم که فیلم های سینمایی به همان گونه که در کارکرد مثبت خود می توانند در ساختن قهرمانان و الگوهای ملی، ارتقای روحیه مردم، تقویت وحدت ملی، انگیزش ملت در جهت پشتیبانی از اهداف ملی، جذب افراد بی تفاوت و بی آبرو ساختن حریف نقش موثری

ایفا کند، به همان اندازه و حتی بیشتر، توانایی تخریب روحیه و انگیزش ملت و نابودی ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را نیز دارا می باشد.

دانشجو: استاد لطفاً بفرمایید شیوه ها و تکنیک هایی که دشمن در جنگ نرم ممکن است از آنها استفاده کند کدام اند؟

استاد:

اشاره

من در پاسخ این سوال شما باز از بیانات خود مقام معظم رهبری استفاده کنم. (۱)

اختلاف افکنی، تفرقه و شایعه پراکنی

یک بخش از جنگ روانی دشمن دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، مذهبی - شیعه و سنی - اختلافات جناحی، اختلافات صنفی را ترویج می کنند. در داخل مزدوران ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در این جا به شکل های گوناگون عمل می کنند. این ها «شایعه پراکنی» می کنند.

القای یأس و ناامیدی

همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده اند این «میکروب ها» را درون جامعه ایرانی رسوخ دهند:

«شما نمی توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان در آمد».

ص: ۷۷

۱- بیانات مقام معظم رهبری، حرم مطهر امام رضا (ع)، ۱/۱/۸۶.

سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند.

تهدید و ارعاب

من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم. اول: جنگ روانی، دوم: جنگ اقتصادی و سوم: مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی... جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی شوند... مسئولان را، شخصیت های سیاسی را، به قول معروف نخبگان را، این ها را می خواهند مرعوب کنند... اراده عمومی را می خواهند تضعیف کنند.

از شیوه ها و تکنیک های دیگر دشمن در عرصه ی جنگ نرم می توان به موارد دیگری اشاره کرد:

۱. ترویج فساد، ابتذال اخلاقی و فرهنگی
۲. ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی
۳. تبلیغ و ترویج عرفان های انحرافی استعمار ساخته
۴. ایجاد اختلاف و تفرقه مذهبی
۵. القای ناسازگاری میان ارزش ها و منافع فردی
۶. ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش ها و دین
۷. وابسته دانستن ناکامی ها به پیروی از ارزش ها و تعارض آن با دانش بشری
۸. ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی

۹. تخریب چهره های افراد تأثیرگذار

۱۰. تهاجم به روحانیت

۱۱. تقدس زدایی از قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) و هجمه به مهدویت

۱۲. ذهنیت سازی برای کودکان از طریق بازی های رایانه ای

۱۳. تهاجم به فرهنگ، رفتار، تغذیه و سلامت ما

دانشجو: لطفاً درباره بازی های رایانه ای اگر توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم؟

استاد:

هر کدام از این موضوعات که عرض کردم نیاز به توضیحات مفصل دارد منتها وقت ما اجازه نمی دهد به همه ی آنها پردازیم.

رسانه ی نو ظهور بازی های رایانه ای با قابلیت ها و ویژگی های خاص خود به جرأت می توان گفت که ضریب تأثیرگذاری و نفوذ خود را حتی از رسانه هایی چون سینما و تلویزیون نیز افزایش داده اند، از مهم ترین این ویژگی ها ماهیت تعاملی بودن بازی های رایانه ای است.

به دلیل همین ویژگی است که قرار گرفتن افراد (معمولاً کودکان و نوجوانان) در معرض بازی های کامپیوتری نگران کننده تر از قرار گرفتن آنها در معرض برنامه های تلویزیون و فیلم های سینمایی است.

زیرا این بازی ها از اصول یادگیری مانند هم ذات پنداری (الگو سازی)، تمرین، تکرار و پاداش و تقویت را به کار می گیرند.

ص: ۷۹

در بازی رایانه ای گرافیک، صدا و تعامل، ابتکار سیر داستان، کنجکاوی، پیچیدگی و تخیل، منطق، حافظه، بازتاب ها، مهارت های ریاضی، چالش حل مسأله و تجسم از جمله جنبه های فنی، روانی و فردی است که بازیگران را جذب این بازی ها می کند، کار مستقل مداومت در بازی، لذت بردن از بازی، مشارکت فعال، تعامل مشارکتی، ساختار گروهی، یادگیری، رقابت یا همکاری گروهی و فرصت های برابر در بازی از جمله عواملی است که در فرد برای ادامه ی بازی ایجاد انگیزه می کند.

و دقیقاً به دلیل همین خصوصیات است که به ابزاری تأثیرگذار در راستای جنگ نرم علیه دنیای اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی ایران تبدیل شده است.

با توجه به آن چه ذکر شد بازی های رایانه ای به شوالیه های مجازی، قدرتمند و جذاب جنگ نرم استکبار تبدیل شده اند که در حال تخریب و تغییر تدریجی ارزش ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و جهان اسلام هستند.

شوالیه های رایانه ای که در نبرد جنگ های صلیبی قرن جدید بدون هیچ گونه حساسیتی تا عمق خانه هایمان نفوذ کرده و ما در بی خبری با آغوشی باز به استقبال آنها رفته ایم و حتی هزینه ی مالی حضورشان را نیز در حال پرداخت هستیم، چنان چه با رویکردی مدبرانه با این سربازان رایانه ای برخورد نکنیم، به زودی و در نسل آینده باید هزینه های گراف و جبران ناپذیر معنوی را نیز پرداخت کنیم.

در این جا به نحوه تأثیرگذاری این شوالیه های رایانه ای و مصادیق آن اشاره ای اجمالی می کنم:

۱- خشونت و پرخاشگری

۲- تبلیغ فرهنگ برهنگی و نمایش صحنه های غیرمجاز اخلاقی

۳- تبلیغ فرهنگ غرب

۴- اصرار بر انجام خطا و گناه

۵- از بین بردن قبح گناهان

۶- ارائه ی نمادهای غیراخلاقی یا ضد اخلاقی

۷- اسوه سازی از شخصیت های غیر اخلاقی

دانشجو: استاد با توجه به حرکت دشمنان برای زدودن فرهنگ دینی، راه های مقابله با این حرکت چیست؟

استاد:

اشاره

راه های مقابله با جنگ نرم در محورهای ذیل خلاصه می شود:

۱. شناخت دشمن و اهداف او در جنگ نرم

بی تردید شناسایی دشمن و برآورد هدف، توان و تفکر وی، از الفبای مبارزه به شمار می آید چنین تحقیق وسیع و همه جانبه ای اندیشمندان را در شناخت درست رد پای انحراف یاری دهد. آگاهی و ابزار و شیوه های مورد استفاده یورشگران می تواند مسئولان و رزمندگان جبهه فرهنگی را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثی سازد. در سایه ی آشنایی با اهداف و مقابله اصولی با آن می توان از آسیب پذیری اقشار

ص: ۸۱

مختلف جامعه در برابر توطئه ی دشمن جلوگیری کرد. پس سزاوار است چشم های بیدار و جست و جوگری وجود داشته باشد تا ضمن شناسایی اهداف، ابزار و شیوه های مورد استفاده دشمن، هر تغییر روشی را نیز یادآور شود.

۲. تقویت بیش دینی و سیاسی

یقین به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهانی، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می دهد و می تواند چون سنگری نفوذ ناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سود جویان غرب را ناکام و ناامید سازد. چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می شود و از کجروی و ناهنجاری ها باز می دارد.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «...یهدیه هم ربه هم بایمانهم...»^(۱) پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می کند.

نگاهی به سرنوشت اندیشمندانی که سال ها در اروپا و آمریکا به کسب دانش و تخصص پرداخته و پای بندی به اصول اعتقادی و مبانی فکری اصیل خود را هم چنان حفظ کرده اند و پس از بازگشت به میهن اسلامی، مردم را نیز به پیروی از آن فرا خواندند، به خوبی روشنگر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر امواج فساد غرب مقاوم می سازد.

ص: ۸۲

۳. دقت در برنامه های آموزشی و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان

کودکان با دل های پاک و اندیشه های شفاف برای پذیرش پیام های آموزشی و پرورشی از آمادگی ویژه ای برخوردارند. به گونه ای که آثار این پیام ها تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می ماند، به یاری این حقیقت دست اندرکاران مسائل فرهنگی باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمی ها، ارزش والای اسلامی را در ژرفای وجود آنان جای دهند. البته روزگار نوجوانی و جوانی نیز ویژگی های خود را داراست و دولت باید با برنامه های مناسب و استفاده از کارشناسان مؤمن این دو قشر را از کجروی بازدارند و به سوی نیک بختی و سعادت هدایت کنند.

۴. احیای عزت نفس

از جمله راه های مبارزه با جنگ نرم، احیای روحیه عزت نفس در بین اقشار مختلف جامعه می باشد. بنابراین لازم است با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی مردم جامعه اسلامی را از تقلید کورکورانه از روش های زندگی بیگانگان بازداشت. در این باره امام صادق (ع) می فرمایند: «لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به شیوه دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزء دشمنان من خواهید شد»^(۱)، پس لازم است این روحیه ترویج و تقویت شود تا زمینه ی پذیرش فرهنگ دشمن از بین برود.

ص: ۸۳

۵. پیشگیری از عوامل نفوذی دشمن

عناصر خود فروخته ی فرهنگی مطبوعات و مجلات گمراه کننده- فیلم های مبتدل و... نمونه هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می آیند. نگاهبانی از ارزش های الهی، بینشی ژرف می طلبد، بینشی که در سایه ی آن همه ی عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی سازد، حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه فرموده اند: (۱)

«اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند».

۶. استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله ی ممکن چنگ می زند ما نیز باید به حکم دستور قرآنی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» از هر وسیله مشروع سلاحی بسازیم و از فرهنگ اسلامی خویش پاسداری کنیم، از یک سو باید امکانات فرهنگی هنری ورزشی را توسعه دهیم تا جوانان به تفریحات سالم روی آورند و از سوی دیگر باید هم کوشش های فرهنگی و... در دفاع از ارزش های الهی هدایت شود.

ص: ۸۴

پیامدهای شوم جنگ نرم بسیار خطرناک است. از دست دادن سیادت اسلامی و افول تمدن دیرپای آن، حاصل تلاش ویرانگر و همه جانبه ای است که غرب از دوران

رنسانس آغاز کرد. مهم ترین این آثار و پیامدها به قرار زیر است:

۱- پیروی کورکورانه از الگوهای فرهنگ مهاجم

بسیاری از افراد کوردل، جاذبه های فرهنگی بیگانگان را تنها راه نیکبختی و پیشرفت می دانند و در همین راستا پوشش، آرایش، حرکات اجتماعی همه و همه به آهستگی رنگ و لعاب بیگانه به خود می گیرند.

۲- سست شدن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی

با سست شدن بنیان های دینی و در زیر بمباران فرهنگی قرار گرفتن، افراد معلوم الحال ریشه های عقب ماندگی خود را نه تنها در دسیسه های دشمنان، بلکه در باورهای به اصطلاح کهنه و واپس گرایانه ی خود می پندارند. با این روند جامعه از برنامه ی پیامبران، دور و در گرداب پلید باورهای مادی فرهنگ سلطه فرو می غلتند. به این ترتیب مردم زیر سلطه ی بیگانگان نه تنها خطر ساز نیستند بلکه پذیرش برنامه های استعماری را نیز نشانه ی سربلندی، دانش و تمدن می پندارند.

۳- دگرگونی ارزش ها

در کنار گسترش فرهنگ غربی و یا بیگانه، حقایق بلند و مقدسی مانند وفاداری، غیرت، شجاعت، دوستی، عشق، جوانمردی و پاکدامنی و... مفهوم خود را از دست می دهند و ساده زیستی، عفاف، نوع دوستی، ایثار، دستگیری از افتادگان، کرداری ناپسند و زشت جلوه داده می شود. به این ترتیب، ایستادگی در برابر القائات فرهنگی بیگانگان امری ارتجاعی و واپس گرایانه و مقابله با پیشرفت و تمدن محسوب می شود و استقبال از آنان، نشانه ی رشد فرهنگی، روشنفکری و پای نهادن در دنیای ترقی و توسعه قلمداد می شود.

۴- گسترش فساد و بی بند و باری

گسترش فساد و بی بند و باری نیز یکی از عوامل مهم و مخرب است که جوامع بشری را به سوی نابودی و هلاکت سوق می دهد. نتایج حتمی این بی بند و باری ها، از هم گسستن پیمان ها، روابط، اصول و ارزش های انسانی است. اسلام پیوسته با فساد، فسق و فجور و ظلم و تعدی مخالف بوده و هیچ گونه سهل انگاری را در این باره مجاز نمی داند.

با گسترش فساد، استعمارگران از این بی بند و باری به عنوان یک سلاح برنده در پیشبرد اهداف خود بهره می جویند و به این ترتیب نیرو و توان جوانان کشور را به گونه ای سمت و سو می دهند که، در راه سازندگی خود و کشورشان به کار گرفته نشود.

مردمانی که در دامان فرهنگ بیگانه پرورش یافته اند نه تنها به خطر کردن در راه رهایی کشور نمی اندیشند، بلکه تنها راه نجات را در انطباق دقیق و همه جانبه ی خود با برنامه های آنان می پندارند. به این ترتیب خودباختگان، با شتاب فراوان به اجرای برنامه های ارایه شده از سوی کارشناسان بیگانه می پردازند و طرح های ایشان را در بسته بندی های فریبنده ملی بر کشور تحمیل می کنند.

دانشجو: لطفاً بفرمایید چه عواملی دست به دست هم می دهد که دشمنان در جنگ نرم موفق شوند به تعبیر

استاد:

اشاره

پدیده های اجتماعی با علت و زمینه ی واحدی به وجود نمی آیند و برای بررسی و شناخت آن باید علل و عوامل متعددی را مورد شناسایی قرار داد. جنگ نرم پدیده ای اجتماعی است که دارای دو طرف مهاجم و مورد هجوم می باشد و علل و عوامل مربوط به هر کدام از آنها با یکدیگر متفاوت ولی با هم مرتبط می باشند. در این جا مناسب است به برخی از زمینه های داخلی و خارجی پیدایش جنگ نرم پردازیم:

ص: ۸۷

۱. بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی

هر یک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارند، که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلخ و شیرین در تاریخ سرزمین آنها شکل گرفته و به صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن به «فرهنگ خودی» تعبیر می شود. تا زمانی که فرهنگ خودی به حیات خود ادامه داده و قدرت هضم و دفع تازه های فرهنگ وارداتی را داشته باشد، هیچ گونه آسیبی نخواهد دید. ولی اگر فرهنگ خودی، پویایی، و جذابیت خود را از دست داده و قدرت انطباق با مقتضیات زمان را نداشته باشد، فرهنگ بیگانه به راحتی می تواند جایگاه خود را پیدا کند و فرهنگ خودی را به انحطاط و فراموشی سپارد.

از همین روست که همه ی ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام سعادت جامعه ی بشری را مساوی با احیا و احترام به اصول انسانی و معنویت می داند و همواره هشدار می دهد که برای حفظ ارزش های انسانی در جامعه همه باید کوشا باشند.

در اسلام عنصر مهم «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از مصادیق بارزی است که به صورت یک موتور نیروبخش عمل کرده و به فرهنگ جامعه، پویایی و حیات مستمر می بخشد. عمل به این فرضیه ی الهی، از غفلت و بی توجهی نسبت به فرهنگ غنی اسلامی جلوگیری می نماید و ترک آن،

سلطه‌ی فرهنگی بیگانگان بر جامعه‌ی اسلامی را به دنبال خواهد داشت، از این رو در دین اسلام به اجرای آن تأکید فراوانی شده است.

۲. خودباختگی فرهنگی

حالت خودباختگی بیش تر ناشی از «خود کم بینی و احساس حقارت» در قبال پیشرفت و موفقیت‌های دیگران است. لذا استکبار جهانی با دست یافتن به پیشرفت‌های مادی، چنین تبلیغ می‌کند که علت پیشرفت‌های مختلف و شکفت آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آنها است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «یکی از مصیبت‌های بزرگی که برای این ملت به بار آورده اند این که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کرده اند... یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها».

و در جای دیگر می‌فرماید: «ما آن چیزی که داشتیم کنار گذاشتیم، آن چیزی هم که آنها داشتند نتوانستیم پیدا کنیم، یک چیزی که نه شرقی و نه غربی و نه اسلامی و نه اروپایی، هیچی، بله شرقی هستیم، به معنای همان شرقی استعماری. غربی هستیم، به معنای همان غربی استعماری. از این باید بیرون بیاییم. مادامی که این مرض را ما داریم، این مرض نمی‌گذارد یک حال صحتی برای ما

پیدا بشود. از این مرض باید بیرون بیاییم».^(۱)

ص: ۸۹

۱- گلچین ۱۱ گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آرای امام خمینی (ره) - خودباوری کمیته فرهنگی ستاد یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).

یکی از محورهای اصلی استکبار در جنگ نرم، القای روحیه ی رفاه طلبی و دنیاگرایی می باشد. دشمن در کشورهای اسلامی طرح های مختلف و متنوعی را برای سست کردن عقاید و اصول فرهنگ جوامع مستقل پی ریزی می کند.

یکی از عوامل فرهنگی که باعث موفقیت اسلام و وحدت پیروانش می شود، تأکید بر عدم وابستگی و دلبستگی مسلمانان به زر و زیور دنیوی و هواهای نفسانی است که این امر باعث می شود که دل های آنان همواره متوجه خدا بوده و خدا، محور اصلی وحدت برای همه باشد. استکبار جهانی به این نتیجه رسید که اگر روحیه ی دینی در میان مسلمانان دست نخورده باقی بماند نه تنها نمی تواند بر آنها سلطه یابد، بلکه اسلام خطر بالقوه ای برای برچیدن بساط استکباری آنها در سراسر جهان خواهد بود. بر این اساس درصدد از بین بردن روحیه ی مقاوم و جهادی مسلمین برآمدند.

اولین تهاجم فرهنگی با نیت تخلیه و استحاله ی روحی و معنوی جوانان مسلمان در «اندلس» (اسپانیای فعلی) به آزمایش گذاشته شد و متأسفانه نتیجه ی مثبتی برای دشمن به ارمغان آورد. آنها به راحتی توانستند از طریق بد حجابی و وسایل عیش و نوش و دیگر عوامل نفسانی، جوانان رزمنده و سلحشور را به کاباره ها کشانده، کم کم از ملت مسلمان اندلس روحیه ی جهادی و دنیاگریزی را بگیرند.

«دین زدایی» امروزه در دستور کار استکبار جهانی است و تمام تبلیغات خود را صرف این کار می نماید. پخش عکس های مبتذل در مدارس، ایجاد مدل های مختلف لباس غربی، پخش فیلم ها و نوارها و کتب ضاله، ایجاد روحیه و تفکر تجمل گرایی و رفاه طلبی در جامعه، از دیگر فعالیت های غرب برای مبارزه با فرهنگ اصیل اسلامی می باشد. (۱)

۴. عدم شناخت صحیح دین و بی توجهی در عمل به آن

یکی از عوامل مهم سلطه پذیری ممالک اسلامی، عدم درک و شناخت صحیح مسلمانان از فرامین دینی و احکام شریعت است. اگر آگاهی مسلمانان بر این که قرآن مجید با تأکید فراوان هر گونه سلطه ی سیاسی و اقتصادی و... بیگانگان را بر مسلمانان نفی و منع کرده، به هیچ وجه سلطه ی دشمنان و غیرمسلمانان را نمی پذیرند.

وجود حکام جور و سرسپرده باعث عدم آگاهی ملت ها از حقایق اسلامی شده است. به عنوان مثال حکام عربستان، شهر مقدس مکه را به دست غارتگران آمریکایی سپرده تا جلوی بیداری و آگاهی مسلمانان جهان را بگیرد و از حضور و نفوذ بیشتر انقلاب اسلامی در مراسم جهانی حج بکاهد. و این مصداق روشن سلطه ی بیگانه بر بلاد مسلمین است و جا دارد که مسلمانان جهان بر ضد آن قیام کنند.

برای رهایی از این مشکل، باید مسلمانان را نسبت به تکالیف و احکام دینی آشنا و مقید ساخت و به شیوه های مختلف علمی و تبلیغی، ملت ها را آگاه

ص: ۹۱

کرد که بر ضد رژیم های حاکم که مانع اجرای احکام اسلامی هستند به پاخیزند. در غیر این صورت مسلمانان عزت و استقلال خود را از دست می دهند و سلطه ی بیگانگان بر آنها بیشتر خواهد شد.

(ب) زمینه های خارجی پیدایش جنگ نرم

اشاره

منشأ اصلی تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی خارجی، به خصوص وضعیت بحرانی کشورهای استعماری می باشد.

وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحران های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شدند، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیرصنعتی یافتند، به این صورت که با تسخیر کشورهای عقب افتاده، علاوه بر تأمین مواد اولیه و کارگر ارزان، با ارسال متخصصان، کارمندان و کالاهای مصنوعی خود به این جوامع، مشکل تورم و بیکاری خود را تا حدودی از این طریق حل کردند. در این قسمت عمده ترین عوامل خارجی پیدایش جنگ نرم را بر می شمیریم:

۱. تبلیغ علیه ادیان الهی

دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می کنند دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه برده و امری غیرضروری جلوه دهند. زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می بینند.

آنان برای رسیدن به این هدف، تمام امکانات خود را بسیج می کنند و با تبلیغات گسترده دامنه دار سعی دارند چهره ی دین را نامطلوب، ناقص، عقب افتاده و در یک کلمه، غیرضروری و بی اهمیت نشان می دهند.

اگر قوانین و مقررات الهی در بین جامعه سست، تضعیف و تحریف شود، گردنکشان به راحتی می توانند به اهداف شوم استکباری خود دست یابند. به همین دلیل سعی می کنند قوانین الهی را به اشکال مختلف مورد هجوم قرار داده تا بتوانند به امکانات و ذخایر مادی و معنوی کشورها، خاصه مسلمانان چنگ انداخته و زمینه را برای هرگونه تاخت و تاز و تهاجم فراهم نمایند. بنابراین مستکبران دین را مانع اصلی خود می بینند، از این رو با تمام توان آن را مورد تهاجمات خود، خاصه تهاجم فرهنگی قرار می دهند.

حمایت پنهانی از جریان های واپس گرایانه در کشورهای اسلامی برای خدشه دار کردن چهره ی راستین اسلام و روی آوردن جوانان مسلمان به فرهنگ منحط غرب، راه دیگری از وارد آوردن ضربه های تهاجمی غرب به فرهنگ های بومی و غنی اسلامی است. چنان چه در شرایط کنونی، کاخ سفید با اجرای طرح های صهیونیستی اسرائیل در افغانستان، عراق و لبنان و دیگر کشورها سعی در محو ارزش های دینی اسلام و فراهم آوردن حضور استعمارگرانه ی بیشتر خود در کشورهای اسلامی دارند.

قوم گرایی و نژادپرستی همواره یکی از معضلات بشریت بوده و می باشد. از زمان های گذشته تاکنون درگیری و اختلافات نژادی بدترین نوع جنگ ها بوده و بیشترین خونریزی را به دنبال داشته است. امروزه با وجود ادعاهای فراوان مبنی بر پیشرفت فرهنگ و تمدن بشر، هنوز هم شاهد تصفیه های خونین قومی و نژادی در اطراف و اکناف دنیا هستیم که یکی از نمونه های فاجعه آمیز آن، جنایات صرب ها علیه ملت مسلمان و مظلوم بوسنی، آن هم در در قلب اروپای به ظاهر متمدن می باشد.

قرآن، فلسفه ی اصلی اختلاف رنگ، پوست، زبان، قبیله و نژاد را عامل تسهیل در شناسایی گروه های مختلف از یکدیگر می داند. «... و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا...»؛ شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید... (۱)

اما بشر با برداشت نادرست از این فلسفه ی خلقت، آن را پایه ی اصلی اختلاف برتری طلبی خود قرار داد و جنگ های فراوانی به راه انداخت که از جمله ی آنها دو جنگ جهانی اول و دوم بود که مایه ی خسارت فراوانی بر زندگی بشر شد.

بنابراین تا زمانی که این حس غیراخلاقی و زشت بر انسان ها و دولت ها، حکومت می کند، زمینه ی جنگ و تهاجم نیز وجود خواهد داشت، کما این

ص: ۹۴

که در حال حاضر نیز شاهد تهاجمات فرهنگی مبتنی بر حس برتری طلبی غربی ها به رهبری آمریکا، علیه کشورهای دیگر می باشیم.

۳. رشد صنعت و تکنولوژی

از زمانی که کشورهای اروپایی از سلطه ی جو خفقان قرون وسطایی نجات یافتند، تحول چشم گیری در زمینه ی علوم و صنایع به دست آوردند. این پیشرفت فنی و تکنولوژی اگر چه در بسیاری از زمینه ها به خدمت بشریت شتافت؛ اما به علت فقدان روحیه ی الهی و معنوی و انسان دوستانه، صاحبان این تکنولوژی، خسارت جبران ناپذیری را نیز برای بشریت به بار آوردند. کشورهای صنعتی، سلاح های مرگبار و مخرب ناشی از تکنولوژی جدید را به خدمت حس نژادپرستی قدیمی خود گرفته و در سطح گسترده تری دست به تهاجم زدند.

پیدایش ماشین های صنعتی تحول عظیمی در جوامع بشری ایجاد کرد، همان کسانی که برای تهیه نان شب، دچار مشکل بودند، آنهایی که برای تولید نخ و پارچه می بایست هفته ها و ماه ها روی دوک نخ ریسی تلاش کنند تا شاید چند متر پارچه بیافند، بعد از انقلاب صنعتی به مدد وسایل پیشرفته، به کالاهای فراوانی دست یافتند تا جایی که جمعیت آنها قادر به مصرف آن همه کالای انباشته شده نبود و حتی تولید فراوان برای آنان مشکلات عدیده ای ایجاد کرد. از جمله ی این مشکلات موارد زیر را می توان برشمرد:

۱. مشکل کالاهای مازاد بر مصرف و باقی مانده در انبارها

۲. کمبود مواد اولیه ی مورد نیاز کارخانه ها و صنایع

۳. مواجهه با مشکل بیکاری به دلایل جایگزینی ماشین به جای انسان

۴. نیاز به بازارهای مصرف جهانی دائمی و مقرون به صرفه

این موارد، بلافاصله پس از انقلاب صنعتی گریبانگیر کشورهای صنعتی شد و آنها را به ورشکستگی نزدیک کرد. در نهایت چاره ی مشکل را در انتقال این بحران به کشورهای غیرصنعتی دیدند و در واقع استعمار به معنی دقیق از این جا آغاز شد.

استعمار برای دست یابی به مقاصد فوق از حربه ی تهاجم فرهنگی استفاده کرد. و با این شعار که کشورهای پیشرفته و صنعتی، ملل متمدن، و جوامع غیرصنعتی ملل وحشی هستند، و این که کشورهای متمدن وظیفه ی تعمیر و آبادانی کشورهای عقب مانده را به عهده دارند، اذهان عمومی را برای هجوم و اشغال نظامی آماده کردند و سپس دست به تجاوز علیه کشورهای غیرصنعتی زدند.

بسیاری از کشورها فریب این شعارها را خورده و باور کردند که آنها واقعاً برای نجات کشورهای عقب مانده تلاش می کنند. به خصوص وقتی دیدند، استعمار پس از وارد شدن در هر سرزمین برای تهیه ی امکانات رفاهی و تأسیس جاده، راه آهن و غیره اقدام می کند، براعتماشان افزوده شد. غافل از این که این اقدامات برای سهولت در امر غارت مواد اولیه و منابع ارزشمند نهفته در آن سرزمین بود.

کشورهای استعماری موفق شدند با استفاده از تهاجم به فرهنگ ملل مختلف حضور همه جانبه ای در کشورهای توسعه نیافته پیدا کنند و هم زمان با غارت منابع اقتصادی به تحقیر فرهنگی این جوامع بپردازند؛ به طوری که به ملت ها تلقین کنند که بدون کمک کشورهای صنعتی ادامه ی حیات و دسترسی به صنایع پیشرفته محال می باشد. اما این وضع چندان طول نکشید و بالاخره برخی از ملت ها بیدار و متوجه شدند که حضور استعمار چیزی جز فقر و فلاکت برای آنها به جای نمی گذارد، بر این اساس ملت های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین که سال ها در زیر یوغ استعمار مورد استثمار واقع شده بودند به فکر استقلال افتاده و مبارزات چشمگیری را برای اخراج بیگانگان از سرزمین خود آغاز کردند.

۴. وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه ها

دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است چنان چه ملتی در حفظ اصول و ارزش های فرهنگی خود موفق باشد، در سایر زمینه ها نیز موفق خواهد بود. اما

ملتی که در پاسداری از فرهنگ خود کوشا نباشد شکی نیست که این جامعه در مسیر تهاجم فرهنگی دشمنان خود، علاوه بر پذیرش سلطه ی فرهنگی بیگانگان ناچار است سلطه های سیاسی و اقتصادی و نظامی آنان را نیز بپذیرد. چون فرهنگ به مثابه ی موتور محرک، مایه ی شکوفایی ذهن های خلاق و مستعد می باشد و در سایه ی فرهنگ زنده و مبارز است که افراد جامعه به رشد و استقلال سیاسی، اقتصادی می رسند. بنابراین رسیدن به

خودکفایی اقتصادی، سیاسی و نظامی، زمانی میسر است که استقلال فرهنگی وجود داشته باشد.

نظام های منحط سرمایه داری، پس از سال ها تجربه و آزمایش به این نتیجه رسیده اند که مهم ترین مانع توسعه طلبی آنها در کشورهای جهان سوم قدرت فرهنگی این ملت هاست و تا زمانی که علایق مذهبی جوامع مذکور دست نخورده باقی بماند، چپاول منافع آنان امر مشکلی خواهد بود. لذا به این فکر افتادند که قبل از هر چیز سلطه ی فرهنگی را کامل کنند.

پس از سلطه ی فرهنگی است که احساس حقارت و پوچی و ناتوانی در روح ملت ها بسیار آسان ایجاد خواهد شد و آنها کم کم به این یقین دروغین می رسند که قدرت انجام هیچ کار عظیم و مهمی را ندارند و بایستی تا آخر عمرشان تابع و تحت سلطه ی سیاسی، اقتصادی بیگانگان بمانند.

پس از ایجاد چنین باورهایی است که دشمن می تواند سلطه ی اقتصادی، نظامی خود را نیز تکامل بخشیده و به آسانی مقدرات امور ملت ها را در دست بگیرد. ملت های جهان به ویژه ملل مسلمان مدت ها است که در خطر چنین تهاجمی قرار گرفته اند.

بنابراین برای جلوگیری از سلطه ی فرهنگی و به تبع آن سلطه ی اقتصادی دشمن، ایجاد حساسیت دو جانبه ضروری می باشد. از یک طرف حساس بودن به فرهنگ خودی که بایستی به مثابه ی روح جامعه تلقی و مورد احترام قرار گیرد که البته بستگی زیادی به توجه و عملکرد کلیه ی مسئولان مملکتی دارد. از طرف دیگر حساسیت شدید به فرهنگ مهاجم غرب.

دانشجو: امروز در محاورات و ادبیات سیاسی از کودتای مخملی یا (انقلاب های رنگی) زیاد سخن به میان می آید در این باره هم توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم

اشاره

دانشجو: امروز در محاورات و ادبیات سیاسی از کودتای مخملی یا (انقلاب های رنگی) زیاد سخن به میان می آید در این باره هم توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم. (۱)

استاد:

کودتای مخملی یا انقلاب رنگی از شیوه های براندازی نرم و نوعی سرنگون کردن حاکمیت و جابه جایی قدرت به وسیله تحولات سیاسی است که به شیوه های آرام و مسالمت آمیز جلوه گر شده است و از شیوه مبارزه منفی و نافرمانی مدنی نیز بهره می گیرد. این واژه برای نخستین بار از سوی «والسلاو هادل»، رئیس جمهور پیشین چک که در آن زمان رهبر مخالفان چکسلواکی سابق بود به ادبیات سیاسی وارد شد. این طرح و ایده به ترتیب در یوگسلاوی (۲۰۰۰ م)، گرجستان (انقلاب گل رز، ۲۰۰۳ م)، اوکراین (انقلاب نارنجی، ۲۰۰۴ م) و قرقیزستان (انقلاب لاله ای، ۲۰۰۵ م)، لبنان و بلاروس (ناکام، ۲۰۰۵-۲۰۰۶ م) صورت گرفت که عمدتاً به صورت نمادین، نام انقلاب رنگی به خود گرفتند.

بررسی های صورت گرفته در خصوص انقلاب های رنگی نشان می دهد که در وقوع چنین حرکت هایی، عوامل متعدد داخلی و خارجی نقش دارند و از پیامدهای چنین انقلاباتی تأثیر پذیرفته و منتفع یا متضرر می شوند. و انگیزه آن تغییر رژیم، نتیجه آن، به قدرت رسیدن احزاب و شخصیت های دموکراتیک و غرب گرا می باشد.

ص: ۹۹

شاید تصور شود کودتای مخملی که در سال های اخیر از آن صحبت می شود پدیده ای جدید در حوادث سیاسی جهان می باشد. صاحب نظران سیاسی انقلابات مخملی را نسخه قرن بیست و یکمی کودتاهای قرن بیستمی در کشورهای جهان می دانند که توسط کشورهای بیگانه انجام می شود است.

این مدل جدید کودتا که آن را «کودتای هوشمند» نیز نام نهاده اند سابقه بسیار قدیمی دارد و نمونه های از آن را در تاریخ ملل مختلف می توان یافت.

پس انقلابات مخملی به حرکت های اعتراضی گفته می شود که به منظور تأثیر گذاری در شرایط سیاسی یک کشور با ویژگی های زیر سازماندهی و اجرا شود:

۱. معمولاً بعد از انتخابات است و به منظور تغییر در نتایج انتخابات انجام می شود.

۲. از نمادهای رنگین برای هماهنگی در عملیات و بزرگنمایی استفاده می شود.

۳. از کمک های مالی، رسانه ای و سیاسی دول خارجی برخوردار است.

۴. طرف پیروز انتخابات ممکن است دارای ضعف ها، خطاهایی باشد که از آن برای بدنام کردن او استفاده می شود.

در این کشورها در صورتی که نتایج انتخابات به ضرر کشورها و بعضی گروه های داخلی باشد، آنها در یک حرکت هماهنگ و با استفاده از چهار اهرم:

ص: ۱۰۰

۱. فشار از پایین (تحصن، تظاهرات و اردو کشی های خیابانی)،

۲. بمباران تبلیغاتی توسط رسانه های فرامرزی،

۳. موضع گیری های سیاسی در سطوح بالای کشورهای ذینفع

۴. بزرگنمایی بعضی نقایص و اشتباهات دولتمردان (حتی تهمت های ساختگی و جعلی)

گروه بازمانده انتخابات، جو جامعه را به سمتی سوق می دهند که مردم را نسبت به رأی خود مردد و مسئولین را نسبت به انتخابات مجدد متقاعد می کنند. بدین ترتیب طرف بازنده مظلوم نمایانده شده و احساسات مردم به او به عنوان ناجی تحریک می شود و در نتیجه در انتخابات مجدد شانس بسیار بیشتری برای پیروزی دارد.

دانشجو: پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در رسانه ها از بنیادهای طراح و حامی کودتای مخملی خیلی صحبت می شد مخصوصاً بنیاد سوروس، در این زمینه هم توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

بلی دشمنان نظام پس از این که نتوانستند از طریق جنگ سخت یعنی جنگ تحمیلی بر علیه ما، انقلاب اسلامی را از میان بردارند، با تأسیس و راه اندازی مؤسسات در غالب و پوشش حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی و فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، آموزش و امور خیریه سناریوی براندازی

ص: ۱۰۱

خود را طراحی و به اجرا گذاشتند. بنیاد سوروس (۱) یکی از فعال ترین نهادهای حامی انقلاب های رنگین است که حضور مستقیمی در تحولات کشورهای تازه استقلال یافته در سال های اخیر داشته است.

سوروس در اصل یک یهودی مجارستانی است که در سال ۱۹۳۰ در بوداپست به دنیا آمده است. او در سال ۱۹۴۷ به غرب گریخت. در دانشگاه لندن درس اقتصاد خواند و بسیار تحت تأثیر اندیشه های «کارل پوپر» قرار گرفت. وی در سال ۱۹۵۶ به آمریکا رفت و از طریق معاملات ارز، ثروت هنگفتی اندوخت.

سوروس موسسه جامعه باز را در سال ۱۹۷۹ در نیویورک ایجاد کرد. امروزه او شبکه ای از این قبیل موسسات را در سر تا سر اروپای مرکزی و شرقی، شوروی سابق و آسیای مرکزی و هم چنین آفریقای جنوبی، گواتمالا و ایالات متحده و... دارد. او هم چنین کتاب هایی نیز در زمینه های مختلف سیاسی اقتصادی چاپ و منتشر کرده است. همچنین موسساتی چون «بنیاد ملی برای دموکراسی» و «موسسه خانه آزادی» را نیز زیر نظر دارد.

جرج سوروس، یهودی مجاری الاصل، رئیس «شورای روابط خارجی» آمریکا نیز هست. این شورا حدود ۴۰۰۰ عضو شامل اعضای سابق سازمان سیا، نمایندگان رسانه ها، سیاستمداران و اشخاص سرشناس دانشگاهی دارد، در سال ۱۹۹۸ با طرح خروج میلیاردها دلار از کشورهای اندونزی و مالزی فشارهای خرد کننده اقتصادی و سیاسی به آنها وارد کرد.

ص: ۱۰۲

برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) و در جریان بحران ورشکستگی مالی و اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا نام بنیاد سوروس بر سر زبان ها افتاد، به باور کارشناسان بنیاد سوروس با داشتن پشتوانه مالی و سیاسی به عنوان یکی از ابزار فشار و نفوذ آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناطق مختلف ایفای نقش می کند. این بنیاد از پنج روش یعنی از طریق ارتباط با احزاب مخالف، مطبوعات، رسانه ها، تشکیلات غیر دولتی و دولتمردان در کشورهای مورد نظر سعی در برآوردن اهداف واشنگتن و تل آویو دارد.

سوروس فقط در سال ۲۰۰۳ میلادی مبلغی معادل ۲۰ میلیون دلار به منظور حمایت از جنبشهای اصلاح طلب در پنج کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان هزینه کرده است.

او حتی در مصاحبه ای که در ماه جولای سال ۲۰۰۴ با روزنامه لوس آنجلس تایمز داشت اعلام کرد که «من دوست دارم سناریو مشابه به وقایعی که در گرجستان به وقوع پیوسته اند، در پنج کشور آسیای مرکزی تکرار شوند».

«ادوارد شواردناوزه» رئیس جمهور سابق گرجستان پس از مجبور شدن به استعفا اقدام به افشاگری در مورد نقش بنیاد آمریکایی- صهیونیستی در حوادث ۲۰۰۳ گرجستان کرد و جورج سوروس میلیاردر یهودی الاصل آمریکایی را متهم کرد که با اختصاص چندین میلیون دلار به اغتشاشات در گرجستان برکناری وی را رقم زده است. ادوارد شواردناوزه همچنین گفت: «جورج سوروس از جنایت کارانی است که باعث ایجاد تغییر نظام سیاسی گرجستان شد».

جالب این که پس از تشکیل دولت جدید در گرجستان اعلام شد که چهار تن از اعضای دولت جدید گرجستان شامل وزرای آموزش و پرورش، دادگستری، دارایی و ورزش جوانان وابسته به میلیاردی یهودی آمریکایی هستند. این چهار نفر قبلاً کارمند دفاتر جورج سوروس بوده اند و سالیان متمادی از این سرمایه دار یهودی الاصل آمریکایی پول می گرفتند تا برنامه های او را در گرجستان اجرا کنند.

سوروس سایه خود را بر انقلاب نارنجی اوکراین نیز گسترده. بنیادهایی با نام مدافعین دموکراسی و حقوق بشر مانند قارچ های سمی در اوکراین روئیدند. سازمان های غیردولتی مانند انستیتوی ملی دموکراسی (NDI) تحت رهبری مادلین آلبرایت، انستیتوی بین المللی جمهوری

(IRI) به رهبری جان مک کین، سازمان خانه آزادی متعلق به «جیمز ولزی» رئیس سابق سازمان سیا و انستیتوی «جامعه باز» که متعلق به «جرج سوروس» است، کار شروع انقلاب در اوکراین را در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۰۲ در کی یف آغاز کردند.

ردپای سوروس را می توان در ارمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و آذربایجان نیز جستجو کرد که اغلب در قالب حمایت از برخی NGO ها و مطبوعات مشاهده نمود.

یکی دیگر از اقدامات بنیاد سوروس در کشورهای آسیای میانه به ویژه آذربایجان، آلوده ساختن جمعیت جوان این کشورها است. در همین ارتباط روزنامه «اولایلار» وابسته به وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان از تلاش

بنیاد مذکور برای گسترش مواد مخدر در این کشور در پوشش برنامه مبارزه با مواد مخدر خبر داد تا از این طریق جوانان این کشور را فاسد نماید.

از سوی دیگر با توجه به بافت مذهبی جمهوری آذربایجان بنیاد سوروس برای از هم پاشیدن بنیادهای اجتماعی و مذهبی این کشور تلاش می کند علاوه بر این نمایندگی بنیاد مذکور در آذربایجان تاکنون ۲۰ میلیون دلار در راستای فعال سازی رسانه ها و سازمان های غیر دولتی علیه دولت این کشور هزینه نموده است.

بنیاد سوروس در کنار بنیاد رسانه ای رابرت مرداک (امپراطور یهودی رسانه های خبری)، دومین سازمان رسانه ای جهان است که بیشترین شبکه های تلویزیونی، خبرگزاری، سایت ها، خبرنگارها و روزنامه ها را در سطح جهان مدیریت و هدایت می کند، اما تفاوت این است که فعالیت رسانه ای مرداک (مردوخ) آشکار است و جسورانه در اداره و خرید شبکه های بزرگی چون فاکس نیوز تا الجزیره و حتی رسانه های آسیای دور ظاهر می شود، ولی سوروس بیشتر اصرار دارد مشی نهان را در خرید و هدایت رسانه ها ایفا کند.

بنیاد سوروس از موسسات و مراکزی که به دنبال ایجاد «نافرمانی مدنی» در جمهوری اسلامی ایران هستند نیز حمایت می کند. مهم ترین مورد آن، حمایت و پشتیبانی بنیاد سوروس از مرکز آمریکایی «ویلسون» است که «هاله اسفندیاری» از مدیران بخش خاورمیانه ای آن می باشد. طبق اعتراف اسفندیاری، بنیاد سوروس با حمایت از برنامه خاورمیانه ای مرکز ویلسون، به

دنبال ایجاد یک شبکه ارتباط غیر رسمی در ایران در جهت عملی نمودن اهداف براندازی نرم بوده است.

وزارت اطلاعات مدتی بعد از دستگیری هاله اسفندیاری در ۱۸ اردیبهشت و تحقیقات از وی اعلام کرد که اسفندیاری

به عنوان یکی از مدیران موسسات مرتبط با سوروس از تلاش این بنیاد برای اجرای براندازی نرم در ایران پرده برداشته است.

در گزارش وزارت اطلاعات آمده بود: هاله اسفندیاری که مدیر و موسس برنامه خاورمیانه مرکز «ویلسون» در آمریکا است، به عنوان مرکز حلقه اتصال ارتباط ایرانیان با سازمان ها و نهادهای آمریکایی عمل کرده است.

هاله اسفندیاری تصریح کرده است: فعالیت ها و برنامه های مربوط به ایران در برنامه خاورمیانه مرکز ویلسون، از طریق بنیاد آمریکایی سوروس، حمایت و پشتیبانی مالی شده است.

همکاری اسفندیاری با وزارت اطلاعات موجب شد که مدیر و نماینده بنیاد آمریکایی سوروس در ایران نیز (کیان تاجبخش) شناسایی و دستگیر شود.

وی در تحقیقات اولیه اظهار داشته که بنیاد سوروس در ایران با ایجاد یک شبکه ارتباط غیر رسمی و تلاش برای توسعه و گسترش آن، اهداف براندازانه خود را دنبال می نماید.

به نظر می رسد تحقیقات از اسفندیاری، وزارت اطلاعات را به «کیان تاجبخش» رسانده است. تصویری که تا پیش از این از تاجبخش در برخی رسانه های داخلی ارائه شده، تصویر یک کارشناس «جامعه شناس شهری» و

مدرس دانشگاه های ایالات متحده است، اما حضور «تاجبخش» در محافل سیاسی، اجتماعی، رسانه ای و فرهنگی ای که هیچ فصل مشترکی با یکدیگر از حیث اتصال ماهیت و موضوع ندارند و دعوت نهادهایی چون «خانه هنرمندان ایران»، «انجمن جامعه شناسی ایران»، «دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران» و... از وی، پدید آورنده گمانه زنی های تازه ای بوده است.

کیان تاجبخش، اجرایی کردن اهداف بنیاد سوروس را از طریق راه اندازی کارگاه های مطالعاتی با حضور دانشجویان و جوانان و تدریس اصول و مبانی شبکه سازی اجتماعی به مثابه اصلی ترین مبنای براندازی نرم حکومتها دنبال نموده است. وی اگرچه مدرس رسمی دانشگاه های ایران نبوده، اما از سال ۱۳۸۳ با حضور در کلاس های «جامعه شناسی شهری» به عنوانی مختلفی چون «استاد دانشگاه نوین تحقیقات اجتماعی نیویورک» پیرامون کیفیت «شبکه سازی اجتماعی» در مقام یک «سرمایه اجتماعی» سخنرانی کرده است.

«کیان تاجبخش» با چاپ کتاب «سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه» در مهرماه ۱۳۸۵ که یک دکترینال اجتماعی و استراتژیک و الگویی ساختاری را برای سرمایه های پنهان براندازی نرم صورتبندی می کند، ورژن ایرانی اندیشه های براندازانه فرانسیس فوکویاما را در این حوزه به ادبیات شبه روشنفکری ایران وارد کرده است. همگام با طرح «شبکه سازی» و نهادسازی اجتماعی بنیاد جورج سوروس یهودی در ایران، «کیان تاجبخش» حضوری پر رمز و رازی در حلقه های فرهنگی و هنری نیز دارد.

روزنامه کویتی «القبس» نیز در یادداشتی به قلم «کاملیا انتخابی فرد» عضو سابق هیأت تحریریه روزنامه های همشهری در زمان مدیر مسئولی «غلامحسین کرباسچی» و روزنامه توقیف شده «زن» به مدیر مسئولی «فائزه هاشمی» که پس از توقیف این روزنامه به خارج گریخت، مدعی شد که در سفری به آمریکا به همراه «شهلا شرکت» مدیر مسئول ماهنامه زنان، «محمد عطریانفر» از روزنامه همشهری و «مژگان جلالی» از روزنامه ایران نیوز، در مهمانی ویژه ای در منزل «جرج سوروس» میلیاردر یهودی آمریکایی و رئیس بنیاد «جامعه باز» حضور داشته است.

اخبار این چنین حکایت از تلاش بنیاد سوروس برای ایجاد باز نمودن راه کارهایی برای نفوذ در ایران دارد، اقداماتی که نشانه های آن را می توان در فتنه های اخیر کشور مشاهده نمود.

البته مؤسسات و بنیادهای دیگری هم هست که از مجریان و طراحان جنگ نرم هستند که وقت ما اجازه نمی دهد به توضیح آنهاپردازیم اجمالاً شما را ارجاع می دهم به کتابی که جناب آقای داود رنجبران از فضلای حوزه در زمینه جنگ نرم تألیف نمودند، در بخشی از این کتاب به این مؤسسات و بنیادها اشاره شده است.

دانشجو: مکرر در بیانات مقام معظم رهبری صحبت از استکبار جهانی است لطفاً بفرمائید استکبار جهانی کیست؟ و چرا رهبری آنقدر روی این مسأله تأکید دارند؟

استاد:

من برای پاسخ شما از فرمایشات خود آقا استفاده می‌کنم: معظم له در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۴/۶/۱۳۸۸ می‌فرمایند: «دستگاه استکبار فقط ایالات متحده آمریکا نیست یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپایی نیست، دستگاه استکبار یک شبکه عظیم تری است که شامل این هاست. شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه تجار بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست، این‌ها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی می‌کنند، دولت‌ها را این‌ها می‌آورند، این‌ها می‌برند، این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت‌های اروپایی هستند خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند».

اما این که می‌فرمایید چرا آقا روی این مسأله تأکید دارند به خاطر این است که ما از اول انقلاب تا کنون غیر از بدی و ظلم و جفا از ناحیه استکبار و جهان غرب بویژه آمریکا چیزی ندیدیم، البته نه تنها ما، خیلی از ملت‌های آزاده جز ظلم و درنده‌خویی و تجاوز و تعرض به نوامیس و شرف و حیثیت آنها چیزی از غربی‌ها و آمریکایی‌ها ندیدند.

ص: ۱۰۹

انقلاب اسلامی ایران از هنگام پیروزی تا به امروز با سنگین‌ترین تهدیدات و تهاجمات از سوی دو بلوک غرب و شرق و متحدان آنها رو به رو شده؛ آن‌گونه که در هیچ‌یک از انقلاب‌های دیگر شاهد آن نبوده‌ایم. حال جناب آقای محسن نصیری در کتاب خود درباره این تهاجمات مفصل بحث کرده که در این جا به برخی از آنها نظری می‌افکنیم: [\(۱\)](#)

۱- تحریف ماهیت

دولت موقت به نخست‌وزیری مهندس بازرگان که با پیشنهاد شورای انقلاب و حکم حضرت امام (ره) در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ شکل یافت، عملکردی داشت که مورد تأیید مردم و امام (ره) نبود از این رو پس از حدود نه ماه به پایان رسید. حاکمیت کوتاه دولت موقت که در آن لیبرال‌ها قدرت اجرایی کشور را در دست داشتند و- اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی نقش اصلی را در آن ایفا می‌نمودند- موقعیتی فراهم نمود که آمریکا با توجه به گرایش فکری این دولت به غرب، برای انحراف و تحریف انقلاب اسلامی در موقعیت مناسبی قرار گیرد.

ص: ۱۱۰

۱- اقتباس از کتاب «ایران؛ دیروز، امروز، فردا»، ص ۳۰۷ به بعد.

در این باره لینگن، کاردار سفارت آمریکا در تهران طی نامه ای به وزارت امور خارجه آمریکا، سیاست آمریکا را حمایت از «میانه روها» قلمداد می کند. (۱)

براساس اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) در تهران، ارتباط این سفارت با «ملی گراها» در نهضت آزادی و جبهه ملی به ویژه با تشکیل دولت موقت تشدید می شود و حتی بازرگانان از رابطه با آمریکا و همکاری با آنها سخن می گوید؛ (۲) تا جایی که کارتر در خاطراتش می نویسد: بازرگانان و اعضای کابینه اش که اکثراً تحصیل کرده غرب بودند، با ما همکاری داشتند. (۳)

بنابراین انحراف انقلاب اسلامی توسط دولت موقت و با حمایت و برنامه ریزی آمریکا، از اولین تهدیدات به شمار می رفت. با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و به دست آمدن اسناد همکاری آنان با آمریکایی ها، دولت موقت بازرگانان در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ استعفا کرد و این خطر مرتفع گردید.

ص: ۱۱۱

-
- ۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۶-۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.
 - ۲- رک: مجتبی سلطانی، خط سازش؛ نهضت زنان مسلمان، مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی.
 - ۳- جیمی کارتر، ۴۴۴ روز، ص ۲۰.

حضرت امام (ره) در خصوص نهضت آزادی و دولت موقت چنین نوشت: ... پرونده این نهضت و همینطور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی، طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکاست و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند، ملت‌های مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد... (۱)

۲- تجزیه طلبی قومی

یکی از اقدامات غرب به رهبری آمریکا برای آسیب رساندن به انقلاب اسلامی ایجاد جنگ داخلی و تجزیه طلبی قومی در نقاط مختلف کشور از جمله کردستان،

آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گنبد و ترکمن صحرا بود.

هنوز یک هفته از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ شهر سنندج توسط گروه‌های ضد انقلاب و کمونیستی و حزب دموکرات کردستان اشغال گردید. آنان با کشتار نیروهای ارتشی و مردمی، پادگان‌ها را تصرف کردند و با غارت پادگان مهاباد به جنگ داخلی شدیدی علیه انقلاب اسلامی روی آوردند.

ص: ۱۱۲

۱- روح الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۸۴.

از سویی دیگر، آنها در کردستان «خلق کرد» در خوزستان «خلق عرب»، در گنبد و ترکمن صحرا «خلق ترکمن» و در سیستان و بلوچستان «خلق بلوچ» را مطرح نمودند و با حمایت‌های آمریکا و نیروهای عراقی طرح تجزیه طلبی و خودمختاری را شدت بخشیدند.

در یکی از اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا با طبقه بندی «سری» اگر کردها، آذربایجانی ها، اعراب و سایر گروه های قومی تلاشهای خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند.^(۱)

یکی از افسران اطلاعاتی «سیا» در ۲۹/۳/۱۳۵۸ اظهار می دارد: تمام بذره‌های یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است...^(۲)

در این راستا حزب دموکرات کردستان به رهبری عبدالرحمن قاسملو در تابستان ۱۳۵۸ برای مبارزه مسلحانه علیه انقلاب اسلامی میلیون ها دلار از «ناتو» دریافت می دارد.^(۳)

ص: ۱۱۳

۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، کردستان (۱)، ص ۱۵۲.

۲- روزنامه کیهان، ۲/۱۰/۱۳۵۹

۳- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، ص ۴۵

سناتور جکسون طی مصاحبه ای در مهر ۱۳۵۸ می گوید: انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است. (۱)

به هر روی، این گروه های وابسته به بیگانگان نتوانستند به اهداف خود در تجزیه ایران و نابودی انقلاب اسلامی دست یابند. امروز نیز آمریکا در صدد است با تجزیه طلبی و اختلافات قومی دیگر بار بین ملت ایران اختلاف افکند، برای نمونه، شیمون پرز، معاون نخست وزیر و رئیس جمهور کنونی رژیم صهیونیستی در ۱۲ آذر ۱۳۸۵ می گوید: ما بی ثبات سازی در ایران از طریق توسل به قومیت ها را دنبال خواهیم کرد؛ چرا که بهترین طریق برای ما بهره برداری از اختلافات داخلی ایران است که باید از طریق یک پروسه تبلیغاتی و روانی با تکیه بر شبکه های فارسی زبان پیگیری شود. (۲)

از این رو گروهک هایی تروریستی همانند «حزب دموکراتیک الأهوازیه» (به رهبری منصور الأهوازیه مقیم انگلیس)، «پژاک» و گروهک «عبدالمالک ریگی» در خوزستان، کردستان، و بلوچستان فعال شده اند.

ص: ۱۱۴

۱- کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۶۳.

۲- ماهنامه هدایت، تیرماه ۱۳۸۶، ش ۷۱، ص ۳۸.

حربه «ترور» مسئولان و مردم انقلابی ایران از جمله راه کارهای آسیب رسانی به انقلاب اسلامی از سوی استکبار جهانی و ایادی داخلی آنها به شمار می رود.

بدین ترتیب، گروهک‌هایی مانند فرقان، چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با حمایت آمریکا و اروپا افراد مؤثر در انقلاب اسلامی را به شهادت رساندند. ترورها به ترتیب از این قرار بود: ترور تیمسار قره‌نی، رئیس ستاد ارتش در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه تروریستی فرقان، شهادت استاد مطهری در ۱۱ اردیبهشت، سوء قصد به آقای هاشمی رفسنجانی و مجروحیت ایشان در چهارم خرداد ماه، ترور حاج مهدی عراقی و فرزندش در چهارم شهریور، ترور آیت الله قاضی طباطبایی در تبریز و دکتر مفتاح در ۲۷ آذر ۱۳۵۸، ترور شهدای محراب و حضرت آیت الله خامنه‌ای در ششم تیر ۱۳۶۰ و نیز بمب گذاری هفتم تیر ۱۳۶۰ و هشتم شهریور ۱۳۶۰ در حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیری، انفجار بمب در حرم امام رضا (ع) در عاشورای سال ۱۳۷۳ و ترور سپهبد صیاد شیرازی و اسدالله لاجوردی که اوج این اقدامات به شمار می رود.

شمار این ترورها چنان بی سابقه بود که نشریه فاینشال تایمز پس از واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰ نوشت: در تاریخ، چنین واقعه ای بسیار مشکل به نظر می‌رسد که در آن بسیاری از رهبران سیاسی در یک زمان به قتل برسند.^(۱)

۴- محاصره اقتصادی

ایران که در سال‌های پایانی رژیم پهلوی بیشترین مبادله اقتصادی را با آمریکا داشت و در اقتصاد کاملاً وابسته به غرب بود، با هدف تسلیم شدن در برابر آمریکا به یکباره در سال ۱۳۵۸ با تحریم اقتصادی وسیعی رو به رو شد که هنوز هم ادامه دارد.^(۲)

کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا در تاریخ ۲۳/۸/۱۳۵۸ دستور تحریم اقتصادی ایران را صادر کرد و سپس کشورهای اروپایی مانند انگلستان، کانادا، ژاپن، آلمان و فرانسه نیز به آمریکا پیوستند.

در تحریم اقتصادی نه تنها مبادله کالا و خدمات با ایران لغو شد، بلکه از یک سو اموال و دارایی‌های کشورمان در اروپا و آمریکا مسدود و از دیگر سو خرید نفت از کشورمان نیز قطع گردید.

برژینسکی در تشریح اهداف آمریکا در تحریم اقتصادی ایران می‌گوید: اعمال تحریم‌ها به قصد افزایش ابزار سلطه ما در مقابل با ایران بود.^(۳)

ص: ۱۱۶

۱- اداره تحقیقات و بررسی‌های سیاسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فاجعه هفتم تیر و امپریالیسم خبری، ص ۶۲

۲- رک: حسین علیخانی، تحریم ایران، شکست یک سیاست.

۳- زیگنیو برژینسکی، سقوط شاه، جان گروگان‌ها و منافع ملی، ص ۹۱

این تحریم ها که بعدها در دولت های ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر و اوباما ادامه داشته، بی گمان نه تنها غرب را به هدف خود- در نابودی انقلاب اسلامی- نرسانده و بلکه از دیگر سو زمینه استقلال و خوداتکایی ملت بزرگ ایران را نیز فراهم ساخته است.

پاتریک کلاوسون، تحلیلگر معروف آمریکایی، اهداف اعمال تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را سرنگونی، تغییر در رفتار نظام و نیز تضعیف توانایی حکومت ایران بر می شمرد، امامت‌عترف است این تحریم ها دستاورد اندکی در پی داشته است. (۱)

البته او معتقد است: این تحریم ها می توانند با افزودن مشکلات اقتصادی، حمایت [مردم] از رژیم روحانی ایران را به تدریج تضعیف نمایند. (۲)

۵- تهاجم نظامی آمریکا (صحرای طبرستان)

استکبار جهانی به رهبری آمریکا که در توطئه های پیشین خود به اهدافش نرسیده بود و با تصرف لانه جاسوسی در تهران نیز پایگاه توطئه گری خود را از دست داده بود، بر آن شد تا به بهانه آزاد کردن جاسوسان آمریکایی، با تهاجم نظامی مستقیم نظام جمهوری اسلامی را سرنگون سازد.

مایلز کاپلند، از دست اندر کاران سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا و همکار کرمیت روزولت (در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) می گوید: هدف از تهاجم

ص: ۱۱۷

۱- پاتریک کلاوسون، تحریم های آمریکا علیه ایران، ص ۱۴ و ۴۹

۲- همان، ص ۵۰

طیس، تنها آزادی گروگان ها نبوده، بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است.^(۱)

بنابراین در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ با همکاری کشورهایمانند مصر، عربستان، عمان، پاکستان، و ترکیه شش فروند هواپیمای C-۱۳۰ و هشت فروند هلی کوپتر RH-۵۳۰ در صحرای طیس فرود آمدند تا با حدود نود کماندوی مجهز ارتش آمریکا برای تهاجم به تهران آماده شوند. این در حالی بود که عواملی از گروه های ضد انقلاب نیز به یاری آنان آمده و در کردستان جنگ داخلی را شدت بخشیده بودند و از سویی عراق در مناطق مرزی نیز تهاجماتی را انجام داد، اما غافل از امداد الهی، که برخلاف پیش بینی دقیق هواشناسی آمریکاییان «طوفان شن» نقشه آنان را خشتی خواهد کرد. در پی برخورد یک هلی کوپتر با هواپیمای C-۱۳۰ و آتش گرفتن آنها و کشته شدن هشت نفر از کماندوهای آمریکایی، آنان از طیس گریختند و بدین رو با تمام قدرت و فناوری در برابر اراده الهی ناکام ماندند.

ساعاتی بعد کاخ سفید طی اطلاعیه ای رسماً شکست در این عملیات را اعلام کرد و از باقی ماندن اسناد سری در درون هلی کوپترهای به جا مانده سخن گفت. از این رو به دستور بنی صدر فانتوم های ایران به بمباران هلی کوپترهای آمریکایی پرداختند که در اثر این بمباران فرمانده سپاه پاسداران

ص: ۱۱۸

۱- جولیتو کیه زا، هدف: تهران؛ تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده، ص ۱۳۶.

انقلاب اسلامی استان یزد، محمد منتظر قائم که در محل حادثه حاضر شده بود نیز به شهادت رسید (۱).

بعدها آشکار شد افرادی از ارتش و شخص بنی صدر برای مشخص نشدن نقش و ارتباط آنها با آمریکا، به بمباران هلی کوپترهای آمریکایی پرداخته و اسناد سری آمریکا را نابود کرده اند. پس از این شکست بزرگ آمریکا، برژینسکی در کتابش می نویسد: اگر این کار با موفقیت انجام می شد، آمریکا یک بار دیگر زور بازوی خود را نشان می داد؛ چیزی که بیست سال است به آن احتیاج دارد. (۲)

۶- کودتا

آمریکاییان برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی در دی ماه سال ۱۳۵۷ ژنرال هایزر، جانشین نیروهای ناتو را به تهران فرستادند تا با کودتایی نظامی مانع از پیروزی انقلاب اسلامی شوند که موفق نگردیدند.

ژنرال هایزر در کتاب خاطرات خود اظهار می دارد که حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معاون وزیر جنگ آمریکا از او خواسته است برای کودتایی نظامی به تهران باز گردد (۳).

ص: ۱۱۹

-
- ۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، طبس تصدیقی بر سوره فیل: نگرشی بر ماجرای طبس، ص ۲۵
 - ۲- زیگنیو برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۹۷
 - ۳- رابرت هایزر، مأموریت مخفی در تهران، ص ۴۵۳

آمریکایی‌ها در مهم‌ترین و گسترده‌ترین کودتای خود معروف به «نوژه» توسط فرماندهان و افسران پیشین ارتش و با همکاری عناصری از ساواک، با آماده کردن حدود سی فروند هواپیما، شصت خلبان و حدود پانصد نفر افراد فنی و نظامی بر آن بودند تا در ۱۹ تیر ۱۳۵۹ (۷۵ روز پس از شکست آمریکا در صحرای طبس) با پرواز هواپیماها از فرودگاه‌های مختلف از جمله فرودگاه شهید نوژه همدان، مراکز اصلی نظام را که مهم‌ترین آنها «بیت حضرت امام» بود، بمباران کنند،^(۱) اما ساعاتی قبل از اجرا با دستگیری عوامل کودتا این توطئه خنثی گردید.

آمریکایی‌ها پس از این شکست، چند کودتای ناموفق دیگر را نیز رهبری کردند که مهم‌ترین آنها بدین قرار بود: گروه برانداز «پارس» که مخفف «پاسداران رژیم سلطنتی» بود؛ گروه «نمارا» که از سوی شخصی به نام سرهنگ رضا زاده - که مستقیماً با اسرائیل ارتباط داشت - رهبری می‌شد؛ گروه «نیما» که با سازمان جاسوسی سیا، جبهه ملی و دکتر منوچهر شایگان مستقیماً در ارتباط بود و این افراد حتی کابینه خود را تشکیل داده بودند و نیز گروه «نجات انقلاب ایران» که در فروردین ۱۳۶۱ به رهبری قطب زاده شکل یافت^(۲) و از حمایت آیت الله سید کاظم شریعتمداری برخوردار بود. حزب خلق مسلمان با هدایت ایشان در بسیاری از توطئه‌ها ایفای نقش نمود^(۳).

ص: ۱۲۰

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، ص ۱۵۳

۲- همان، ص ۳۸ و ۳۹

۳- رک: سید حمید روحانی، شریعتمداری در دادگاه تاریخ

که این کودتاها نیز خنثی شد. هم چنین «حزب توده» با حمایت شوروی کودتایی طراحی نمود که در بهمن ۱۳۶۱ خنثی گردید.

۷- جنگ تحمیلی

استکبار جهانی با شکست در توطئه های خود به ویژه پس از شکست در صحرای طبس و کودتای نوژه، تهاجم سراسری عراق به ایران اسلامی را طراحی کرد که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز ایران و عراق آغاز گردید و هشت سال ناجوانمردانه کشور عزیز ایران را از زمین و هوا مورد حملات دشمنانه خود قرار دادند و چه تلفات عظیم مادی و معنوی به این ملت وارد ساختند که در جای خود مفصلاً باید ساعت ها در این باره سخن گفت.

۸- تهاجم فرهنگی

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و پیروزی قاطع ملت ایران در حماسه دفاع مقدس، استکبار جهانی با قطع امید از کودتا، جنگ، محاصره اقتصادی و جز این ها، به راهکار فرهنگی روی آورد.

دیوید کیو، مأمور سازمان C.I.A آمریکا و رابط این سازمان با برخی گروه ها و عناصر ضد انقلاب می گوید:

مهم ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است؛ ما مصمم به آن هستیم. (۱)

ص: ۱۲۱

شجاع‌الدین شفا، نویسنده ضد انقلاب خارج از کشور در این باره می‌گوید: ما باید بینش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود.^(۱)

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی نیز در مجلس نمایندگان آمریکا می‌گوید: من یک بار به رئیس سازمان سیا گفتم بهترین راه ایجاد دگرگونی در ایران، استفاده از تاکتیک‌های استاندارد و معمولی سازمان سیا نیست، بلکه بهترین راه، استفاده از ماهواره‌های بسیار قدرتمندی است که برنامه‌های تلویزیونی هالیوود را به ایران پخش کنند استفاده از این برنامه‌ها بسیار مفید خواهد بود. این گونه برنامه‌ها واژگون‌کننده (Subversive) هستند.^(۲)

همچنین میشل هولباک، نویسنده فرانسوی می‌گوید: نبرد علیه اسلام با کشتن مسلمانان میسر نیست. تنها می‌توان با به فساد کشاندن آنها به پیروزی رسید. باید به جای بمب دامن‌های کوتاه و تعدادی گوشواره فرو بریزیم.^(۳)

از این رو یکی از انواع آسیب‌هایی که تهدید‌کننده انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی است، «تهاجم فرهنگی» از سوی استکبار جهانی به رهبری آمریکا است.

ص: ۱۲۲

۱- همان، ص ۱۹

۲- روزنامه کیهان، ۱۵/۷/۱۳۸۰، ص ۲

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۸/۱۳۸۰

بر همین اساس مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۹ به صورت جدی برای هوشیار سازی مسئولان نظام و مردم مسئله «تهاجم فرهنگی» دشمنان را مطرح نمودند و بارها تا به امروز با طرح مباحثی همچون «غارت فرهنگی»، «شیخون فرهنگی»، «قتل عام فرهنگی»، «اندلسی کردن ایران»، «ناتوی فرهنگی» و سرانجام «جنگ نرم» از اهداف و برنامه های تهاجم فرهنگی دشمنان پرده برداشته اند. جerald سگال، مدیر مطالعات انستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک لندن چنین می گوید: غرب باید به شیوه ای که کمونیزم را مهار و آلوده کرد با سایر دشمنان خود عمل کند. آلوده سازی شیوه های فراوانی دارد که تجارت با دشمن [و] ایجاد طبقه متوسط غیر سیاسی و بی علاقه به سیاست از جمله آنهاست. گسترش طبقه متوسطی که علاقه ای به فداکاری برای ایدئولوژی رادیکال ندارد، از راه های اصلی آلوده سازی جوامع است. کشورهای اسلامی و آیت الله ها را باید با ترویج سکس و فرهنگ والت دیسنی در سرزمین هایشان به محاصره در آورد... دموکراسی ها [= غربی ها] چیزی کمتر از تسلیم کامل دشمنان خود را نمی پذیرند. (۱)

یکی از مهم ترین محورهای آلوده سازی، فساد عقیدتی و فکری در جامعه ایران است که در این باره ادوارد شرلی، از مقامات سابق سیا و مشاوران فعلی بوش در میزگرد فصلنامه آمریکایی خاورمیانه می گوید: کلید اصلی برای ایجاد تغییر بنیادین در سیاست های ایران، از بین بردن خصوصیات

ص: ۱۲۳

انقلابی رژیم ایران است. طبیعتاً سیاست فرسوده سازی این رژیم از لحاظ عقیدتی باید برای ما جذابیت خاصی پیدا کند... اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم بپاشد، آن وقت می توان پذیرفت که جمهوری اسلامی تغییر ماهیت داده و برقراری رابطه [با آمریکا] ممکن خواهد شد.^(۱)

در ادامه این میزگرد، کنت تیمرمن محقق امریکایی نیز می گوید: برقراری روابط [ایران و آمریکا] به معنای ختم انقلاب است. زمانی که ستون مبارزه با امریکا فرو بریزد، کل انقلاب فرو خواهد ریخت.^(۲)

بر همین اساس، در تهاجم فرهنگی دشمن، تاختن به «فرهنگ اصیل اسلامی و اعتقادات دینی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، خودباوری و هویت ملی - اسلامی»، محور تمام تهاجمات فرهنگی است.

۹- جنگ روانی - تبلیغاتی

در کنار دیگر تهدیدات و تهاجمات بویژه «تهاجم فرهنگی» استفاده از «جنگ روانی - تبلیغاتی» در دستور کار صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی به رهبری آمریکا قرار می گیرد.

در جنگ روانی - تبلیغاتی با بهره گیری از رسانه های قدرتمند و اثر گذار بر افکار عمومی تلاش می شود ملتی از لحاظ فکری و اعتقادی از هویت و توانمندی خود چشم پوشد و تمایلات و رفتار خود را براساس خواست مراکز قدرت و سلطه شکل دهد.

ص: ۱۲۴

۱- همان، ۳۰/۳/۱۳۷۷

۲- همان.

سناتور گوردن اسمیت در کنفرانس «ایران در هزاره سوم» در دانشگاه استنفورد سانفرانسیسکو با تأکید بر استفاده از «اینترنت» برای تأثیر بر افکار جوانان می گوید: در زمان جنگ ویتنام یک ارتشبد آمریکایی را می شناختم که می گفت اشتباه می کنیم که بر سر ویتنامی های شمالی بمب می ریزیم؛ باید بر سر آنها «کاتالوگ» بریزیم و از طریق ارتباط های غیر نظامی در جنگ برنده شویم. (۱)

بنابراین جنگ روانی- تبلیغاتی در سال های پس از دفاع مقدس به گونه ای گسترده تر علیه انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران به کار رفت و هنوز هم در موضوعاتی گوناگون ادامه دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۱- اتهام تروریست بودن ایران و حمایت از تروریست ها

۲- اتهام ساختن سلاح های هسته ای

۳- اتهام نقض حقوق بشر

۴- اتهام عدم کارآمدی حکومت اسلامی و ولایت فقیه

۵- اتهام ایجاد خلل در روند صلح خاورمیانه (تسلیم و سازش اعراب در مقابل اسرائیل)

۶- اتهام تهدید بودن جمهوری اسلامی برای کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس

در این محورها با بهره گیری از شایعه، دروغ و تهمت درصداقت و انسجام ملی و دینی ملت ایران را خدشه دار سازند؛ حال آن که آمریکا،

ص: ۱۲۵

رژیم صهیونیستی و اروپا خود در رأس کشورهای نقض کننده حقوق بشرند و در انجام عملیات های تروریستی و حمایت از تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی جنگ آفرینی علیه ملت ها (مانند فلسطین و عراق) و نیز استفاده از سلاح های هسته ای و تهدید هسته ای دیگر کشورها سرآمدند.

از آن جا که ملت مسلمان ایران توانسته است با قدرت ایمان و محوریت «ولایت فقیه» در پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، توسعه علوم و فنون راهبردی همانند «فناوری هسته ای» و خشتی سازی تهدیدات و تهاجمات غرب به موفقیت رسد، درصددند این الگوی موفق را خدشه دار کنند و از توانمندی آن بکاهند. از این رو با جنگ روانی علیه کارآمدی حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه به دنبال آسیب رسانی به انقلاب اسلامی اند. استانی روم، معاون رئیس سازمان امنیت ملی آمریکا می گوید: آنچه تا کنون همه تحریکات ما را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با ناکامی مواجه ساخته است، اعتقاد مردم ایران به ولایت فقیه است. (۱)

رادیو رژیم صهیونیستی می گوید: یک اصل در قانون اساسی ایران هست که در این سال ها بسیار در دسرساز بود و آن اصل ولایت فقیه است. (۲)

بنابراین در جنگ روانی و تبلیغاتی با طرح اتهاماتی بر آن اند تا توانمندی، کارآمدی و الگو بودن انقلاب اسلامی را در سطح داخلی، منطقه ای و جهانی زیر سؤال برند و مانع از رشد و توسعه ایران اسلامی شوند.

ص: ۱۲۶

۱- همان، ۲/۲/۱۳۸۰، ص ۷.

۲- حمید رسایی، پایان داستان غم انگیز، ج ۱ ص ۱۳۵

استکبار جهانی که از تهدیدات خشن خود طرفی نبسته بود، تلاش کرد با ایجاد انحراف در اصلاحات انقلابی و اسلامی ملت ایران، به اهداف شوم خود برسد. پس از برگزاری انتخابات با شکوه دوم خرداد ۱۳۷۶ و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی، زمینه یک ائتلاف خطرناک بین «کفر جهانی»، «منافق داخلی» و «محارب خارجی» فراهم شد، تا با سوء استفاده از خواست ملت در «اصلاحات انقلابی» آن را به «اصلاحات آمریکایی» بدل کنند و الگوی فروپاشی شوروی را در ایران به اجرا نهند (۱).

از این رو با طرح «دموکراسی آمریکایی» به مقابله با نظام اسلامی، قانون اساسی، پیوند دین و سیاست، ولایت فقیه و اندیشه های حضرت امام قدس سره پرداختند.

این ائتلاف شوم با بهره گیری از راه کارهای کتاب موج سوم دموکراسی (۲) اثر هانتینگتون و کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» جین شارپ و کتاب «جنگ استراتژی نرم» از رابرت ل. هلوی و دستورالعمل های آمریکاییان و حمایت مادی و معنوی آنان تلاش کرد پایه های نظام اسلامی را سست نموده، با طرح دموکراسی آمریکایی سکولاریسم، پلورالیسم و لیبرالیسم، به «جمهوری اسلامی»- با محوریت ولایت فقیه- ضربه زند. حال به برخی از اعترافات و دیدگاه ها که بیانگر این ائتلاف خطرناک است، می پردازیم:

ص: ۱۲۷

۱- رک: حسن واعظی، اصلاحات و فروپاشی

۲- رک: ساموئل هانتینگتون، موج سوم دموکراسی

فرخ نگهدار، وابسته به سازمان ضد انقلابی و تروریستی چریک های فدایی خلق، در کانون سیاسی- فرهنگی ایرانیان هامبورگ آلمان می گوید: ... عام ترین وجه اشتراک نیروهای جبهه اصلاحات که از سه مؤلفه لائیک، ملی- مذهبی و دوم خردادی تشکیل شده، دفاع آنها از عناصر جمهوریت و مردم سالاری است... آماج مقاومت باید خود ولایت فقیه باشد و نه یک زیر مجموعه آن. (۱)

پاتریک کلاوسون- مدیر تحقیقات در مؤسسه خط مشی نزدیک در واشینگتن- می گوید: قدم اولی که دوستان اصلاح طلب ما در ایران باید بردارند، این است که حریم ورود به حصار تفکر دینی را گسترش بدهند... در ایران حکومت دینی باید ساقط شود. قدم اول همان است که گفتم: اصرار بر جدایی دین از سیاست. (۲)

فرد هالیدی، استاد روابط بین الملل دانشگاه لندن و از فعالان سیاسی روابط خارجی انگلیس می گوید:

ظهور اصلاح طلبی در ایران وقتی می تواند در افق مطلوبی با غرب دست رفاقت بدهد که از سنگلاخ ولایت فقیه بگذرد... (۳)

ریچارد کلنن، سیاستمدار معروف آمریکایی نیز چنین می گوید: ظاهراً روزهای تلخ سر در گمی ما با روی کار آمدن اصلاح طلبان سپری

ص: ۱۲۸

۱- خبرنگار جمعیت ایثارگران، ۷/۱۱/۱۳۸۰، ش ۶۱

۲- روزنامه کیهان، ۱۸/۴/۱۳۷۹، ص ۱۴

۳- همان

می شود... ما از این پس باید شاهد فروریختن ستون های این نظام سرکش و مهار نشدنی باشیم؛ نظامی که در یک قلم، ایالات متحده آمریکا را با این همه قدرت هسته ای و فناوری اش به پشت دیواری از تحقیر تارانده است. (۱)

گری سیک، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا و مأمور سازمان سیا، پس از بازگشت از سفر به ایران در مصاحبه ای می گوید: من چگونه خوشحالی خودم را نشان شما ندهم که در ایران موج تازه ای به پا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را به هم بیچد و حکومتی شبیه حکومت ایران در زمان شاه و عربستان سعودی را روی کار بیاورد.... من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشارات ما را دنبال می کنند. آنها شش لولی بالا برده اند تا هر کس را و هرچه را که با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند...

خبرنگار می پرسد؟ مثلاً چه چیز را؟

گری سیک می گوید: مثلاً حتی ولایت فقیه را که من فکر می کنم در صحرای طبس، تکنولوژی برتر ما را در اراده خود دفن کرد. (۲)

راديو اسرائیل نیز می گوید: اصلاح طلبان طعمه خوبی برای رام کردن شیر سرکش جمهوری اسلامی هستند. (۳)

نشریه سلطنت طلب المجوز می نویسد: در کارگاه هایی چون حزب بعث عراق، سازمان «سیا»ی آمریکا و «موساد» اسرائیل برای حذف اصل «ولایت

ص: ۱۲۹

۱- همان

۲- همان

۳- نشریه صبح، مهر ۱۳۷۶، ص ۵

فقیه» از حکومت ایران تلاش زیادی به عمل آمد، ولی همه این تلاش‌ها با شکست مواجه شد. به همین دلیل، ما به این نتیجه رسیده ایم که باید به مقابله تدریجی با نظام جمهوری اسلامی برخیزیم تا آن را نه از راه قیام مسلحانه، بلکه از راه تشکیل «جامعه مدنی» از میان بر داریم.^(۱)

بنی صدر در گفتگو با رادیو آمریکا چنین گفت: هواداران اصلاحات باید شعار مردم سالاری را که از سوی برخی اصلاح طلبان داده می‌شود، دنبال کنند.^(۲)

رضا پهلوی - فرزند شاه معدوم - در اوج حرکت اصلاح طلبان آمریکایی در ایران در کنفرانس مطبوعاتی در آمریکا می‌گوید: برای هماهنگی و برقراری دموکراسی در ایران، شرایط در داخل کشور تا به این حد آماده نبود...^(۳)

هنری پرکت، مسئول سابق کرسی ایران در وزارت خارجه آمریکا اظهار می‌دارد:

اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با تزامنان ارتباط با آمریکا شروع شد - و حالا به تردید در اساسی‌ترین وجوه انقلاب اسلامی مشغول است - بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت فقیه را بر کشتی تردید سوار کند، بار سنگینی از دوش آمریکا برداشته خواهد شد.^(۴)

ص: ۱۳۰

۱- نشریه فیضیه، ۳/۲/۱۳۸۰، ص ۴

۲- هفته نامه پرتو سخن، ۲۶/۱۱/۱۳۷۹، ص ۸

۳- روزنامه کیهان، ۱۷/۹/۱۳۷۸، ص ۱۴

۴- نشریه صبح، ۱۵/۱۱/۱۳۷۹، ص ۳

حسین لاجوردی از فعالان ضد انقلاب خارج نشین در سال ۱۳۷۴ در پایان کنفرانس لندن می گوید:

اولاً- نقش مذهب در ایران باید کم رنگ شود. البته این هدف صرفاً با استفاده از روش های فرهنگی قابل تحقق است. ثانیاً فراموش نکنیم تز جدایی دین از سیاست همواره از اصول مبارزه ما با نظام است. ضمناً توجه کنید که عامل ناتوانی و عدم رشد و موفقیت ما در داخل کشور ولایت فقیه است و در مجموع برای مبارزه با جمهوری اسلامی ضمن آن که یاری گرفتن از قدرت های خارجی نباید فراموش شود، گروه های مخالف نظام باید براساس طرفداری از حکومتی ملی گرا- در قالب ایجاد دموکراسی و جامعه مدنی و مقابله و مخالفت با قدرت مذهبی و اسلامی- با هم همکاری کنند.^(۱)

در این باره جوزف بایدن، رئیس کمیته روابط خارجی سنا اعلام می دارد: دولت بوش باید به تمامی سازمان های غیر دولتی آمریکایی اجازه بدهد که به گروه های ایرانی مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، فرهنگی و خواهان دموکراسی کمک مالی کنند.^(۲)

همچنین سناتور تامس داشل، رهبر فراکسیون اکثریت در کنگره آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می گوید:

ایالات متحده باید فشارهایش را زیاد کند تا اصلاح طلبان ایران بتوانند مردم را بترسانند و خواسته های ما را تبلیغ کنند... ایالات متحده در این راستا، هم

ص: ۱۳۱

۱- مسعود خرم، هویت، ص ۱۳۷

۲- روزنامه کیهان، ۲۵/۱۲/۱۳۸۰

باید تهدید کند و هم راه را برای مذاکره باز کند و البته انجام مذاکره را هم به اعلام براءت ایرانی های مذاکره کننده از حکومت دینی و ولایت فقیه باید مشروط کرد.(۱)

این جریان پرخطر داخلی که با حمایت و بودجه آمریکایی ها و اروپائیان(۲) هدایت می شود، اقداماتی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران انجام داد که حتی جناب آقای محمد خاتمی در آخرین دیدار خود با دانشجویان در شانزدهم آذر ۱۳۸۳ در دانشگاه تهران گفت: از اردوگاه اصلاح طلبان صدای دشمن را می شنوم.(۳)

دانشجو: لطفاً بفرمایید مهمترین و کلیدی ترین نکته ای که ما باید آن را نقشه ی راه خود قرار بدهیم تا در این جنگ نرم دچار لغزش و احیاناً سقوط نشویم چیست؟

استاد:

اشاره

من باز از بیانات حضرت آقا استفاده کنم که فرمودند قطب نمای راه شما بصیرت است، بصیرت.

بصیرت مسأله ای است که در آموزه های دینی ما خیلی بر آن تأکید شده و امام هم در مقاطع مختلف به این موضوع اشاراتی دارد، مقام معظم رهبری

ص: ۱۳۲

۱- روزنامه رسالت، ۲۹/۲/۱۳۸۱، ص ۱۳

۲- رک: روزنامه کیهان، ۲۵/۴/۱۳۷۹ تا ۱/۵/۱۳۷۹ و ۱۰/۲/۱۳۸۰

۳- مطبوعات، ۱۷/۹/۱۳۸۳

هم پس از جریان‌ات اخیر به خصوص در چند سخنرانی این موضوع را مطرح فرمودند:

۱- در تنفیذ ریاست جمهور دهم، ۱۲/۵/۱۳۸۸

۲- در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۱/۵/۱۳۸۸

۳- در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

۴- در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

اخیراً دیدم فصلنامه سیاسی علمی میثاق مقاله ای را از جناب آقای حسین عبداللهی فر پیرامون بصیرت به چاپ رسانده، با هم این مقاله را مرور کنیم مفید است:

بصیرت در لغت:

بصیرت واژه ای است عربی از ریشه بصر به معنای بینایی بدون ابزارهای حسی که از صفات خدای متعال است.

بصیرت به معنای بینایی دل است، عقل و زیرکی و علم و حجت و دلیل را هم که از معانی بصیرت بر شمرده اند از آن جهت است که موجب معرفت و درک و بینایی قلب می شوند (۱).

بصیرت را به معنای روشن بینی، روشن دلی، درک عمیق، بینش، بینایی، دانایی، زیرکی و هوشیاری و چراغ راه و قطب نمای جهت حرکت نیز دانسته اند.

بصیرت یکی از صفات انسانی است که به ضمیر و دل او مربوط می شود. اگر بصیرت کامل گردد کمال انسانی و سعادت او را به دنبال دارد و به او

ص: ۱۳۳

کمک می کند تا در خط ولایت در برابر دشمن در صف حق و دارای تحلیل صحیح از اوضاع پیرامونی خویش گردد.

بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است.^(۱)

بصیرت در اندیشه سیاسی

بصیرت در اندیشه سیاسی معادل «بینش» به کار رفته و به الهاماتی اطلاق می شود که رفتار آدمی را تبیین می کند. لذا بصیرت را از لحاظ علمی عبارت از درک حقایق دانسته اند که از طریق دریافت واقعیات به دست آمده و انسان را از ظواهر به اعماق و باطن رهنمون می سازد.

دانش بشر که از راه حواس و عقل حاصل می گردد انسان را به کشف واقعیات (آن چه که هست) رهنمون می سازد، اما راه دستیابی به حقایق (شامل آنچه که باید باشد) بینش انسان هاست. از آنجا که دانش انسان و روش های رسیدن به آن محدود است و انسان را ناگزیر به پذیرش واقعیت ها می نماید، این بینش آدمی است که به او روش ها و منزلگاه شرایط مطلوب (حقیقت) را نشان می دهد.

بینش سیاسی بر دانش و روش در سیاست مقدم است، زیرا این بینش است که معیار و ملاک انتخاب موضوعات مورد تفکر پژوهشگر و روش مناسب درست اندیشیدن را به او یاد می دهد.

ص: ۱۳۴

بینش بر دانش و روش سیاسی مقدم است و بدون داشتن بینش منسجم و هدفمند، کوشش برای شناخت و تبیین پدیده‌ها و فراگردهای سیاسی بی‌ثمر می‌باشد.

کسب دانش سیاسی بدون ارتقای بینش سیاسی برای فهم پدیده‌های سیاسی و اجتماعی کافی نیست و فایده‌چندانی در بر ندارد، زیرا دانش مستمراً در حال تحول است در حالی که بینش ظرفیت و قالب انسجام یافته‌ای دارد که ترجیحات و گرایش‌ها و ارزش‌های هر فرد را مشخص می‌کند.

روش‌ها مسیر درست اندیشیدن را به ما نشان می‌دهند ولی این بینش است که منظور غایی از برآوردن فکر را ترسیم و تعیین می‌کند.

پرورش بینش برای شناخت ارزش‌ها و گزینش روش برای درک واقعیت‌ها بر هر امری ارجح است. (۱)

بینش انسان به او کمک می‌کند تا واقعیات جهان را پذیرفته اما تسلیم آن نشود و به جای برخورد جبری گرایانه به توانمندی بشر در تغییر شرایط از بود به مطلوب بیندیشد.

البته انسان‌ها در بینش خود یکسان دیده نمی‌شوند برخی سطحی‌نگر و ظاهر بین، خودبین و کوتاه نظر و اسیر تعصبات جزمی و در مقابل عده‌ای جهان بین و دوراندیش هستند.

ص: ۱۳۵

۱- کاظمی، سید علی اصغر، روش و بینش در سیاست، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ سوم، ۱۳۸۶، مقدمه

بینش نیز چون دانش برای تکوین مراحل دارد. مرحله اول بینش همان غرائز و احساسات و قوه عقلانی است. بینش در مرحله دوم متأثر از معرفت علمی و برداشت های دینی است. و در مرحله سوم آدمی را به کمال می رساند، و دارنده خود را که «انسان کامل» نام دارد به نقطه ای می رساند که می بیند آن چه را که دیگران می دانند.

بر این اساس از منظر علم میان دانش و بینش رابطه علی و معلولی وجود دارد چنان چه می توان گفت: «دانش مولد بینش است و بصیرت مولود آگاهی و دانستن».

بصیر کیست؟

از این رو، بصیر و انسان با بصیرت کسی است که خوب می شنود، سپس خوب تفکر می کند، سپس باز خوب می نگرد، از عبرت ها پند می گیرد، راه روشن را پیدا می کند و روشنگری می کند، در خط ولایت می ماند و حمایت می کند، در فتنه ها دچار تشخیص غلط نمی گردد، با سکوت خویش به قربانی شدن حق تن نمی دهد، حق را می گوید ولو آن که به زیانش باشد، سخن حق را تحریف نمی کند، از این که سخن حق را بگوید نمی هراسد، مدافع عدالت می گردد و آن را پاس می دارد و خواستار اجرای عدالت می شود.

ص: ۱۳۶

در قرآن کریم خداوند عالم کلمه «بصیر» را در مقابل «نابینا» قرار داده و در سوره های رعد، انعام، فاطر، غافر و هود در قالب استفهام، مساوی دانستن بینا و نابینا (الاعمی و البصیر) را رد فرموده است.

«قل هل یستوی الاعمی و البصیرام هل یستوی الظلمات و النور» «و ما یستوی الاعمی و البصیر».

انسان هایی که بی بصیرتند به تعبیر قرآن از چهار پایان گمراه ترند چنانچه در سوره اعراف آمده است:

«ولقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون». (آیه ۱۷۹)

خداوند سبحان از پیامبرش نیز خواسته که بگوید روش من دعوت از روی بصیرت است. آن جا که می فرماید: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین» (یوسف / ۱۰۸)

بصیرت در قرآن کریم به صورت های مختلف و معانی دیگری نیز به کار رفته و در آیات متعددی آمده است:

۱. «قد جاء کم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فاعلیها و ما انا علیکم بحفیظ». (انعام / ۱۰۴)

۲. «هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون». (جاثیه / ۲۰)

۳. «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون». (اعراف / ۲۰۱)

۴. «... ان في ذلك لعبره لاولى الابصار». (آل عمران / ۱۳)

۵. «فاعتبروا يا اولى الابصار». (حشر / ۲)

از نگاه خاتم انبیا (ص) نابینای واقعی کسی است که بصیرت نداشته باشد. چنان چه فرمود: «لیس الاعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تعمی بصیرته» کور کسی نیست که چمشش نابینا باشد، کور کسی است که بصیرت نداشته باشد.

حضرت رسول اکرم (ص) درباره راه کسب بصیرت فرمودند: «هر که از دنیا بگذرد خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت دهد». (۱)

و حسین بن خالد در یک حدیث از حضرت رسول (ص) روایت می کند که فرمودند: «ملعون است کسی که دیده بصیرت ندارد».

از وصایای رسول اکرم (ص) به ابی ذر رضی الله عنه آمده است: «یا اباذر، چون خداوند خواهد به بنده ای نیکی کند و خیر و سعادت را نصیب او گرداند به وی بصیرت در دین و زهد در دنیا و آگاهی به عیوب خویش عطا کند». (۲)

و آن امامی که به تعبیر مقام معظم رهبری ماندن در خط او بصیرت بسیار بالایی نیاز داشت؛ از دست دادن چشم را قابل تحملتر از بصیرت می دانست

ص: ۱۳۸

۱- نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، ص ۷۶۶

۲- من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۲، ص ۲۷

و می فرمود: «فقد البصر اهون من فقد البصيره» تحمل از دست دادن چشم به مراتب آسانتر از دست دادن بصیرت است.

وصی رسول خدا (ص) امیرمؤمنان امام علی (ع) خود تأکید داشت: «لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر و العلم بمواضع الحق» ماندن در کنار حق، بصیرت و صبر می خواهد.

چنان چه ماندن در کنار حسین بن علی (ع) در روز عاشورا بصیرت نافذ می طلبید. علی بن الحسین امام سجاد (ع) راز وفاداری عمویش حضرت ابوالفضل (ع) را بصیرت نافذ ذکر نموده و می فرماید: «ان عمی العباس کان نافذ البصيره» عمویم عباس دارای بصیرت نافذ بود.

امام باقر (ع) در خصوص جایگاه رفیع بصیرت می فرمایند: کمال و تمام کمال است تفقه و بصیرت پیدا کردن در دین، و صبر کردن در مصیبت و کار دشوار، و اندازه آوردن امر معیشت. و در جایی دیگر فرمودند: «کور نیست مگر آن کس که کوردل باشد. همانا چشم ظاهر نیست که دچار کوری می شود بلکه آن دل هایی که در سینه ها است از بصیرت کور می گردد».^(۱)

امام صادق (ع) نیز پیامدهای بی بصیرتی را گوشزد فرموده و او را گم گشته راهی می داند که از مسیر منحرف گردیده و برخلاف مقصد پیش می رود. چنان چه در اصول کافی از قول ایشان درباره خطر عدم بصیرت آمده است: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق و لا یزیده سرعه السیر من

ص: ۱۳۹

الطریق الا بعداً» آن کس که بدون بصیرت عمل می کند، هم چون کسی است که بر راه درست پیش نمی رود، این است که هر چه تندتر برود از مقصود دورتر می شود.^(۱)

امام متقیان که از نه سالگی با بصیرت اسلام اختیار کرد و از بی بصیرتان روزگار خویش رنج های فراوان برد، در اوصاف اهل بصیرت بیانات نغزی دارد که به چند نمونه آن اشاره می گردد:

۱. «زاهدان گروهی از مردم دنیایند که دنیا پرست نمی باشند، پس در دنیا زندگی می کنند، اما آلودگی دنیا پرستان را ندارند، در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می کنند، و در ترک زشتی ها از همه پیشی می گیرند، بدن هایشان به گونه ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرتند، اهل دنیا را می نگرند که مرگ بدن ها را بزرگ می شمارند، اما آنها مرگ دل های زندگان را بزرگتر می دانند.»^(۲)

۲. «چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن نابودی است؟ در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد فریب می خورد، و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است، و تلاش کننده دنیا به آن نرسد، و به رها کننده آن، روی آورد. کسی

ص: ۱۴۰

۱- اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۲۸۳

۲- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۹۷

که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد، و آن کس که چشم به دنیا دوزد کور دلش می کند» (۱).

۳. «مردمی بودند در دنیا که نمی دانستند دنیا چیست، در آن چون کسی به سر بردند که از مردم دنیا نیست. کار از روی بصیرت کردند و در آنچه از آن پرهیزشان باید سبقت جستند. تن هایشان- این جا به کوشش است لیکن به حقیقت- میان مردم آخرت در گردش است. مردم دنیا را می بینند که مرگ تن هایشان را بزرگ می پندارند، اما آنان مرگ دل های زندگان را بزرگتر می شمارند» (۲).

بصیرت از منظر حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) که به تعبیر مقام معظم رهبری خود به معنای واقعی بصیر بود و «بصیرتی داشت که خیلی چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت نمی دیدیم او آنها را در نگاه عادی مشاهده می کرد، حرف های او برخاسته از چنین دلی و چنان حکمتی بود» (۳).

تفاوت انسان با حیوان را به بصیرت دانسته و می فرماید: «انسان با روح انسان است، با بصیرت انسان است. ما همه با همه حیوانات شرکت داریم در این که گوش داریم، چشم داریم، پا داریم و ما دست داریم چه، اما این مناط و

ص: ۱۴۱

۱- همان مدرک، ص ۴۶۹

۲- نهج البلاغه، ترجمه ی شهیدی، از نامه آن حضرت است به معاویه ص ۳۰۸

۳- رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۴/۹/۱۳۶۹

انسانیت نیست، آنی که انسان را از همه موجودات جدا می کند، از همه موجودات طبیعی جدا می کند، آن قلب انسان است، آن بصیرت انسان است. شما بصیرت داشته باشید، انسانید. اگر بصیرت نداشته باشد، ابوجهل چشم داشت اما انسان نبود، بعضی از انبیا هم چشم نداشتند و

نبی بودند. میزان در انسانیت، معنویت انسان است».(۱)

آن امام همام (ره) با تأکید بر بصیرت قلبی آدمی، «سعادت» انسان را در گرو بصیرت او معرفی نموده و تصریح داشتند: «این معنا را باید بدانید که انسان به روح انسان است، انسان به بصیرت، بصیرت قلبی انسان است. این آلات ظاهری، آلاتی است که وسیله است و این ها از بین رفتنی است. آن چه باقی می ماند روح انسان است و آن چه در انسان سعادت را ایجاد می کند بصیرت انسان است. و من امیدوارم که شماها بصیرت به طور کامل داشته باشید و خدای تبارک و تعالی به شما توفیق و سعادت عنایت کند».(۲)

از نگاه آن بزرگ مردی که با بصیرت والای خویش دشمنان اسلام را به خاک مذلت نشانده است تنها راه شناخت دشمن دید با بصیرت است: «من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان- به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با

ص: ۱۴۲

۱- صحیفه نور، ج ۸، صفحه ۳۴، تاریخ ۱۴/۴/۵۸

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸، تاریخ ۲۸/۷/۵۸

آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند» (۱).

بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی که با بصیرت نافذ خویش توانست با فتنه های بزرگی چون فتنه لیبرال ها، فتنه گروهک خلق مسلمان، فتنه منافقین، فتنه بنی صدر، فتنه مهدی هاشمی و ده ها توطئه داخلی و خارجی در کنار جنگ تحمیلی و تهدیدات نظامی و تحریم های اقتصادی و جنگ روانی و فشارهای سیاسی مقابله نماید، ادامه این فتنه چینی ها علیه نظام را پیش بینی نموده و با تأکید بر این که دشمنان انقلاب برای پنجاه سال آینده نقشه می کشند، می فرمود: «انشاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد» (۲).

آن صاحب بصیرت عمیق، بصیرت را امری خدادادی می دانست و آن را وسیله ای جهت شناخت صلاح و فساد ملت معرفی می نمود. آنجا که می فرمود: «تمام قلوب و تمام ابصار و بصیرت ها در دست خدای تبارک و تعالی و ید قدرت اوست. اوست که تدبیر می کند جهان را، لیل و نهار را و اوست که قلوب را متحول می کند و بصیرت ها را روشن می کند و اوست که حالات انسان را متحول می کند و ما آن را در ملت عزیز خودمان، در زن و مرد، در کوچک و بزرگ یافتیم. این تقلیب قلوب که قلب ها از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است بریده بشود و به حق تعالی پیوسته

ص: ۱۴۳

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۹، تاریخ سخنرانی ۲/۱/۶۸

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۴۱، تاریخ ۲۹/۴/۶۷

بشود و بصیرت‌ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله بصیرت بفهمند»^(۱).

بصیرت از منظر امام راحل (ره) به عنوان مجتهد تراز اول دنیای اسلام از چنان جایگاه رفیع و ضرورتی انکار ناپذیر برخوردار بود که برخورداری از آنرا برای مجتهدین جامع‌الشرایط نیز لازم می‌شمرد:

«برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسایل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قلب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع‌الاست»^(۲).

بصیرت از منظر مقام معظم رهبری

الف) ضرورت‌های بصیرت

مقام معظم رهبری در بیان ضرورت و لزوم بصیرت به ویژه بصیرت سیاسی، ریشه تمام مشکلات بشر را «بی بصیرتی» دانسته و خطاب به دانشجویان و دانش‌آموزان می‌فرماید:

ص: ۱۴۴

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۷ تاریخ ۱/۱/۶۱

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، تاریخ ۳/۱۲/۶۷

«عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می آید، بر اثر یکی از این دو است، یا عدم بصیرت، یا عدم صبر، یا دچار غفلت می شوند، واقعیت ها را تشخیص نمی دهند، حقایق ها را نمی فهمند یا با وجود فهمیدن واقعیات از ایستادگی خسته می شوند»^(۱).

بصیرت در دیدگاه رهبر معظم انقلاب تا بدان اندازه از جایگاهی رفیع برخوردار است که خطاب به پاسداران بیت خویش به عنوان افراد مورد علاقه خویش می فرمایند:

«اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کند؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت ها وارد می شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است»^(۲).

دلیل تأکید معظم له بر کسب بصیرت این است که از نظر ایشان انسان های بی بصیرت زود فریب می خورند و چون فریب می خورند حتی اگر آدم های دلسوزی هم باشند آب به آسیاب دشمن می ریزند^(۳).

دلیل دیگری که سبب دغدغه ایشان نسبت به ضعف بصیرت در خواص می باشد بروز بد رفتاری هایی است که نمونه هایی از آن را در حوادث پس از انتخابات ۸۸ شاهد بودیم. معظم له در این خصوص فرمودند:

ص: ۱۴۵

۱- در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ۱۳۷۷/۸/۱۲

۲- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۵/۲۱

۳- سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴

«باید بصیرت داشت. آن چه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث با این خطوط دشمن با بصیرت مواجه بشوند، با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی بصیرتی است.»^(۱)

از عارضه های بی بصیرتی که برای بیان ضرورت بصیرت مورد تأکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته این است که آدم های کم بصیرت برای رسیدن به مقاصد خویش به تفرقه افکنی در جامعه اسلامی می پردازند. لذا خطاب به نیروهای انقلاب می فرمایند: «نگذارید به بهانه های گوناگون، آدمهای کم بصیرت، یا کم صبر، یا خودخواه یا بی توجه به مصالح عمومی مردم، میان صفوف مستحکم شما فاصله بیندازند و شما را نسبت به یکدیگر یا نسبت به مسئولان دل چرکین و نگران کنند. آگاه باشید و بدانید که این راه به هدف خواهد رسید، چون راه پیامبران و راه اوصیا و آرزوی مؤمنان صالح در طول همه زمان های گذشته است. ملت های دیگر به شما نگاه می کنند و می خواهند از شما بیاموزند.»^(۲)

موضع گیری برخی نخبگان به نفع دشمن مورد بسیار مهم دیگری است که رهبر معظم انقلاب در بیان عوارض بی بصیرتی مورد اشاره قرار داده و می فرمایند: «بنابراین بصیرت مهم است نقش نخبگان و خواص هم این است

ص: ۱۴۶

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲/۷/۱۳۸۸

۲- سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۰

که این بصیرت را نه فقط در خودشان در دیگران به وجود بیاورند، آدم گاهی می بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی بصیرتی اند، نمی فهمند، اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می پرانند، به نفع جبهه ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند آدم های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند اما این است دیگر، بی بصیرتی است دیگر»^(۱).

از همین رو، از منظر مقام معظم رهبری «بی بصیرت ها» به جهت این که فریب می خورند در جبهه دشمن قرار می گیرند چنانچه می فرمایند: «عاشورا پیام ها و درس هایی دارد. عاشورا درس می دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد... درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی بصیرت ها فریب می خورند. بی بصیرت ها در جبهه ی باطل قرار می گیرند، بدون این که خود بدانند. هم چنان که در جبهه ی ابن زیاد، کسانی بودند که از فساق و فجّار نبودند، ولی از بی بصیرت ها بودند»^(۲).

و این البته تنها نمونه هایی از عوارض منفی عدم بصیرت است و از نگاه معظم له بسیاری از خطاهای نخبگان بر اثر بی بصیرتی است. چنان چه تصریح می کنند: «خطاهایی که بعضی از افراد می کنند- می بینید در جامعه ی

ص: ۱۴۷

۱- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۵/۵/۱۳۸۸

۲- در دیدار فرماندهان گردانهای عاشورای نیروهای مقاومت در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۲۲/۴/۱۳۷۱

خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهایی می‌کنند نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌کم هم بیشتر نباشد، کیفیاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است- بر اثر بی بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمی‌گوئیم همه‌اش» (۱).

بر همین اساس از نگاه ایشان هر چه مقام بالاتر باشد بصیرت بیشتری لازم است، لذا بر تقویت بصیرت و آگاهی توصیه کرده و می‌فرمایند: «بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت‌ها برای هر عالمی- چه اعلم‌العلماء باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد- ضروری است، منتهی هر چه مقام بالاتر باشد، آگاهی‌های بیشتر و وسیعتری مورد لزوم است. باید آگاهی و بصیرت را در خود تقویت کنیم» (۲).

ب) کارکردهای بصیرت

اشاره

کارکردهای بصیرت در ابعاد فردی و جمعی و در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به اندازه‌ای متعدد و فراوان می‌باشد که اشاره به همه آنها در این مقال نمی‌گنجد، لکن ذیلاً برخی از موارد مهم آن را مرور می‌کنیم:

ص: ۱۴۸

۱- همان

۲- سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۲۰/۴/۱۳۶۸

۱- برای ماندن در خط ولایت

«آنهایی که دور و بر امیرالمومنین بودند و ایستادند و جنگیدند، خیلی بصیرت به خرج دادند، که بنده بارها از امیرالمومنین نقل کرده ام که فرمود: لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر. در درجه اول، بصیرت لازم است. معلوم است که با وجود چنین درگیری هایی مشکلات امیرالمومنین چگونه بود. یا آن کج رفتارهایی که با تکیه بر ادعای اسلام، با امیرالمومنین می جنگیدند و حرف های غلط می زدند»^(۱).

۲- برای حرکت در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز

«در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی شود حرکت کرد. جوان ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت ها لازم است»^(۲).

ص: ۱۴۹

۱- خطبه های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۱۸

۲- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵

۳- جهت شناخت دوست و دشمن در شرایط فتنه

«بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله ی امیرالمومنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر» می دانید، سختی پرچم امیرالمومنین از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود، چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمومنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند».^(۱)

۴- شناخت طرف مقابل خودتان

«وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر می دارید. یک روز شما می خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می شود رفت تو خیابان قدم زد، اما یک روز می خواهید بروید قله ی دماوند را فتح کنید اودیگر تجهیزات خودش را می خواهد. بصیرت یعنی این که بدانید چه می خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید».^(۲)

ص: ۱۵۰

۱- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۱/۵/۸۸

۲- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

۵- برای جلوگیری از ضربه دشمن

«این تجربه بایستی برای ما- همه ی ما، همه ی آحاد مردم- تجربه ی هشدار دهنده ای باشد. اگر ما در صحنه ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد، این برای ما تجربه شد.»^(۱)

۶- برای جلوگیری از مشتبه شدن حق و باطل

«جوانان عزیز! هر چه می توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمومنین در یک خطبه ای از جمله ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می شمارد: «انما بدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمومنین می فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان». آن کسانی که مردم را می خواهند گمراه بکنند، باطل را به

ص: ۱۵۱

۱- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ رئیس جمهور دهم، ۱۲/۵/۸۸

صورت خالص نمی آورند، باطل و حق را آمیخته می کنند، ممزوج می کنند، آن وقت نتیجه این می شود که «فهنالك يستولى الشيطان على اوليائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می شود. این است که بصیرت می شود اولین وظیفه ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود». (۱)

۷- برای شناخت عوام از خواص

«ای بسا کسانی که تحصیلات عالی هم کردند و جزو عوامند. ای بسا کسانی که تحصیلات دینی هم کردند و جزو عوامند. ای بسا کسانی که فقیرند یا غنی اند و جزو عوامند. عوام بودن، دست من و شماست. باید مواظب باشیم عوام نباشیم، یعنی هر کاری می کنیم از روی بصیرت باشد. آن کسی که از روی بصیرت کار نمی کند عوام است. لذا می بینید قرآن، درباره پیغمبر می فرماید «ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی یعنی من و پیروانم با بصیرت عمل می کنیم و دعوت می کنیم و پیش می رویم». پس اول ببینید جزو آن گروه عوامید یا نه اگر جزو گروه عوامید، به سرعت خودتان را از گروه عوام خارج کنید. سعی کنید قدرت تحلیل پیدا کنید، تشخیص بدهید، معرفت پیدا کنید».

ص: ۱۵۲

در گروه خواص هم بینیم ما جزو خواص طرفدار حقیم یا خواص طرفدار باطل، قضیه اینجا روشن است. خواص جامعه ما، جزو خواص طرفدار حقند.^(۱)

۸- کند سازی همه ی تیغهای دشمن

اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می کنند و قدم بر می دارند، همه ی تیغ های دشمن درمقابل آنها کند می شود. بصیرت این است.^(۲)

۹- راه نجات از دشمن واقعی

«راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است. راه نجات، بصیرت نسبت به دشمن واقعی است. ملتهای مسلمان باید دشمن واقعی را بشناسند و ترفند و خدعه استکبار را درک کنند».^(۳)

ص: ۱۵۳

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله سپاه پاسداران، ۲۰/۳/۷۵

۲- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۸۸

۳- سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها ۲۴/۵/۱۳۶۹

۱۰- جلوگیری از کارهای دشمن

«شاید یکی از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهن‌ها را باز کرد، ذهن‌ها را سیاسی کرد، چشم‌ها را باز کرد، و همه را با مسایل کشور آشنا کرد.

این آشنایی، این بصیرت باید روز به روز بیشتر و زیادتر بشود. اگر این بشود، دشمن هیچ کاری نمی‌تواند انجام بدهد. و بدانید مسئولین کشور همه آماده هستند. برای این که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام بدهند»^(۱).

۱۱- دفع دشمنی‌ها

«امروز همه جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، قشرهای مختلف ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما، مگر من شد و ندی که دل به زندگی‌های رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند- فهمیده‌اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت، با روشن بینی، با خردمندی بفهمند و آن را به کار بگیرند، تا بتوانند از دشمنی‌ها را کم کنند، دشمنی‌ها را دفع کنند، این همان بسیج است، حقیقت بسیج یعنی این، ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این»^(۲).

ص: ۱۵۴

۱- بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۹/۵/۱۳۷۶

۲- در دیدار با گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار ۲/۹/۱۳۷۷

۱۲- محکی برای محاسبه همکاری یا عدم همکاری با دشمن

«دارا بودن بصیرت سبب می شود که ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید این ها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگر اظهار نظری هم می خواهیم بکنیم، با توجه به این ها باشد، عمل و اقدامی می خواهیم بکنیم، با توجه به این ها باشد بینیم آیا داریم به دشمن کمک می کنیم یا نه. این به نظر من چیز مهمی است»^(۱).

۱۳- جهت یابی در غبار فتنه

«بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب گاهی در راه بد قدم می گذارد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می کنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط می شود. این قطب نما، همان بصیرت است»^(۲).

۱۴- عامل پیروزی ملت ایران

«نهضت عظیم اسلامی، همت مردم، رهبری شخصیت بی نظیری مثل امام- که حقاً و انصافاً شخصیت بی نظیری بود- کار خودش را کرد. «صبر» و

ص: ۱۵۵

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

۲- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

«بصیرت» بنده بارها از کلام امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) این را نقل کرده ام: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ بصیرت- آگاهی- و صبر؛ یعنی استقامت، پافشاری، خسته نشدن. این دو خصوصیت در ملت ایران پیدا شد و کار خودش را کرد و انقلاب پیروز شد». (۱)

۱۵- موجد دریای خروشان انقلاب

«در طول سال های قبل از انقلاب هرچه شما عقب بروید محنت، ذلت، بدبختی، فشارهای گوناگون از طبقات حاکم و سلطه و زورگویی و تحقیر از طرف قدرت های بیگانه را در کشور ما می بینید، وقتی در برهه ای از زمان آگاهان جامعه، بزرگان جامعه، دانایان جامعه و کسی مثل امام بزرگوار پیدا شدند، در مردم بصیرت دمیدند، مردم را به صبر وادار کردند، و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر را در جامعه رایج کردند، این دریای خروشان بوجود آمد و توانست آن تاریخ سر تا پا مذلت و محنت را قطع کند و تسلط بیگانگان را بر این کشور از میان بردارد». (۲)

۱۶- عامل عبور انقلاب از حوادث بزرگ

«خیلی اوقات امواج باطل می آید حق را لگدکوب می کند و عبور می کند. حق بودن به اضافه ی اقدام، عامل اراده و به اضافه ی ایستادگی و پایداری

ص: ۱۵۶

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه ۱۳۷۷/۸/۱۲

است که آن معجزه را تحقق می بخشد. این پایداری، این ایستادگی این تصمیم و این فداکاری در صحنه ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاص ها، بینش ها و بصیرت ها که امروز در جمع جوانان مومن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد، که یک نمونه ی با ارزش آن را این جا مشاهده می کنیم. اما آنچه بزرگتر از آن حادثه ی بزرگ و باور نکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه ی امواج متلاطم و خصمانه ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد» (۱).

۱۷- شناخت ترفندهای دشمن

«من می خواهم عرض کنم: جوانان عزیز، بسیجیان عزیز، هر جای کشور که هستید این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسایل کوچک، جلوی بصیرت ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد، و آن ملتی موفق می شود که فریب نخورد. دشمن سعی می کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن کوچک کند. سعی می کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست، ملتی

ص: ۱۵۷

که در راه خدا جان برایش نثار کردنی ست، آنجایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می تواند داشته باشد»^(۱).

۱۸- نبستن چشم بر سوابق دشمن

«ملت ایران، به خاطر این که گذشته خود را با بصیرت نگاه می کند، چشم خود را بر گذشته نمی بندد. مسایل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می کند. ملت ایران، به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار و در

وضع فعلی، رژیم ایالات متحده آمریکا در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است»^(۲).

۱۹- جلوگیری از تأثیر دشمن بر خواص

«دشمن انواع و اقسام کار را می کند انواع و اقسام فعالیت را می کند عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می نشینند طراحی می کنند تا ذهن خواص را عوض

ص: ۱۵۸

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۲۷/۸/۱۳۷۱

۲- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع نیروهای شرکت کننده در مانور عظیم طریق القدس، ۳/۲/۱۳۷۶

کنند برای این که بتوانند مردم را بکشانند، چون خواص تأثیر می گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند»^(۱).

۲۰- ممانعت از سکوت و کنار کشیدن خواص در فضای فتنه

«این را هم عرض بکنیم بعضی ها در فضای فتنه این جمله ی «کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیر کب و لا ضرع فیحلب» را بد می فهمند و خیال می کنند معنایش این

است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیر کب و لا ضرع فیحلب»، نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود... گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند، همه بایستی بصیرت داشته باشند»^(۲).

۲۱- عاملی برای توجه به انگیزه های دشمن

«مواظب باشید بصیرتتان را از دست ندهید، دشمن را بشناسید، و دشمنی ها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن می کند حرفی که دشمن می زند و شایعه ای که دشمن می اندازد، به چشمتان بیاید. توجه کنید

ص: ۱۵۹

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

۲- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

که دشمن با چه انگیزه ای این حرف را می زند، این شایعه را می پراکند، این خبر دروغ را نقل می کند و این اظهار منافقانه را برزبان جاری می نماید. به هر حال، دشمن، دشمن است»^(۱).

ص: ۱۶۰

۱- سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ص ۱۳۳، تاریخ سخنرانی: ۱۴/۳/۱۳۷۰

منابعی که در این مصاحبه و گفتگو مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته اند:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- آزادی یا توطئه، جمعی از فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم، انتشارات فیضیه، ۱۳۷۹، قم.
- ۴- پایان داستان غم انگیز، حمید رسایی، انتشارات کیهان، ۱۳۸۰، تهران.
- ۵- جمهوری اسلامی و قدرت نرم، محمودرضا گلشن پژوه، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۷، تهران.
- ۶- فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی، مهدی مطهر نیا، انتشارات دفاع، ۱۳۷۸، تهران.
- ۷- مثلث سلطه، جواد خواجه پور، انتشارات دفاع، ۱۳۸۶، تهران.
- ۸- هجوم خاموش، سید محمد سقا زاده، انتشارات عطر یاس، ۱۳۸۵، قم.
- ۹- طرح های مدون آمریکا علیه انقلاب و مردم ایران، علی شیرازی، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۴، قم.
- ۱۰- جنگ روانی، حسین متفکر، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۷، قم.
- ۱۱- جنگ نرم، حسین عبدی، انتشارات معارف، ۱۳۸۸، قم.
- ۱۲- سخن یار، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۸، تهران.
- ۱۳- جنگ نرم، داود رنجبران، انتشارات ساحل اندیشه، ۱۳۸۸، تهران.

۱۴- فریاد جمهوریت، سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۸، تهران.

۱۵- بصیرت پاسداری ۲، جمعی از نویسندگان، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۸، تهران.

۱۶- ناتوی فرهنگی، پژوهشگران بسیجی، انتشارات خورشید، ۱۳۸۷، تهران.

۱۷- ایران، دیروز، امروز، فردا، محسن نصیری، انتشارات معارف، ۱۳۸۷، قم.

۱۹- فصلنامه سیاسی، علمی میثاق، نمایندگی ولی فقیه در نمسا، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۸۸، تهران.

ص: ۱۶۲

۱. درسنامه ولایت فقیه (بازشناسی اندیشه سیاسی اسلام در عصر غیبت و پاسخ به شبهات آن).
۲. گفتگوی افسران جوان با فرمانده (پیرامون جنگ نرم).
۳. مجموعه مقالات جنگ نرم.
۴. مجموعه کامل قصه‌های قرآن.
۵. راهنمای کشف موضوعات نهج البلاغه.
۶. ترجمه صحیفه سجادیه.
۷. ترجمه رساله الحقوق امام سجاد.
۸. کتابنامه صحیفه سجادیه.
۹. گلبرگ‌های مهدوی.
۱۰. نشانه‌های شگفت‌آور آخرالزمان.
۱۱. وصایای امام علی به جهان بشریت.
۱۲. سوغات مرگ (پیرامون مواد مخدر).
۱۳. در کوی عاشقان (ترجمه زیارت ناحیه مقدسه و جمکران).
۱۴. پروانگان عاشق (پیرامون شهداء).
۱۵. سرزمین آرزوها (پیرامون اماکن زیارتی عتبات عالیات).
۱۶. در سرزمین وحی (پیرامون حج و عمره).
۱۷. آثار و برکات نماز جمعه و جماعت.
۱۸. فضایل و برکات نماز شب.

۱۹. آثار و برکات روزه‌داری.
۲۰. آفتاب شیراز (شرح حال حضرت احمد بن موسی شاهچراغ).
۲۱. گوهرهای معنوی.
۲۲. نگین کرمانشاهان (شرح حال آیت الله سید مرتضیٰ نجومی).
۲۳. شیدای روح الله (شرح حال آیت الله حاج آقا مجتبیٰ حاج آخوند).
۲۴. خورشید خاوران (شرح حال فاضل تونی).
۲۵. مقدس اردبیلی دوم در دیار کرمانشاهان (زندگانی ملا عبدالله بشروی و نواده اش استاد بدیع الزمان فروزانفر)
۲۶. فرزندی از تبار زید شهید در دیار کرمانشاهان
۲۷. پرچمدار معارف علوی در عصر قاجار (شرح حال آقا محمد علی کرمانشاهی)
۲۸. کریمه اهل بیت، حضرت معصومه.
۲۹. پناه بی‌پناهان امام رضا.
۳۰. راهبردهای دولت عدالت.
۳۱. دختران، بهترین فرزندان.
۳۲. جوانی، بهترین دوران زندگی.
۳۳. سبک زندگی و بندگی (بازشناسی سبک زندگی از منظر قرآن و سنت).
۳۴. جهاد کبیر از منظر قرآن و سنت.
۳۵. سند مظلومیت سید الشهداء.

۳۶. رفتارشناسی تبلیغی پیامبر در قرآن و سنت.
۳۷. بازشناسی مکتب بهداشتی درمانی اسلام.
۳۸. جایگاه مسجد، بایدها و نبایدهای آن.
۳۹. جایگاه عفاف و حجاب در قرآن و سنت.
۴۰. تبارشناسی اهل حق و مبانی اعتقادی آنان.
۴۱. لحظه های حضور در پنج شهر مقدس عراق.
۴۲. لحظه های حضور در سرزمین وحی.
۴۳. فقیه مبارز و انقلابی (آیت الله شهید حاج آقا بهاء الدین محمدی عراقی).
۴۴. سردار علم و عمل (آیت الله العظمی شیخ حیدر قلی سردار کابلی).
۴۵. نابغه ای عجیب (آیت الله العظمی حاج شیخ حسن علامی).
۴۶. سیری در زندگانی خاندان جلیلی زنگنه کرکوکلی در دیار کرمانشاهان.
۴۷. پرچمدار مشروطه خواهی در دیار کرمانشاهان (آیت الله شیخ محمد مهدی فیض مهدوی).
۴۸. سلسله سادات مرعشیه در دیار کرمانشاهان .
۴۹. روستای سرماج کرمانشاهان (مرکز حکومت ۵۰ ساله آل حسنویه).
۵۰. رساله فی الخمس .
۵۱. رساله فی الغناء والموسیقی.
۵۲. رساله فی المهر.

۵۳. رساله ذبح شرعی با ابزار نوین.

و اما مقالات

۵۴. احمد بن اسحاق قمی در دیار کرمانشاهان.

۵۵. مدیریت منابع انسانی و توسعه آن.

۵۶. رفتارشناسی پیامبر اسلام در تحکیم مبانی وحدت.

۵۷. رفتارشناسی تبلیغی پیامبر در قرآن و سنت.

۵۸. مفهوم و روش‌های خدمت رسانی خرسند ساز در نیروهای مسلح.

۵۹. وظایف نویسندگان بسیجی در فرهنگ سازی اسلامی بسیجی در سطح جامعه.

۶۰. شخصیت، بینش و روش تاریخ نگاری ابوحنیفه دینوری.

۶۱. جهانی شدن فرهنگ ایثار و شهادت.

۶۲. مکان یابی دفن علی اصغر در منابع فریقین هشت سده نخست اسلام.

۶۳. موقعیت و بافت شهری، قبیله ای مکه هنگام ظهور اسلام.

۶۴. موقعیت و بافت شهری، قبیله ای مدینه هنگام ظهور اسلام.

۶۵. شعرای شیعه و نقش آنان در گسترش تشیع.

ص: ۱۶۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

